



کود کی ممنوع!

نگاهی به پدیده‌های شوم و جنایت‌بار
«کودک-همسری» و «کودک-سربازی»

نیره انصاری



کودکی ممنوع!

نگاهی به پدیده‌های شوم و جنایت‌بار
«کودک-همسری» و «کودک-سربازی»



توانا
TAVANA

آموزش‌سکده آنلاین
برای جامعه مدنی ایران
e-collaborative
for civic education



www.tavaana.org

پروژه

e-collaborative
for civic education

www.eciviced.org

کودکی ممنوع!

نگاهی به پدیده‌های شوم و جنایت‌بار
«کودک-همسری» و «کودک-سربازی»

نیره انصاری

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

زمستان ۱۴۰۳

© E-Collaborative for Civic Education 2024

e-collaborative for civic education

(ECCE (E-Collaborative Civic Education) یک سازمان غیرانتفاعی در ایالات متحده آمریکا تحت 501c3 است که از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می‌کند.

ما به عنوان بنیان‌گذاران و مدیران این سازمان اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل‌دهنده ایده‌های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان‌طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آن‌ها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی‌های شهروندی و سیاسی برای تک‌تک شهروندان و امنیت، برابری و عدالت می‌داند. ما دموکراسی را مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نهادها و فرایندهای دانی که میسر صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکرگرایی و جوامعی شایسته‌سالار است که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارج می‌گذارند.

ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزشکده توانا: آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزشکده توانا در ارائه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارائه دوره‌های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وب‌نويسي، جدایی دین و دولت و توانایی‌های رهبری ارائه می‌شوند. آموزشکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه‌هایی مثل مطالعات موردی در جنبش‌های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با کنشگران و روشنفکران، دستورالعمل‌های خودآموز، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارائه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی‌های آموزشکده توانا متوجه گردآوردن بهترین متفکران ایران و صداهای حذف‌شده است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده‌های آنان در جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه‌نگاری، کنشگری و فناوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هم‌وطنان ایرانی و بساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه‌ای باز در ایران داشته باشد.

سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما!

فهرست

۹	مقدمه
۱۲	فصل اول: تاریخچه ازدواج پیش از بلوغ
۱۲	ارتباط سن بلوغ با سن ازدواج در قوانین جاری
۱۵	عقب‌گرد قانون
۱۷	وضعیت حقوقی کودکان غیررشد در قانون مدنی
۲۰	قانون سن ازدواج پس از بهمن ۱۳۵۷
۲۴	سن ازدواج در قانون مجازات اسلامی
۲۶	جرم‌انگاری کودک-همسری
۲۸	دلایل و عوامل ازدواج کودکان
۳۱	اصل «شخصی بودن جرم و مجازات»
۴۶	افزایش ازدواج کودکان
۴۷	پسران نیز قربانی کودک-همسری هستند
۴۷	پیامدهای ازدواج کودکان
۴۹	ازدواج کودکان و مشکلات بسیار
۵۰	فصل دوم: آمارها در ایران و جهان
۵۸	کودک-همسری؛ نوعی تجاوز خاموش
۵۸	احکام شرعی و بلوغ دختران در سن ۹ سالگی

۵۹	مسئولیت مدنی و کیفری کودکان
۶۰	حق و مسئولیت در وهله نخست
۶۰	قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مصوب ۱۳۹۹
۶۱	تحلیلی بر قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مصوب ۱۳۹۹
۶۳	فصل سوم: سن مناسب ازدواج در دیگر کشورها
۶۳	اسناد بین‌المللی
۷۱	کنوانسیون رضایت برای ازدواج
۷۵	کودک-همسری در کشورهای اروپایی
۷۷	مرور یک پرونده
۷۸	فرزندخواندگی
۸۸	فصل چهارم: راهکارها
۸۸	چگونه می‌توان آمار کودک-همسری را کاهش داد؟
۸۹	بهترین دفاع: نگاه‌داشتن دختران در مدارس
۸۹	رسیدگی به وضعیت اقتصادی و بهداشتی زنان متأهل جوان
۹۰	نقش رسانه‌های جمعی
۹۳	نقطه آغاز فرهنگ‌سازی
۹۳	نقش قانون در تحول جامعه
۹۴	راهکارهای حقوقی
۹۵	نیاز به تغییر در نظام حقوقی و اجتماعی
۹۵	هدف فراگیری
۹۷	ضرورت تغییر و افزایش سن ازدواج کودکان در قوانین ایران
۹۸	پایان سخن
۱۰۰	فصل پنجم: کودک-سربازان
۱۰۰	سابقه تاریخی کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک
۱۰۱	حقوق کودکان از منظر حقوق بین‌الملل
۱۰۲	کودک-سرباز: اَبَر‌های مؤمنانه و نظامی
۱۰۳	امنیت: یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشری

۱۰۴	کنفرانس کاهش و محدودسازی جنگ‌افزارها
۱۰۴	کنوانسیون بین‌المللی منع جنگ‌افزارهای شیمیایی
۱۰۵	امنیت انسانی
۱۰۵	منشور ملل متحد و تعهدات دولت‌ها
۱۰۵	حمایت از کودکان سرباز
۱۱۰	کودک-سربازان چگونه به خدمت گرفته می‌شوند؟
۱۱۸	حق و مسئولیت کودک
۱۲۱	حق شنیده‌شدن صدای کودکان در قانون اساسی
۱۲۳	مسئولیت کیفری کودکان در قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی
۱۲۳	گستره حق و مسئولیت کودک بر پایه قوانین در ایران
۱۲۴	قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹
۱۲۴	مسئولیت کیفری کودکان در قوانین و اسناد بین‌المللی
۱۲۸	نقض حقوق کودکان در مناطق درگیری
۱۳۱	نتیجه‌گیری
۱۳۵	منابع
۱۳۵	فارسی
۱۳۶	انگلیسی و سوئدی

مقدمه

کودکان رقم بزرگی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و به عنوان زنان و مردان آینده، سرنوشت جهان را در دست خواهند گرفت. از این‌رو رسیدگی به وضعیت و تربیت و آموزش صحیح آن‌ها تاثیر فراوانی در آینده جهان و به‌ویژه توسعه، صلح و امنیت و آرامش جامعه بشری خواهد داشت.

این امر از یک سو، و از دیگر فراز واقعیت‌های موجود درباره کودکان و ناپسامانی‌ها و مشکلاتی که در خصوص بسیاری از کودکان وجود داشته و امروزه در جوامع گوناگون قابل مشاهده است، اهمیت رسیدگی به آن‌ها و برقراری مقرراتی در جهت تبیین وضعیت و حقوق آنان و پیگیری اجرای آن مقررات را نمایان می‌سازد. میلیون‌ها کودک در سراسر جهان مورد بدرفتاری و بی‌مهری واقع شده و از آنان بهره‌برداری جنسی می‌شود یا قربانی سوءاستفاده در مواد مخدر قرار می‌گیرند. این موارد اهمیت این امر را آشکار می‌سازد که باید حقوق کودکان را شناخت و برای اجرای آن تلاش شود.

افزون بر این، کودکان به دلیل ویژگی‌هایی که به حیث سنی دارند بسیار آسیب‌پذیرتر هستند. پدیده کودک-همسری یکی از مشکلاتی است که همواره گریبان‌گیر جوامع بشری بوده و هست. وقوع ازدواج در سنین پایین و کودکی، که در کنوانسیون‌های جهانی تا سن ۱۸ سالگی را در بر می‌گیرد، پدیده‌ای است که در اکثر جوامع توسعه‌نیافته و سنتی روی می‌دهد.

امروزه یکی از موضوعات رایج و مناقشه‌برانگیز مجامع حقوقی در نظام بین‌المللی رویارویی با پدیده کودک-همسری است. این پدیده در دنیای امروز با مسائل و چالش‌های حقوقی پیوندی ناگسستنی داشته و موجب شده اغلب کشورها/دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی بیش از پیش به کودکان و مشکلات آنان توجه کنند و تا حد ممکن پیامدهای این مشکل را کاهش دهند.^۱

کودک-همسری یکی از چالش‌های اساسی در نهاد خانواده و در جامعه است. همچنین در طول تاریخ جوامع بر اساس مقتضیات زمانی و مکانی وجود داشته، اما افزایش آن در جامعه به‌ویژه به دلایلی همچون فقر و وجود اختلاف فاحش سنی تهدیدی بر نهاد خانواده و جامعه در تمامی تاریخ تلقی شده است.

کودک-همسری، ازدواج در کودکی و نوعی ازدواج رسمی یا غیررسمی است که در آن فرد پیش از رسیدن به ۱۸ سالگی وارد پیمان زناشویی می‌شود. یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی که به مقوله ازدواج اشاره دارد، اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸، ماده ۱۶ و بندهای آن است. این اعلامیه تصدیق می‌کند که ازدواج باید آزادانه و با رضایت کامل باشد. پدیده کودک-همسری از جمله مسائل حقوقی است که مورد توجه حقوق ایران و اسناد بین‌المللی قرار گرفته و به وضعیت و آثار ناشی از این ازدواج پرداخته شده است. بر اساس اسناد بین‌المللی موجود، ازدواج کودکان یکی از اشکال ازدواج اجباری و مصداق نقض حقوق بشر است و هیچ ازدواجی نباید بدون رضایت کامل و آزادانه دو طرف به صورت قانونی به ثبت برسد، در حالی که در حقوق ایران افزون بر رضایت طرفین، رضایت پدر دختر نیز قانوناً لازم است. از این‌روست که به‌ویژه در سال‌های اخیر پدیده ازدواج کودکان یا «کودک-همسری» بار دیگر به مایه نگرانی مخالفان این پدیده در ایران تبدیل شده است. در ایران، مجلس شورای اسلامی طرحی تحت عنوان «کودک-همسری» مطرح کرده است که مخالفان و موافقان زیادی نسبت به آن اظهار نظر کرده‌اند.

اساساً عبارت «کودک-همسری» در خصوص کودکان دختری به کار می‌رود که با مردان بزرگسال به دلیل اجبار حاصل از سنت‌های قومی، فقدان دانش و تحصیلات یا مشکلات اقتصادی خانواده ازدواج می‌کنند. بر اساس ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی در ایران، سن

۱. «کودک-همسری در نظام بین‌المللی»، بنیامین طاهری، پایگاه سی‌وپلیکا، ۱۴۰۰.

ازدواج در دختر ۱۳ سال تمام و در پسر ۱۵ سال تمام قمری تعیین شده که از این حیث با اسناد بین‌المللی کاملاً در مغایرت است. بر اساس گزارش‌های سازمان یونسف (در ۶ ژانویه ۲۰۲۲) و اتحادیه اروپا (در ۵ سپتامبر ۲۰۱۹)، در سطح اتحادیه اروپا و سطح بین‌المللی، ازدواج کودکان یکی از اشکال ازدواج اجباری به شمار می‌رود و مصداق نقض حقوق بشر و نمونه‌ای از خشونت جنسی است.^۱ عوامل متعددی در بروز پدیده کودک-همسری دخیل است که فقر مهم‌ترین دلیل آن به شمار می‌رود. بنابراین، ازدواج زودرس پیامدها و آثار منفی بسیاری به‌جا می‌گذارد که سه حق اساسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد: حق آموزش، حق بهداشت و حق انتخاب.^۲

برخی حوزه‌های قضایی، ازدواج زود هنگام را با رضایت والدین یا در مواردی مانند بارداری نوجوانان مجاز می‌دانند. قوانین سن رضایت (سنی که در آن صلاحیت فرد، به طور معمول دختران، برای رضایت به رابطه جنسی مورد تأیید قانون است) به‌منظور محافظت از کودکان در برابر بهره‌کشی جنسی و همچنین قاچاق کودکان وضع شده‌اند و تا حدودی به ازدواج کودکان نیز مرتبط هستند. ازدواج در کودکی بر پسران و دختران تأثیرات منفی می‌گذارد، اگرچه قریب به اتفاق کسانی که آسیب می‌بینند، دختران هستند.^۳ این رساله یک مطالعه تحلیلی-توصیفی است و با استفاده دقیق از مطالعات کتابخانه‌ای، کتب، اسناد، مقالات و منابع حقوقی مرتبط با موضوع کودک-همسری در قوانین داخلی ایران و نظام بین‌المللی گردآوری شده است. گفتمانی است فصل پنجم نیز نگاهی اجمالی به پدیده کودک-سر بازی دارد که یکی از مسائل برجسته‌ای است که هنوز گریبان‌گیر کودکان در سراسر جهان است.

نیره انصاری، حقوق‌دان، متخصص حقوق بین‌الملل و حقوق اروپا

پاییز ۱۴۰۳

۱. «عروسک‌بازی در حجله»، بهرام رحمانی، وبسایت مشعل، ۱۸ اسفند ۱۳۹۹.

۲. «بنیان‌های اخلاقی جرم‌انگاری پدیده کودک-همسری»، زینب زاهد، غلامرضا محمدنسل، هما داوودی گرمارودی، پایگاه سیویلیکا، ۱۴۰۳.

۳. «ازدواج بد»، شهیندخت میانداوایی، روزنامه کائنات، ۱۶ تیر ۱۴۰۰.

فصل اول: تاریخچه ازدواج پیش از بلوغ

ارتباط سن بلوغ با سن ازدواج در قوانین جاری

سن قانونی ازدواج و افزایش آن به تناسب ضروریات اجتماعی، سال‌هاست که از سوی نهادهای حامی حقوق کودک و فعالان مدنی مطرح و بررسی شده است. رایج‌ترین تعریف، ازدواج دختران کم‌سن یا افرادی است که با مردانی به‌طور غیرمعارف بزرگ‌تر از خود ازدواج می‌کنند. این امر عمدتاً در جوامع سنتی شایع است. ازدواج در سنین کودکی نه تنها در ایران، بلکه در سراسر جهان سابقه‌ای تاریخی دارد و با وجود قوانینی که در برخی کشورها علیه ازدواج کودکان تدوین شده است، همچنان به‌عنوان یک پدیده جهانی شناخته می‌شود.

در سال ۱۳۰۷ خورشیدی / ۱۹۲۸ میلادی، نخستین «قانون مدنی» ایران در مجلس شورای ملی تصویب شد که اشاره دقیقی به سن ازدواج نداشت. اما در ماده ۱۰۴۱ این قانون آمده بود: «نکاح قبل از بلوغ ممنوع است» و با این حال، همین محدودیت نیز در تبصره این ماده قانونی به این شکل نقض می‌شد: «عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی و به‌شرط رعایت مصلحت مولی علیه صحیح می‌باشد».^۱

نخستین قانون مدون ازدواج در ایران در سال ۱۳۱۰ به تصویب رسید که در آن

۱. «ازدواج کودکان؛ چالشی ۴۴ ساله که ابعاد جدیدی پیدا کرده است»، سولماز ایکدر، بی‌بی‌سی فارسی، ۲۷ بهمن ۱۴۰۱.

مسئله سن قانونی ازدواج مسکوت گذارده شده بود و تنها در ماده ۳ آن پیش‌بینی شده بود که مزاجت با کسی که استعداد جسمانی برای ازدواج پیدا نکرده، ممنوع است و هر کسی با کسی که هنوز استعداد جسمانی نداشته، ازدواج کند، به یک تا سه سال حبس تأدیبی محکوم خواهد شد.^۱

در حقیقت، پس از انقراض سلسله قاجاریه و روی کار آمدن حکومت پهلوی، نوع نگاه به مقوله ازدواج نیز تغییر پیدا کرد. نخستین قانون رسمی و سراسری که در سطح کشور در خصوص موضوع ازدواج کودکان و در نظر گرفتن حداقل شرایط سنی آنان برای ازدواج به شکل قانون درآمد، به سال ۱۳۱۳ بازمی‌گردد. نخستین تغییر نیز در سال ۱۳۱۳ رخ داد، زمانی که قانون‌گذاران می‌خواستند جلد دوم کتاب قانون مدنی ایران را تصویب کنند و در جریان آن، بخشی از قوانین ناقص جلد نخست را اصلاح کردند.^۲

در سال ۱۳۱۳، کتاب دوم قانون مدنی در فصل دوم خود به موضوع «قابلیت صحی برای ازدواج» پرداخت. منظور از این قابلیت، داشتن توانایی جسمانی لازم برای برقراری روابط جنسی و پیامدهای مرتبط با آن برای زن و شوهر آینده است. بر این اساس، قانون مدنی «قابلیت صحی» را به‌عنوان یکی از شرایط لازم برای ازدواج در نظر گرفته است.^۳

ماده ۱۴۰۱ قانون مدنی برای اولین بار به تعیین سن ازدواج پرداخت و مقرر کرد که بر اساس قانون اساسی و مشروعیت قانونی، ازدواج دختران زیر ۱۵ سال و پسران زیر ۱۸ سال امکان‌پذیر نیست، مگر در شرایط خاصی که اعتبار ازدواج توسط دادخواه عمومی تایید شود. این قانون تأکید می‌کرد که برای دختران زیر ۱۳ سال و پسران زیر ۱۵ سال هیچ‌گونه استثنایی وجود ندارد و آن‌ها به هیچ‌وجه اجازه ازدواج نداشتند.^۴

در این نسخه، تبصره پیشین حذف شد و ماده ۱۰۴۱ بدین شکل تغییر کرد: «نکاح اناث قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام و نکاح ذکور قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است. بنابراین، در مواردی که مصالحی اقتضاء کند، با پیشنهاد مدعی‌العموم

۱. «بررسی ارتباط سن بلوغ با سن ازدواج در قانون جدید»، پایگاه گروه تحقیقاتی طلوع.

۲. «ازدواج کودکان؛ چالشی ۴۴ ساله که ابعاد جدیدی پیدا کرده است»، سولماز ایکدر، بی‌بی‌سی فارسی، ۲۷ بهمن ۱۴۰۱.

۳. «بررسی ارتباط سن بلوغ با سن ازدواج در قانون جدید»، پایگاه گروه تحقیقاتی طلوع.

۴. «ازدواج در کودکی؛ طلاق در نوجوانی»، الناز محمدی، روزنامه شهروند، ۱۹ مهر ۱۳۹۵.

و تصویب محکمه ممکن است استثناء معافیت از شرط سن اعطاء شود، ولی در هر حال این معافیت نمی‌تواند به انائی داده شود که کمتر از ۱۳ سال و به ذکوری که کمتر از ۱۵ سال تمام دارند، شامل گردد.» به بیانی دیگر، قانون ایران همانند قانون عثمانی [ترکیه] سن ازدواج را برای دختران ۱۵ سال و برای پسران ۱۸ سال تعیین کرد. اما در عین حال تأکید شد که با حکم دادگاه، ازدواج دختران و پسران جوان‌تر نیز ممکن است. با این حال، دادگاه اجازه ندارد برای ازدواج دختران زیر ۱۳ سال و پسران زیر ۱۵ سال مجوز ازدواج صادر کند.^۱

بدین اساس، قانون مدنی یکی از شرایط نکاح را «قابلیت صحی» برای زوجین قرار داده است. در ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، قانون‌گذار در سال ۱۳۵۳ برای نخستین بار سن ازدواج را در قانون حمایت خانواده که در سال ۱۳۴۶ تصویب شده بود، مورد بازنگری و اصلاح قرار داد و به موجب ماده ۲۳، سن ازدواج را به ۲۰ سال برای پسر و ۱۸ سال برای دختر افزایش داد. البته بازنگری و اصلاح این قانون توسط بانو «مهرنگیز منوچهریان»، حقوق‌دان و یکی از سناتورهای موفق در مجلس سنا، صورت گرفت. بدین‌اساس، ازدواج بین سن ۱۳ تا ۱۵ برای دختران و ۱۵ تا ۱۸ سال برای پسران منوط به اجازه والدین و حکم دادگاه شد و کمتر از آن نیز به‌طور کلی ممنوع گردید. نزدیک‌کردن سن قانونی ازدواج به بلوغ طبیعی و فکری در سال ۱۳۱۳ و منع ازدواج جوانان کمتر از ۱۸ سال برای دختران و ۲۰ سال برای پسران در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳، همگی نشان از مواجهه قانون‌گذار با دوگانه سنت، شرع و نیاز دارد.^۲

در حقیقت، جلد دوم قانون مدنی مصوب سال ۱۳۱۳، به‌رغم اقتباس عمده از فقه امامیه، در قسمت مربوط به سن ازدواج از فقه امامیه فاصله گرفته و سن ازدواج را به ۱۸ سال برای پسران و ۱۵ سال برای دختران تعیین کرده بود تا شرایط لازم برای نکاح، یعنی بلوغ فکری و جسمی، فراهم گردد.^۳

اگرچه در همین قانون مقرر شده بود: «مع‌ذلک در مواردی که مصالحی اقتضاء کند،

۱. «ازدواج کودکان؛ چالشی ۴۴ ساله که ابعاد جدیدی پیدا کرده است»، سولماز ایکدر، بی‌بی‌سی فارسی، ۲۷ بهمن ۱۴۰۱.

۲. «مخالفت با رد لایحه ممنوعیت ازدواج کودکان»، نیره انصاری، وبسایت تلویزیون میهن، ۱۱ دی ۱۳۹۷.

۳. همان.

استثناا در مورد زنی که سن او از ۱۵ سال تمام کمتر نباشد و برای زندگی زناشویی استعداد جسمی و روانی داشته باشد، به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه شهرستان ممکن است معافیت از شرط سن اعطا شود.^۱

بر این پایه، قانون مدنی ایران پیش از این مسیر پرچالش بین سنت و شرع از یک سو و قوانین تازه حمایت از حقوق کودکان را از دیگر سو طی کرده بود.

بنا بر آنچه پیش‌تر گفته شد، از زمان تصویب ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی در سال ۱۳۱۳، سن قانونی نکاح و وضعیت حقوقی ازدواج در حقوق ایران فراز و نشیب‌های بسیاری داشته و همواره دستخوش تغییرات شده است.

اگرچه سن تعیین‌شده در قانون عملاً با سن واقعی بلوغ در ایران (بلوغ جسمی و تکوینی) مغایرت دارد؛ با توجه به پهنه گسترده جغرافیایی کشور ایران، عملاً نمی‌توان سن یکسان و دقیقی را از این حیث ارائه داد، زیرا پسران و دختران در مناطق جنوبی کشور و مناطق گرمسیر دوران بلوغ را بسیار زودتر از مناطق سردسیری کشور تجربه می‌کنند. با توجه به اینکه غالباً دختران در سنین ۱۲ تا ۱۳ سال و پسران در ۱۵ سالگی دوران بلوغ را تجربه می‌کنند، مغایرت در این رابطه به‌وضوح قابل مشاهده است.

عقب‌گرد قانون

قانون حمایت از خانواده در سایه شریعت

بنا بر یک حدیث، جبرئیل بود که عایشه را زمانی که تنها کودکی در گهواره بود به محمد معرفی کرد و به او گفت که آن دختر روزی لیاقت آن را خواهد داشت که جای خدیجه را بگیرد. بنا بر حدیثی دیگر، ابوبکر، پدر عایشه و دوست دیرین محمد، می‌دانست که وی چنین قصدی نسبت به کودکش دارد. به هر روی، پیامبر عایشه، دختر ابوبکر، را زمانی که دختر بچه‌ای بیش نبود، خواستگاری کرد. گرچه ابوبکر به دلیل تفاوت سنی بین محمد و عایشه تعجب کرد، اما تسلیم خواست پیامبر شد، به نحوی که تعهد نامزدی بچه را که به فرد دیگری داده بود، فسخ کرد.^۲

۱. «ازدواج کودکان؛ چالشی ۴۴ ساله که ابعاد جدیدی پیدا کرده است»، سولماز ایکدر، بی‌بی‌سی فارسی، ۲۷ بهمن ۱۴۰۱.

۲. ابن سعد، جلد ۸، ص ۵۴: «وَإِنْ هَذِهِ خَلْفًا خَدِيجَةَ»، برگرفته از «وضعیت زن در سنت و تحول اسلام»، منصور فهمی، ترجمه تراب حق‌شناس و حبیب ساعی، ص ۳۸، انتشارات «اندیشه و پیکار»، فرانسه، ۲۰۰۷.

اهلیت تمتع و اهلیت استیفاء در قانون مدنی

اهلیت؛ داراشدن حق یا اهلیت تمتع، با زنده متولدشدن کودک انسانی شروع و با مرگ او تمام می‌شود. ماده ۹۵۶ قانون مدنی اما اهلیتِ اِعمال و اجرای این حقوق را به عنوان اهلیتِ استیفاء و اهلیت تملک اطلاق می‌کند و فرد زمانی از این حقوق بهره‌مند می‌گردد که به سنِ «رشد و بلوغِ [قانونی]» رسیده باشد. تا زمانی که به این سن نرسیده، کلیه حقوق او با وساطت «ولی و یا قیم» او قابل اجرا و اِعمال است.^۱ بر این اساس، آنچه قانون‌گذار در ایران در مقام بیان آن برآمده، حقوقی است که کودک دارد، بدون آنکه تعریف مشخص و تبیین‌شده‌ای از کودک به عمل آورده باشد و تنها به تعیین میزانِ «مسئولیت کیفری» آن پرداخته است.

قانون مدنی ایران درباره حقوق کودکان طی ماده ۱۲۱۰ مقرر می‌دارد:

«هیچ کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به‌عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.

تبصره ۱: سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام و در دختر نه سال تمام قمری است
تبصره ۲: اموال صغیری را که بالغ شده است در صورتی می‌توان به او داد که رشد او ثابت شده باشد.»^۲

به استناد این ماده، پایان دوره کودکی در دختران ۹ سال و در پسران ۱۵ سال است. زیرا همین سن می‌تواند مبنای نکاح و خروج از دوره کودکی گردد. نتیجه‌گیری که این ماده به همراه دارد، تفاوت دوران کودکی دختران و پسران است که شش سال زودتر به پایان می‌رسد.

البته به موجب تبصره ۲ ماده ۱۲۱۰، رشد اقتصادی اطفال بعد از بلوغ تا سن ۱۸ سالگی نیاز به اثبات در دادگاه دارد. نتیجه حقوقی تبصره ۲ ماده ۱۲۱۰ این است که آثار دوره کودکی، در امور اقتصادی تا پایان ۱۸ سال ادامه دارد و اینکه بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی (رشد) دارای دو حکم متفاوت هستند.

۱. «اهلیت؛ حقوق خصوصی»، وبسایت ویکی‌فقه.

۲. «ماده ۱۲۱۰»، وبسایت دادپرس.

نازک‌بینی در ماده ۱۲۱۰ مشخص می‌کند که در این ماده تناقضی وجود دارد. از یک سو، رسیدن به سن بلوغ را برابر با خارج‌شدن از حجر دانسته است؛ یعنی اینکه هر فرد پس از رسیدن به سن بلوغ از حجر خارج می‌شود و می‌تواند در تمام امور خود، چه مالی و غیرمالی، دخالت کند. از دیگر سو، در تبصره ۲ اعلام کرده است که اموال افراد صغیری که بالغ شده‌اند، تنها در صورتی می‌توان به آنها داد که رشد آنها ثابت شده باشد. در صدر ماده، اصلی را به‌صورت کلی (عدم محجوریت افراد بعد از رسیدن به بلوغ) بیان کرده است، اما در تبصره ۲ این اصل کلی را محدود کرده و بر آن استثنایی وارد آورده است. اگر قرار بود که قانون‌گذار امور افراد محجور را به دو امر مالی و غیرمالی تقسیم کند و سپس بگوید که آنها در امور غیرمالی به‌محض رسیدن به سن بلوغ از محجوریت رهایی می‌یابند، اما در امور مالی همچنان محجور به حساب می‌آیند مگر اینکه رشد آنها به اثبات رسیده باشد، در این صورت بهتر بود که قانون‌گذار در صدر ماده یاد شده به‌صراحت به این موضوع اشاره می‌کرد. نه اینکه به این صورت کنونی مقرر دارد که افراد پس از رسیدن به سن بلوغ دیگر محجور به حساب نمی‌آیند، اما سپس در تبصره ۲ این ماده مقرر کند که همان فردی که از محجوریت به دلیل بلوغ بیرون آمده است، باید برای دستیابی به اموال خود رشد خود را به اثبات برساند!^۱

وضعیت حقوقی کودکان غیررشد در قانون مدنی

برای این‌که کودکان کم‌تر از ۱۳ و ۱۵ سال بتوانند به عقد ازدواج در آیند، لازم است از دادگاه گواهی رشد بگیرند و رشد جسمی و فکری آنان نزد دادگاه احراز شود. از بدشانسی در تعیین سن ازدواج، معمولاً رشد جسمی کودکان بیش از رشد عقلی آنان در نظر گرفته می‌شود، زیرا که حتی کودکان ۱۳ و ۱۵ ساله نیز از رشد فکری لازم برای ازدواج و قبول مسئولیت‌های آن برخوردار نیستند.^۲

ایران کنوانسیون حقوق کودک را پذیرفته است و خود را ملزم به رعایت مفاد آن

۱. «تقدی بر ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی»، محمدرضا امیدی هشیجین، روزنامه اطلاعات، برگرفته از وبسایت **مگیران**، ۱۹ بهمن ۱۳۸۵.

۲. «ازدواج کودکان؛ نگاه حقوقی به این مسئله و بررسی نکات قابل توجه در این زمینه»، وبسایت **یاسا**، ۲۰ خرداد ۱۴۰۱.

می‌داند: «این کنوانسیون افراد زیر سن ۱۸ سال را کودک دانسته و شرایط و الزامات خاصی را برای نگهداری از کودکان و تأمین رفاه هر چه بیشتر آنان در نظر گرفته است.» همچنین بر اساس این کنوانسیون، کودکان برای داشتن زندگی بهتر، از معافیت‌های خاصی برخوردارند. اما بر اساس قوانین داخلی کشور ایران، سن ازدواج از این قاعده مستثنی شده و سن بلوغ شرعی مد نظر قرار گرفته است.^۱

پذیرش نکاح اشخاص غیررشد

کودکان غیررشد

کودکان زیر ۱۸ سال به لحاظ حقوقی دارای وضعیت «غیررشد» هستند و اعمال حقوقی آن‌ها از جمله عقد نکاح دارای شرایط و توابع خاصی است. غیررشد کسی است که تصرفاتش در اموال و حقوق مالی خود عقلانی نباشد و منظور از عقل، متعارف عقول است. سفیه هم در فقه و حقوق مدنی به کسی گفته می‌شود که عادت او اسراف و تبذیر در خرج است و تصرفات مالی او عاقلانه نیست. در قانون و فقه، واژه غیررشد و سفیه مترادف گرفته شده است. افراد غیررشد به دو دسته تقسیم می‌شوند: اول، افراد صغیر که به سن رشد ۱۸ سالگی نرسیده‌اند و دوم، افرادی که با وجود پشت سر گذاشتن سن رشد همچنان سفیه هستند و باید تحت حمایت‌های قانونی باشند. بر اساس آنچه در فقه و ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی آمده است، اشخاص غیررشد از معاملات و تصرف در امور مالی خود ممنوع هستند. البته بر اساس ماده ۱۲۱۴ قانون مدنی «معاملات و تصرفات غیررشد در اموال خود نافذ نیست مگر با اجازه ولی یا قیم او». البته در ادامه ماده قانونی، تصریح شده است که «تملکات بلاعوض از هر قبیل که باشد، بدون اجازه هم نافذ است». حال با این توضیحات، پرسش این است که ازدواج این افراد از چه مقرراتی تبعیت می‌کند؟^۲

اثرات مالی عقد نکاح افراد غیررشد

بر مبنای آنچه که پیش‌تر گفته شد، افراد غیررشد می‌توانند مبادرت به ازدواج کنند و با

۱. همان .

۲. «ازدواج دختران زیر ۱۳ سال ممنوع است»، وبسایت حقوقی راه مقصود، برگرفته از روزنامه حمایت.

کسی که می‌خواهند ازدواج کنند، اما بر اساس ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی، اشخاص غیررشدید از معاملات و تصرف در امور مالی خود ممنوع هستند؛ بنابراین پذیرش مهریه یا پرداخت نفقه یا دادن هبه به همسر از سوی شخص غیررشدید بر اساس قانون ممنوع است مگر با اجازه ولی یا قیم قانونی فرد. بر پایه آنچه که در ادامه ماده ۱۲۱۴ قانون مدنی در خصوص اجازه ولی یا قیم آمده است: «معاملات و تصرفات غیررشدید در اموال خود نافذ نیست، مگر با اجازه ولی یا قیم او، اعم از اینکه این اجازه قبلاً داده شده باشد یا بعد از انجام عمل»^۱. فرد غیررشدید برای تصرفات غیرمالی خود نیاز به اجازه ولی دارد.

برخی از حقوق‌دانان در خصوص این ماده بر این باورند که اجازه ولی برای ازدواج فرد غیررشدید، اجازه ضمنی برای پذیرش مهریه یا پرداخت نفقه نیز محسوب می‌شود. اما برخی دیگر نیز می‌گویند که اجازه باید صریح باشد و صرف اجازه به ازدواج، اجازه در تصرف در اموال نیز محسوب نمی‌شود. در مجموع به نظر می‌رسد وقتی ولی یا قیم شخص غیررشدید به ازدواج او رضایت می‌دهند، به اثرات مالی ازدواج نیز آگاه هستند و به آن نیز اجازه می‌دهند. چه اینکه در عقد نکاح غیر دائم یا همان ازدواج موقت، تعیین مهریه از شرایط صحت عقد است و اجازه نکاح بدون تعیین مهریه بی‌معنا است. در خصوص نکاح دائم نیز اگرچه تعیین مهریه شرط صحت عقد نیست، اما عرفاً در هنگام عقد مهریه نیز از سوی طرفین تعیین و مقرر می‌شود. در مورد نفقه نیز از آنجا که نفقه زوجه بر همسر وی واجب است و عدم پرداخت نفقه می‌تواند عواقب کیفری برای زوج داشته باشد، امتناع از پرداخت نفقه به دلیل عدم اجازه ولی یا قیم یا عدم دسترسی برای اخذ اجازه، دلیل موجهی محسوب نمی‌شود؛ چه اینکه در صورت سفاهت زوج، پرداخت نفقه از اموال غیررشدید بر ولی یا قیم فرد واجب است. در مجموع به نظر می‌رسد منع قانونی برای ازدواج افراد غیررشدید وجود ندارد و مداخله آن‌ها در امور مالی نیز با اجازه ولی یا قیم بلااشکال است!^۲ بر اساس آنچه که در فقه امامیه و ماده ۱۰۶۴ قانون مدنی آمده است: «عاقده باید عاقل و بالغ و قاصد باشد.» در این ماده سخنی از «رشد و رشید» بودن «طرفین عقد نکاح» به‌عنوان یکی از شرایط اساسی صحت عقد نشده است! به این معنا که افراد غیررشدید نیز

۱. «ماده ۱۲۱۴ قانون مدنی»، وبسایت ویکی‌حقوق.

۲. «ازدواج دختران زیر ۱۳ سال ممنوع است»، وبسایت حقوقی راه مقصود، برگرفته از روزنامه حمایت

می‌توانند ازدواج کنند. البته ازدواج تنها محدود به داشتن این سه شرط نیست و وجود سایر شرایط ازدواج نیز برای تحقق نکاح ضروری است. گذشته از اینکه زن باید عاری از موانع نکاح باشد، یکی از شروط اساسی در نکاح نیز سن طرفین عقد است که برای دختر حداقل ۱۳ و برای پسر حداقل ۱۵ سال تعیین شده است. اگرچه بر پایه ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، نکاح دختر پیش از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر پیش از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی به شرط رعایت مصلحت از سوی ولی طفل و با تشخیص دادگاه صالح بلامانع دانسته شده است.

همچنین به موجب ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی: «نکاح دختر باکره اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است.» البته اگر پدر یا جد پدری بدون عذر موجه از دادن اجازه امتناع کنند، دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد با او ازدواج کند، از دادگاه خانواده اجازه ازدواج را تحصیل کند!^۱

قانون سن ازدواج پس از بهمن ۱۳۵۷

یکی از نخستین قوانین کشور که پس از بهمن ۱۳۵۷ به دستور روح‌الله خمینی ملغی گردید، «قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳» بود. از همان زمان چالش چهل و چندساله حکومت مستقر در ایران با سن ازدواج آغاز شد. در قانون مورد نظر آورده بودند که همه بندهای قانون مدنی که با این قانون در تضادند، لغو شوند. هنگامی که قانون «حمایت از خانواده» در سال ۱۳۵۷ لغو گردید، بار دیگر ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی به قانون تعیین‌کننده سن ازدواج بدل شد.

این در حالی است که در تبصره ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده بیان می‌دارد: «هرگاه ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسئول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه، در ارتکاب جرم موضوع این ماده تأثیر مستقیم داشته باشند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شوند. این حکم در مورد عاقد نیز مقرر است». پس، سردفتران رسمی ازدواج باید از ثبت ازدواج‌هایی که ترتیبات مقرر ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی در آن‌ها رعایت نشده باشد، خودداری کنند. در غیر این صورت، به حکم ماده ۵۶ قانون حمایت خانواده مشمول

۱. «ازدواج بدون اجازه پدر چگونه است؟»، خانم شاهانی، وبسایت حقوقی پیشداد، ۱۵ مهر ۱۴۰۲

مجازات می‌شوند.^۱

بر مبنای این ماده، هر سردفتر رسمی که بدون اخذ گواهی موضوع مواد ۲۳ و ۳۱ این قانون یا بدون اخذ اجازه‌نامه مذکور در ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی یا حکم صادر شده در مورد تجویز ازدواج مجدد یا برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی به ثبت ازدواج اقدام کند، یا بدون حکم دادگاه یا گواهی عدم امکان سازش یا گواهی موضوع ماده ۴۰ این قانون یا حکم تنفیذ راجع به احکام خارجی به ثبت هر یک از موجبات انحلال نکاح یا اعلام بطلان نکاح یا طلاق مبادرت کند، به محرومیت درجه چهار موضوع قانون مجازات اسلامی از اشتغال به سردفتری محکوم می‌شود.^۲

بدین‌اساس، از سال ۱۳۵۷ عملاً سن قانونی ازدواج که برای دختران ۱۵ سال و برای پسران ۱۸ سال بود، با حذف قانون حمایت از خانواده و ماده ۱۰۴۱ دوباره ملغی گردید. سپس با استناد به اینکه قوانین تصویب شده پیش از بهمن ۱۳۵۷ با شرع اسلام منافات دارد و باید حذف گردد، در سال ۱۳۵۸، شورای انقلاب اسلامی در ماده واحده‌ای، بقای ماده ۱۰۴۱ مصوب ۱۳۱۳، یعنی «ممنوعیت ازدواج زیر سن ۱۵ و ۱۸ سال»، که به ترتیب برای دختران و پسران بود، تصویب نمود. اما بر پایه این ماده واحده، در هیچ حالتی معافیت از سنین پیش‌بینی شده شامل افراد کمتر از ۱۳ و ۱۵ سال نشد، و پس از مدتی با تغییر این مصوبه، سن بلوغ مبنای «سن ازدواج» شد.

از منظر روحانیون، این قانون با احکام اسلامی در ارتباط با سن «بلوغ» و ازدواج مسلمانان مغایرت داشت. حال آنکه این امر، همچون بسیاری از احکام دینی دیگر، تفسیر یگانه‌ای در ارتباط با این مفاهیم و معانی‌شان برای دنیای امروز وجود نداشت.

به همین جهت، هنگامی که در سال ۱۳۶۱ و در نخستین دوره مجلس شورای اسلامی، مسئله مغایرت ماده ۱۰۴۱ با قوانین اسلامی مطرح گردید، بر سر اینکه معنای سن «بلوغ» چیست، توافق نظری وجود نداشت. در نهایت، نمایندگان مجلس تصمیم گرفتند که نسخه قدیمی این قانون، یعنی قانونی که در سال ۱۳۰۷ تصویب گردیده بود، را تغییر دهند.

۱. «شرایط سن ازدواج دختر چگونه است؟»، وبسایت بنیاد وکلا، ۲۲ خرداد ۱۴۰۲.

۲. «مقررات کیفری قانون حمایت از خانواده»، ایسنا، ۶ اردیبهشت ۱۴۰۲.

در آن قانون، به جای تعیین سن ازدواج، «نکاح قبل از بلوغ» ممنوع شده بود و به همین شکل مبهم در سال ۱۳۶۱ نیز حداقل سن ازدواج به صورت دقیق، روشن نبود. اما در نهایت با استناد به «تکالیف شرعی» دختران در سن ۹ سالگی و پسران در ۱۵ سالگی، عملاً حداقل سن ازدواج برای دختران از این زمان، ۹ سال و برای پسران ۱۵ سال تعیین گردید.^۱ البته در سال ۱۳۶۱، یک قانون آزمایشی به مدت پنج سال در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس تصویب گردید و در سال ۱۳۷۰ به تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی رسید. در ماده ۱۰۴۱ آن آمده است: «نکاح قبل از بلوغ ممنوع است.» تبصره: «عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی صحیح است به شرط رعایت مصلحت مولی علیه.»

در واقع در سال ۱۳۷۰، ماده ۱۰۴۱ حداقل سن ازدواج به ۹ سال قمری برای دختران و ۱۵ سال قمری برای پسران تغییر یافت. سپس دوباره مجلس شورای اسلامی به حداقل سن ۱۳ سال برای دختران و ۱۵ سال برای پسران رأی داد. اما رد لایحه منع کودک-همسری زیر سن ۱۳ سال برای دختران، نشان از این دارد که آرزوی تصویب منع ازدواج زیر ۱۸ سال به یک رویای دور می ماند.

تا سال ۱۳۷۹، سن بلوغ دختران ۹ سال بود و در مجلس ششم این سقف به ۱۳ سال افزایش یافت. با توجه به اینکه ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی (اصلاحی، آذرماه ۱۳۷۹) در قابلیت صحتی برای ازدواج اشعار می دارد: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح!» به این معنا که برای ازدواج کمتر از ۱۳ سال با مجوز و اذن پدر اجازه ازدواج داده می شود.

در سال ۱۳۸۱ و در مجلس «ششم» شورای اسلامی، نمایندگان تلاش کردند تا با تصویب یک اصلاحیه، سن ازدواج برای دختران را به ۱۴ سال و برای پسران به ۱۷ سال تغییر دهند. اما این مصوبه توسط شورای نگهبان مردود اعلام و در مجمع تشخیص مصلحت نظام، سن ازدواج برای دختران ۱۳ سال و برای پسران ۱۵ سال تعیین گردید.^۲ ضرورت اخذ مجوز دادگاه نیز از سال ۱۳۸۱ وارد قوانین ایران شده و تا پیش از آن تنها

۱. «ازدواج کودکان؛ چالشی ۴۴ ساله که ابعاد جدیدی پیدا کرده است»، سولماز ایکدر، بی بی سی فارسی، ۲۷ بهمن ۱۴۰۱.

۲. «ازدواج های زودرس و مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام»، گلناز اسفندیاری، رادیو فردا، ۲۰ تیر ۱۳۸۱.

اجازه ولی کودک کافی بود. گرچه بر پایه تبصره همین قانون، کماکان ازدواج کودکان، زیر سنین تعیین شده، با «اذن ولی» و «تشخیص دادگاه صالح» ممکن است. این تبصره فاقد هرگونه حقوقی برای کودکی است که باید ازدواج کند.

به سخنی دیگر، آخرین تغییر مربوط به اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۸۱ صورت گرفت. این نهاد شرط سنی ۱۳ سال تمام شمسی برای دختران و ۱۵ سال برای پسران را قید کرد. در اصلاحیه مجمع تشخیص مصلحت، امکان ازدواج برخلاف شروط وضع شده منوط به اخذ مجوز از دادگاه، اذن و اجازه ولی کودک و رعایت مصلحت از طرف ولی کودک است، اما در این اصلاحیه، مصلحت تبیین و تعریف نشده و به نوعی نسبت به ضمانت اجرای آن بی تفاوتی شده است. البته فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی طی سال ۱۳۷۹-۱۳۸۰ پیگیر این امر بود تا پس از تصویب و تنفیذ شورای نگهبان یا بنا بر مصلحت، تبدیل به قانون شود. از این پیش، تاخیر در تصویب لایحه حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۸۱ برای این بوده است که اساسا در مجلس شورای اسلامی و برای نمایندگان رژیم مستقر، آسیب‌های اجتماعی در حوزه اولویت‌ها قرار ندارند.

گرچه هنوز از دیدگاه جمهوری اسلامی «نفت مهم‌ترین منبع محسوب می‌شود، اما کودکان مهم‌ترین منبع به حساب نمی‌آیند.» در حقیقت ما هنوز به این مرحله نرسیده‌ایم که بگوییم انسان‌ها و کودکان مهم‌ترین منبع تولید ثروت در کشور هستند.

افزون بر این، در جامعه‌ای که هر روز با کودک‌آزاری‌های شدید مواجه است، لایحه‌ای به تصویب رسیده که همچنان با مخالفت‌های زیادی همراه است. «سید محمدجواد ابطی»، نماینده مجلس، دلیل مخالفت خود را این‌طور عنوان کرده که چرا در شرایطی که مردم با مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند، اولویت ما لایحه برای کودکان است. او پیشنهاد داده که به جای کودکان باید به «ارز و مسکن و بیکاری» توجه کنیم! نماینده دیگر مجلس دلیل مخالفت خود را با این لایحه فشار بر روی مادر و پدرها خوانده و گفته است: «در این قانون آمده است: اگر پدر و مادری فرزندشان را به مدرسه نفرستند، مجرم هستند.» در حالی که اگر پدر خانواده درآمدی نداشته باشد، برای تحصیل فرزندش با مشکل مواجه می‌شود و به این موضوع فکر نکرده‌اند. بنابراین اولویت باید تامین زیرساخت‌ها باشد. از نابخشیاری، در شرایط کنونی راهکاری برای جلوگیری از عملیات

روانی برای مردم اتخاذ نشده است، تناقضات در این قانون زیاد است.^۱ از دیگر سو، هنگامی که بحث کودک‌آزاری توسط والدین به میان می‌آید، نمایندگان مجلس می‌گویند کودکان به هیچ وجه نباید از خانواده جدا شوند. در واقع، گویی که این افراد از آنچه در جامعه اتفاق می‌افتد، مطلع نیستند. از دیگر سو، بخشی از آن‌ها می‌گویند در دین ما بسیاری مسائل ارزش‌گذاری شده است. حال آنکه این مورد چیزی نیست که از دین برخاسته باشد و کاملاً به فرهنگ و سنت ما برمی‌گردد!

سن ازدواج در قانون مجازات اسلامی

به منظور افزایش حمایت حداکثری خود از دختران، ماده ۵۰ قانون حمایت از خانواده بیان داشته است هرگاه ازدواج مذکور به موقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم زن منجر شود، زوج علاوه بر پرداخت دیه، به حبس تعزیری درجه پنجم و اگر به موقعه منتهی به فوت زن منجر شود، زوج علاوه بر پرداخت دیه، به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می‌شود.^۲

ماده ۶۴۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ نیز ازدواج قبل از بلوغ را تحت شرایطی ممنوع می‌داند و برای مرتکب آن مجازات تعیین می‌کند. چنانچه مردی با دختری که به حد بلوغ نرسیده بر خلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی و تبصره ذیل آن ازدواج نماید، به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد که در ۱/۱۲/۱۳۹۱ منسوخ گردید.

از این پیش، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان سال ۱۳۸۱ نخستین قانونی بود که به طور خاص به کودک‌آزاری پرداخت. به موجب این قانون، آزارهای جسمی، روانی و جنسی وارده به کودک، مستقلاً تحت عنوان کودک‌آزاری جرم‌انگاری شد و کودک‌آزاری به عنوان جرم عمومی مطرح شده است. اگرچه تجربه اجرای این قانون، بسیار زود ضعف‌های قانون سال ۱۳۸۱ و فقدان قدرت کافی قانون در حمایت از کودکان را نشان داد. در سال ۱۳۸۹، کارشناسان و مشاوران دادگستری‌های کشور خبر از افزایش

۱. «تصویب قانون حمایت لایحه کودکان و ایرادهای حقوقی وارده بر آن»، نیره انصاری، وبسایت تلویزیون میهن، ۵ مرداد ۱۳۹۷.

۲. «ماده ۵۰ قانون حمایت از خانواده»، برگرفته از وبسایت حقوقی معید.

از دواج‌های کودکان در برخی از استان‌های کشور دادند. اگرچه این خبر مسکوت ماند، اما آمار ارائه‌شده از سوی انجمن حمایت از حقوق کودکان پرده از یک آسیب اجتماعیِ نوظهور برداشت.

از همین روی، در ماده ۲۳۰ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ۱۴۰۰-۱۳۹۴ به حیث نظری و نه در پراکتیک و اجرا، دولت با همکاری سازمان‌ها و دستگاه‌های ذی‌ربط مکلف به تقویت نهاد خانواده و جایگاه زنان در عرصه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه زمینه‌ها از جمله ازدواج شده است.^۱

ماده ۲۰: هرگاه کارکنان دستگاه‌های موضوع ماده ۲۹ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی که مسئولیت نگهداری، مراقبت، آموزش یا تربیت طفل و نوجوان را برعهده دارند یا در امور مربوط به آنان فعالیت می‌کنند، به هر نحو در ارتکاب جرائم عمدی موضوع این قانون شرکت یا معاونت داشته باشند، افزون بر مجازات مقرر، با توجه به نقش مرتکب به یک یا چند مورد از محرومیت‌ها و ممنوعیت‌های درجه شش قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند.^۲

اصل ۲۱ قانون اساسی نیز مؤید تکلیف دولت به ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیاء حقوق مادی و معنوی اوست.

یکی دیگر از قوانین تصویب‌شده در خصوص کودکان، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب می‌باشد. بر اساس ماده ۱ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، طفل و نوجوان به صورت زیر تعریف شده است:

الف) طفل: هر فرد که به سن بلوغ شرعی نرسیده است.

ب) نوجوان: هر فرد زیر هجده سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است
ماده ۳: موارد زیر در صورتی که طفل یا نوجوان را در معرض بزه‌دیدی یا ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت و یا وضع آموزشی وی قرار دهد، وضع مخاطره‌آمیز محسوب شده و موجب مداخله و حمایت قانونی از طفل و نوجوان می‌شود.^۳

۱. «قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران»، برگرفته از وبسایت اختیار.

۲. «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان»، برگرفته از وبسایت حقوقی شناسنامه قانون.

۳. «ماده ۳»، برگرفته از وبسایت حقوقی عدل‌جو.

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، در فصل سوم - جرائم و مجازات‌ها، ماده ۷ - مقرر می‌دارد: «هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی طفل و نوجوان و تمام اشخاصی که مسئولیت نگهداری، مراقبت و تربیت طفل را برعهده دارند، چنانچه برخلاف مقررات قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۳ از ثبت‌نام و فراهم کردن موجبات تحصیل طفل و نوجوان واجد شرایط تحصیل تا پایان دوره متوسطه امتناع کنند یا به هر نحوی از تحصیل او جلوگیری کنند، به انجام تکلیف یادشده و جزای نقدی درجه هفت قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند.»^۱

ماده ۱۱ همان قانون تصریح می‌نماید: «هرگونه معامله راجع به طفل یا نوجوان ممنوع بوده و مرتکب به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.»^۲

جرم‌انگاری کودک-همسری

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، در گزارش تفصیلی پیشنهاد کرده بود که صلاحیت و اهلیت برای ازدواج افراد نابالغ، در مشاوره با وزارت بهداشت، سازمان نظام روانشناسی یا نیروی انتظامی تشخیص داده شود و ممنوعیت مطلق ازدواج با دختری که به بلوغ جنسی نرسیده و جرم‌انگاری آن، جرم‌انگاری ممانعت از تحصیل دختران متاهل در مدارس روزانه، تکلیف قانونی گذراندن دوره مهارت‌های زندگی در قالب مشاوره پیش از ازدواج مورد نظر قرار گیرند.

طرح «کودک-همسری» به دلیل مشکلات اجتماعی موجب گشت که در آذرماه ۱۳۹۵ فعالان حقوق کودک و فراکسیون نمایندگان زن لایحه اصلاح این قانون را به مجلس دهم تسلیم نمایند. لایحه‌ای که در صورت تصویب می‌توانست ماده ۱۰۴۱ را بدین شکل تغییر دهد: «عقد نکاح دختران پیش از رسیدن به سن ۱۶ سال تمام شمسی و پسران پیش از رسیدن به ۱۸ سال شمسی منوط به رعایت مصلحت کودک، اذن ولی و حکم دادگاه به شرط احراز رشد جسمی و روانی است». تبصره ماده یادشده: «ازدواج دختران پیش از رسیدن به ۱۳ سال تمام شمسی و پسران پیش از رسیدن به ۱۶ سال شمسی

۱. «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان»، برگرفته از وبسایت حقوقی [شناسنامه قانون](#).

۲. همان.

ممنوع است.» بر اساس این ماده: «ازدواج قبل از بلوغ بدون اذن ولی ممنوع است. چنانچه مردی با دختری که به حد بلوغ نرسیده بر خلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی و تبصره ذیل آن ازدواج نماید، به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد.»

بر همین مبنا، در قالب طرح اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، ضمن تشریح آسیب‌های اجتماعی، روانی، جسمی، جانی، محرومیت از تحصیل، مشکلات به وجود آمده در تربیت فرزندان و افزایش نرخ طلاق، خواستار ورود سریع‌تر مجلس به ازدواج دختران کمتر از ۱۳ سال و پسران کمتر از ۱۶ سال شد. در حقیقت، افزون بر جرم‌انگاری ازدواج کودکان در قوانین جزایی، باید بتوان از پدر و مادر یا هر فردی که موجب این ازدواج شده شکایت کرد. باید خانواده‌ها را از عواقب انجام چنین کاری ترساند تا مراقب باشند و احتیاط کنند بر پایه تبصره این طرح: «حداقل سن ازدواج در دختران ۱۶ سال تمام شمسی و در پسران ۱۸ سال تمام شمسی است» و عقد ازدواج بین سنین ۱۳ تا ۱۶ سالگی در دختران و ۱۶ تا ۱۸ سالگی در پسران، منوط به اذن ولی و رعایت مصلحت و تشخیص دادگاه درخواست یک فوریت بررسی طرح افزایش حداقل سن قانونی دختران برای ازدواج در صحن علنی مجلس به رای گذاشته شد که مورد تایید اکثریت نمایندگان بود به شرط داشتن صحت جسمی برای تزویج با نظر پزشکی قانونی است.»، به گونه‌ای که با رسیدگی فوری مجلس به این مسئله اجتماعی موافقت کردند. اما دلیل مخالفان هم این بود که کشور دارای موضوعات مهم‌تری است.

اما در دی‌ماه ۱۳۹۷ / ژانویه ۲۰۱۹، لایحه ممنوعیت ازدواج کودکان به دلیل جامع و کامل نبودن توسط کمیسیون قضایی مجلس با ده عضو مرد رد شد. «حسن نوروزی»، سخنگوی کمیسیون، اعلام کرد: «که سن بلوغ جوانان در ایران کاهش یافته و تصویب این طرح موجب افزایش فساد اخلاقی می‌شود.» او حتی «خواستار تشویق و تسهیل ازدواج در سنین پایین شد.» با توجه به اینکه برخی مراجع با این ممنوعیت موافق بودند، اما عضو کمیسیون قضایی مجلس گفت: «که یکی از دلایل رد این لایحه مخالفت مراجع بوده است».^۱

این در حالی است که در چهارم مهرماه همان سال ۹۷ در یک فوریت این طرح

۱. «چانه‌زنی مجلس مردانه بر سر حداقل سن ازدواج» وبسایت دویچه‌وله فارسی، ۱ بهمن ۱۳۹۷.

تصویب شده بود اما «در گفتگوها با شورای نگهبان» به نتیجه نرسید و علی‌رغم فتوای برخی از مراجع شیعه قم، این طرح با مخالفت‌ها و مقاومت‌هایی در مجلس و شورای نگهبان مواجه شد. بر اساس این مصوبه، حداقل سن ازدواج در دختر ۱۶ سال تمام و در پسر ۱۸ سال تمام منوط به اذن ولی و رعایت مصلحت و تشخیص دادگاه به شرط داشتن قابلیت صحت جسمی ازدواج با نظر پزشکی قانونی است. به هرروی، تلاش‌هایی در مجلس دهم برای رسیدن به این هدف (ممنوعیت ازدواج دختران زیر ۱۶ و پسران زیر ۱۸)، سال ۹۷ با طرح «ممنوعیت کودک-همسری» صورت گرفت که با مخالفت منتقدان روبه‌رو شد و با بهانه بررسی بیشتر به هیچ سرانجامی نرسید.^۱

با همه تبعات فرهنگی و اجتماعی و روانی ازدواج زودهنگام دختران، «محمد اسفنانی»، دادیار دیوان عالی کشور، قانون منع ازدواج کودکان زیر ۱۸ سال را مغایر شرع اسلام عنوان کرده و گفته است اگر جلوی ازدواج‌های زودهنگام گرفته شود، روابط نامشروع زیاد می‌شود.^۲

از این رهگذر، سخنگوی قوه قضائیه نیز در خصوص ازدواج‌های غیرقانونی اظهار داشته: «گاهی ازدواج‌ها الزاماً زناشویی نیست، شاید عقد باشد ولی زناشویی انجام نشود، مثلاً برای محرم شدن یک مرد به یک زن عقدی میان دختر خوانده شود و...»^۳ از این قبیل توجیهات!

دلایل و عوامل ازدواج کودکان

رشد شهرنشینی و تغییر ساخت زندگی خانواده، افزایش روزافزون طلاق، مهاجرت، زاغه‌نشینی، بیکاری، اضمحلال ارزش‌ها و اخلاقیات، عرف و رسوم محلی، تعصبات خانوادگی، سرپوش گذاشتن بر روابط خارج از ازدواج، انگیزه‌های مذهبی، ترس از دست‌دادن موقعیت مناسب ازدواج، عدم امکان تأمین هزینه‌های فرزند، فقر خانواده، دریافت وجه در برابر ازدواج، بی‌سوادی، اختلالات روانی والدین، بی‌سرپرست یا بدسرپرست بودن کودک،

۱. «برای یک میلیون تومان کودک خود را به همسری می‌دهند»، وبسایت دویچه‌وله فارسی، ۷ شهریور ۱۴۰۰.

۲. «قانون منع ازدواج کودکان، مغایر شرع اسلام است»، وبسایت رادیو زمانه، ۱۴ آذر ۱۳۹۳.

۳ «هشدار درباره تبعات ازدواج کودکان/ ورود قوه قضائیه به ثبت ازدواج کودکان»، خبرگزاری مهر، ۱۱ دی ۱۳۹۱.

ناتنی بودن یکی از والدین و دخالت آشنایان از جمله برادر، و به‌ویژه عدم سیاست‌گذاری شایسته در خصوص کنترل جمعیت، نبود قوانین شفاف در خصوص حقوق کودکان که نشأت گرفته از پیروی از موازین شرعی و نیز تبعیض جنسیتی که در ماهیت این قوانین وجود دارد، را می‌توان مهم‌ترین علل افزایش کودک-همسری در ایران دانست.

فراتر از این، بروز پدیده کودکان خیابانی و کار، فروش کودکان برای تجارت اعضای بدن، یا فروش یا اجاره کودکان برای بکارگیری در مشاغل پست مانند معرکه‌گیری و از این قبیل و یا فرزندکشی، نشان‌دهنده افزایش روزافزون آمار ازدواج کودکان و بیوه کودکان است.

تاریخچه رسم و آیین «خون‌بس»

در دوران کهن احکامی درباره دیه و قصاص وجود داشته که در قانون‌نامه حمورابی، آشور و قوانین ایران باستان به آنها اشاره شده است. در عهد عتیق نیز از قصاص یاد شده است. بر اساس «وندیداد» می‌توان گفت که در ایران پیش از اسلام مجازاتی برای آسیب‌رساندن به دیگران در نظر گرفته می‌شد. تعدادی از کارشناسان بر این نظرند که ازدواج‌های کودکان به دلیل «رسوم و سنت» در مناطق روستایی بیش‌تر از نقاط شهری است.

در گذشته وقتی بین عشایر و گروه‌های مردم دعوا یا جنگی در می‌گرفت و یک نفر از طرفین کشته می‌شد، گروه یا خانواده مقتول برای خون‌خواهی «شخصی» از خانواده یا طایفه قاتل کسی را می‌گشت و این جریان به صورت سلسله‌وار ادامه می‌یافت. به همین دلیل و به منظور جلوگیری از ادامه جنگ و کشمکش و نیز پایان دادن به قتل و کشتار و اصلاح روابط خانواده‌ها، مراسمی با عنوان «خون‌بس» و با حضور واسطه‌هایی از دو طرف برگزار می‌شد که در آن یک ازدواج اجباری صورت می‌گرفت و خواهر یا یکی از نزدیکان قاتل به عقد ازدواج برادر یا یکی از نزدیکان مقتول در می‌آمد. اگرچه نام این رسم و آیینِ خشونت‌بار به علت مغایرت آن با حقوق بشر و ایضا حقوق زنان، از لیست آثار معنوی کشور حذف گردیده است، زیرا این رسم ناپسند اساساً سنت ملی ایرانیان نمی‌باشد، بلکه یک پدیده «قومی، قبیله‌ای» است. به‌ویژه که چون مغایر اصل «شخصی‌بودن» مجازات بوده، از نقطه نظر حقوق جزا قابل دفاع نیست و آن را نقض می‌نماید. در واقع در این آیین، طرح و بازگویی دعوای قومی و قبیله‌ای است، یعنی بر اساس این سنت و به منظور خاتمه‌دادن

به درگیری‌ها و پیش‌گیری از کشت‌و‌کشتار، از یک وسیله نادرست یعنی قربانی کردن یک زن و سرنوشت و آینده او استفاده ابزاری شده و با ازدواج یک زن آن هم بر پایه «اجبار» از ریختن خونی دیگر جلوگیری به عمل می‌آید.

هم‌اینک و کماکان نه تنها در چهار استان کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، فارس، چهارمحال و بختیاری، بلکه در ایل‌های دیگر لر و سایر اقوام ایرانی از جمله عرب‌ها، بلوچ‌ها با نام و عناوین دیگری اجرا می‌گردد. در واقع، ازدواج اجباری کودکان را می‌توان در زمره نوعی ارزیابی میزان غرامت یا خون‌بها که می‌تواند در میان این اقوام متفاوت باشد دانست، که این رایج‌ترین اقدام تلقی می‌گردد و کودکان زیر سن قانونی قربانیانِ بلافصل این جنایت‌اند.

افزون بر این، قانون یک بحث است و فرهنگ بحثی دیگر. اما نمی‌توان به این موضوع اکتفا کرد که چون فرهنگ در برخی مناطق نادرست است، پس قانون نیز نادرست باقی بماند که این مفهوم نادیده گرفتن عقل و خرد است. از دیگر سو، قانون یکی از ابزارهای کنترل فرهنگ نیز به شمار می‌آید. سازمان‌های مردم‌نهاد و مردم‌مدار نیز باید در این موارد ورود کرده و اقدام به فرهنگ‌سازی نمایند.

حال آنکه رئیس دادگستری شوش استان خوزستان، با انتشار فراخوانی، درخواست ثبت ملی دو اثر اجتماعی «فصل» و «خون‌بس» در فهرست میراث معنوی کشور در سال ۱۳۹۸ داده بود، اما کنوانسیون ثبت میراث معنوی، به مواردی که مغایر حقوق بشر و میراثی که مورد افتخار بشر نیست، توجه ندارد. بدین سیاق، رویداد «خون‌بس»، ارزش‌های برجسته و بااهمیت ندارد که بخواهد ثبت ملی داشته باشد. در رویداد «خون‌بس»، حقوق برخی از انسان‌ها پایمال شد. چیزی برای ثبت ملی و افتخار ایرانیان ندارد. از این بیشتر، شورای ملی ثبت میراث فرهنگی ناملموس ایران اعلام کرد به موجب قانون الحاق ایران به کنوانسیون حراست از میراث فرهنگی ناملموس و با توجه به رویه کارشناسی شورا، برنامه ثبت «خون‌بس» در دستور کار این شورا در سال ۹۹ قرار ندارد. شورای ملی گفته بود که این موضوع، با حقوق زنان ایران، در تضاد است.

این در حالی است که ماده ۳۴ قانون پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار، مصوب ۱۴۰۰/۲/۲۹ و اصلاحیه ۱۴۰۲/۱/۲۱، نیز تأکید دارد: «هر کس از جمله ولی، وصی، قیم و سرپرست بدون رضایت زن، وی را به هر دلیل مانند

حل و فصل اختلافات از جمله خون‌بس اکراه به ازدواج با دیگری نماید یا به دلایل مذکور او را وادار به درخواست طلاق از مراجع قضایی کند و یا اینکه بدون اطلاع زن، او را به عقد دیگری درآورد به حبس یا جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شود. زوج نیز در صورت علم به وضعیت ازدواج یا عقد مزبور مشمول مجازات مذکور می‌شود.^۱

فراتر از این، با توجه به آمار (تقریبی و نه تحقیقی) ارائه شده از سوی مسئولان در خصوص تعداد دختران متأهل زیر ۱۴ سال، حتی وجود یک مورد از این نوع ازدواج‌ها در جامعه مشکل‌زا است. اگرچه بسیاری از این ازدواج‌ها به دلیل غیرقانونی بودن به ثبت نمی‌رسند. به بیانی دیگر، آمارها فراتر از آنی است که مسئولان جمهوری اسلامی اعلام می‌کنند.

اگرچه در برخی جوامع سن بلوغ پایین‌تر است یا شرایط کشور به گونه‌ای است که نیاز مبرم و حیاتی به افزایش نفوس وجود دارد، به عنوان نمونه در شرایط جنگ و یا در پی شیوع بیماری‌های مرگبار و... در این جوامع شاید تا حدودی شرایط ایجاب می‌نماید که ازدواج در سنین پایین آن هم «تنها» در یک دوره مشخص مجاز دانسته شود.

اما اینکه قانون‌گذار اجازه ازدواج با دختران زیر ۱۳ سال را منوط به سه شرط دانسته است، این عمل خود به حیث حقوقی بی‌اعتبار است زیرا که به نوعی «سالب اختیار» فرد است و چون کودک به اجبار تن به ازدواج می‌دهد، «اجبار» ازدواج را غیرقانونی می‌نماید. از این بیشتر، ازدواج زود هنگام کودکان در مقابل تحصیل و کسب دانش در یک جامعه موجب می‌گردد که آمار طلاق، خودکشی، فرار از خانه و اعتیاد و... افزایش یابد. به سخنی دیگر، ازدواج کودکان می‌تواند زمینه‌ساز ورود آن‌ها به مجموعه‌ای از آسیب‌های اجتماعی را فراهم نماید. بیشترین آسیب در خانواده‌هایی که ازدواج زود هنگام دارند، بحث خشونت است. وقتی «زن» یک کودک و نابالغ است، مرد از خشونت‌های کلامی و ضرب و شتم و جرح به منظور تسلط بر امور بیشتر استفاده می‌کند و در نتیجه، در این دسته از خانواده‌ها گردونه خشونت می‌تواند از والدین به فرزندان در گردش قرار گیرد.

اصل «شخصی‌بودن جرم و مجازات»

اصل شخصی‌بودن جرائم و مجازات یا اصل فردی بودن «مسئولیت کیفری» از اصطلاحات

۱. ماده ۳۴ «قانون پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوء رفتار»، برگرفته از وبسایت حقوقی شناسنامه قانون.

علم حقوق بوده و به این معناست که هر کس برای تقصیری که مرتکب شده است، مؤاخذه می‌گردد و هیچ کس را نمی‌توان برای فعلی که دیگری مرتکب شده است، مسئول دانست. برخی از استثنائات این اصل عبارتند از: قاتل و ضارب بودن طفل غیربالغ، قتل خطای محض اگر ثابت شود، جرم به‌منزله خطا محض، که در این موارد از عاقله فرد دیه دریافت می‌شود.

معنا و مفهوم این اصل این است که مجازات منحصر باید شخص مجرم را در برگیرد و به افراد خانواده و دیگر خویشاوندان او تسری پیدا نکرده و آنان مصون از مجازات بمانند. سرایت مجازات به نزدیکان و اقربا مغایر این اصل است.

به موجب اصل ۳۶ قانون اساسی که عنوان می‌کند: «حکم مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد»، در واقع این اصل که با قید کلمه «تنها» تأکید مطلق بر اصل قانونی بودن جرائم و مجازات دارد و همچنین مواد ۲ و ۱۱ قانون مجازات اسلامی که به تعریف جرم پرداخته و آن را فعل یا ترک فعلی دانسته که در قانون برای آن مجازات تعیین شده و نیز مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی به موجب قانونی است که قبل از وقوع جرم مقرر شده باشد و

تاریخ حقوق جزا نشان می‌دهد که در دوران حکومت کلیسا، دادگاه‌های فرمایشی مبادرت به صدور احکام و اعمال مجازات (فقدان وحدت رویه) می‌کردند. بنابراین خودکامگی و استبداد قضایی بخش تفکیک‌ناپذیر آن دوران محسوب می‌گردد. حقوق‌دانان بزرگ همانند منتسکیو، بنتام و بکاریا با اشاره به دوران کلیسایی به تنسيق جرم و مجازات، لزوم اعلام قبلی جامعه و نیز ایجاد تناسب بین جرم و مجازات مبادرت نمودند. در نتیجه تلاش این دسته از مولفین بزرگ حقوق، اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات از اواخر قرن هجدهم به بعد در کشورهای مختلف به تصویب رسید که بر اساس آن هیچ عملی جرم تلقی نمی‌گردد، مگر آنکه پیش‌تر، از طرف قانون‌گذار آن جرم و عمل تعریف شده باشد.^۱

اعمال این اصل به شکلی عام و تعیین‌کننده در اروپا و در انقلاب کبیر فرانسه در اعلامیه حقوق شهروند ۱۷۸۹ آن کشور و نیز مواد ۷ و ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸

۱. «کودک‌فروشی در ایران»، عباس رهبری، وبسایت نشریه «بشریت».

ظاهر شد.

در واقع جرم، مسئولیت کیفری و مجازات، سه ضلع برجسته حقوق کیفری است. اعمال مجازات به احراز مسئولیت کیفری و احراز آن به احراز مجرمیت منوط است.^۱ اساساً منظور از اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری این است که عدل و انصاف اقتضاء دارد که مجازات منحصر در خصوص شخص مجرم اعمال و اجرا گردد و به نزدیکان و اقربای او سرایت نکند.

این در حالی است که ماده ۱ کنوانسیون جهانی حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ تصریح می‌نماید: «هر فرد انسانی زیر سن ۱۸ سال قانونی، کودک محسوب می‌شود.»^۲ بر پایه آنچه پیشتر گفته شد، ادامه و تکرار فجایی چون ازدواج‌های زیر سن قانونی که در حال حاضر در استان‌های مختلف کشورمان به وقوع می‌پیوندد، نشانگر آن است که به رغم وجود تشکیلات حقوقی و قضایی، بسیاری از خانواده‌های جامعه عشایری ترجیح می‌دهند منازعات ناشی از قتل را از طریق رسم کهنه و نکوهیده «خون‌بس» فیصله دهند. این خود بیانگر فقدان آشکار خلاء قانونی در مورد اصل شخصی بودن جرم و مجازات از حیث اعمال و اجرای آن توسط دادگاه‌ها و نیز موارد مربوط به احکام بازدارنده جرم و مجازات در ایران است.

اصل «شخصی بودن مجازات‌ها» در اسناد بین‌المللی

اصل «شخصی بودن مجازات‌ها»، پس از آنکه در قرن هجدهم و نیز پس از انقلاب فرانسه در حقوق جزای عرفی شناخته شد و به حقوق جزای غرب وارد شد، در اسناد بین‌المللی نیز مورد اشاره و توجه قرار گرفت. در خصوص این اصل، به‌عنوان نتیجه‌ای از اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در بند ۱ ماده ۱۵ پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ آمده است: «هیچ‌کس به علت فعل یا ترک فعلی که در موقع ارتکاب بر مبنای قوانین ملی یا بین‌المللی جرم نبوده محکوم نمی‌شود و همچنین مجازاتی شدیدتر از آنچه

۱. «مبنای اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری در ادیان»، ایرج گلدوزیان، بهمن حسین جانی، وبسایت آموزه‌های حقوق کیفری، مهر ۱۳۸۴.

۲. ماده ۱ «پیمان‌نامه حقوق کودک»، برگرفته از وبسایت سازمان ملل متحد.

در زمان ارتکاب جرم قابل اعمال بوده تعیین نخواهد شد.^۱ همچنین در بند ۲ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ نیز با همان عبارت اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، اصل «شخصی بودن مجازات‌ها» گنجانده شده که بیان می‌دارد: «هیچ کس برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب آن عمل به موجب حقوق ملی یا بین‌المللی جرم شناخته نشود محکوم نخواهد شد. به همین طریق، هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه که در موقع ارتکاب جرم بدان تعلق می‌گرفت درباره کسی اعمال نخواهد شد.»^۲

در حقیقت، در این اسناد بین‌المللی با تصریح بر اصل «قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها»، اصل «شخصی بودن مجازات‌ها» نیز مستفاد می‌شود. دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ^۳ نیز به‌عنوان نخستین دادگاه بین‌المللی، اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی را با این جملات معروف به رسمیت شناخت: «تقصیر جزایی شخصی است و باید از مجازات‌های گروهی خودداری گردد.»

دادگاه جزایی بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق نیز در قضیه تادیچ بر رعایت این اصل تأکید نمود و خاطر نشان ساخت: «هیچ کس نباید به خاطر اعمال دیگران، که خود وی شخصاً در آنها دخیل نبوده یا به نحو دیگری سهم نداشته است، مسئول اعلام شود.» افزون بر این، همین محکمه در ماده ۷ اساسنامه خود نیز اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی را پذیرفته است. همچنین، اصل «شخصی بودن مجازات‌ها» در ماده ۶ اساسنامه‌های محاکم بین‌المللی رواندا و دادگاه ویژه سیرالئون نیز به رسمیت شناخته شده است. در نهایت، بند ۲ ماده ۲۵ اساسنامه دیوان جزایی بین‌المللی (ICC) به‌عنوان آخرین سند در این باره تأکید می‌کند: «هر کس مرتکب یکی از جرایمی که در صلاحیت دیوان است شود، به‌طور فردی مسئول است و بر مبنای این اساسنامه مجازات می‌شود.»^۴

۱. ماده ۱۵ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، برگرفته از وبسایت سازمان ملل متحد.

۲. «اعلامیه جهانی حقوق بشر به فارسی و انگلیسی»، برگرفته از وبسایت اختیار.

۳. «مسئولیت کیفری در جنایات بین‌المللی و تقابل آن با گفتمان مصونیت»، محمدعلی چاباری، مجید شایگان‌فرد، تحقیقات حقوقی بین‌المللی، آذر ۱۳۹۷.

۴. «بایسته‌های اصل شخصی بودن مجازات‌ها و چالش‌های آن در نظام حقوقی ایران»، محمد اولیایی‌فرد، سازمان حقوق بشر ایران.

تحلیل ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی

در حقیقت، کودک یا صغیر در اصطلاح حقوقی به کسی اطلاق می‌شود که به لحاظ سن، به نمو جسمی و روحی لازم برای یک زندگی اجتماعی نرسیده باشد. حتی به استناد شعار «کودک امروز، رهبر فردا» در نخستین اجلاس بانوان اول کشورهای مختلف که در خصوص حقوق کودک در اکتبر ۲۰۱۰ در کشور مالزی تشکیل شد، مطرح گردید که سرمایه‌گذاری در آموزش صحیح کودکان امروز به ساخت یک ملت و صلح جهانی در آینده کمک می‌کند. آموزش کودکان به‌ویژه در سنین پایین، مهم‌ترین ابزار برای رشد و تربیت رهبران مسئولیت‌پذیر و شهروندان خوب در آینده است.^۱

البته این امر نیز ریشه در مقررات فقه اسلامی دارد:

- روح‌الله خمینی در کتاب تحریرالوسیله، جلد ۲ [باب النکاح، مسأله ۱۲] می‌گوید: «اگر مردی با دختر خردسال ازدواج کند و یا نزدیکی نماید و او «إفضا» شود [آسیب جنسی ببیند]، باید دیه کامل (دیه قتل) را به دختر دهد. با توجه به اینکه نزدیکی با این دختر حرام است». اگرچه این فتوا در رساله توضیح‌المسائل ایشان وجود ندارد، بلکه در کتاب تحریرالوسیله آمده است. زیرا که میان رساله «توضیح المسائل» و کتاب «تحریرالوسیله» تفاوتی وجود دارد که متناظر است بر عمومی و کاربردی بودن ویژگی «رساله توضیح المسائل». حال آنکه کتاب «تحریرالوسیله» یک کتاب تخصصی و دربردارنده فتواهای فقهی-قانونی است که شاید اساسا به کار نیاید، اما به لحاظ قانونی و تخصصی برای متخصصین فقه و حقوق قابل توجه است.^۲
- در فقه اسلامی یک قاعده کلی وجود دارد موسوم به «لاضرر؛ لا ضرر و لا ضرار فی الدین»، به این معنا که هر کار و فعلی اگر ضرری داشته باشد، جایی در دین ندارد. پس در خصوص این فعل «متمتع شدن از...» اسلام‌گرایان به این قاعده استناد می‌نمایند. معنایش این است که فعل «متمتع...» از شیرخواره گرچه به‌خودی‌خود حرام نیست؛ اما اگر ضرر برساند، حرام است. به بیانی دیگر، آن‌ها چنین استدلال می‌نمایند: «این ازدواج و این رفتار (لمس و لذت) واجب نیست، مستحب هم نیست. در حقیقت این

۱. «انتشار تصویر کودکان آزارگران جنسی را جذب می‌کند»، گفتگو با نیره انصاری، وبسایت مجله «حقوق ما».

۲. «تصویب قانون ازدواج با کودکان در کشور اروپایی سوئد»، نیره انصاری، پژوهاک ایران، ۱۷ فروردین ۱۳۹۷.

عمل و فعل نه واجب است و نه مستحب؛ بنابراین عمل مثبتی محسوب نمی‌گردد. بلکه برحسب فتواهای فقه اسلامی تنها جایز است، یعنی حرام نیست!^۱

قانون حداقل سن ازدواج و ایرادهای حقوقی وارد بر آن

در این باره ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط آنکه رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح باشد.» اما این قانون با ایراداتی همچنان باقی است.

در منظر نخست، نگاه قانون‌گذار صرفاً بر سن رشد جسمی و فیزیکی است و نه بر سن رشد عقلانی و رشد فکری و در این خصوص ایراد بر هر دو پسر و دختر مترتب است. در حقیقت این ماده قانونی همواره یکی از چالش‌برانگیزترین مواد قانون مدنی بوده است. پیش از اصلاح این ماده در سال ۱۳۸۱، قانون‌گذار سن ازدواج برای دختران ۹ سال شمسی و برای پسران ۱۵ سال شمسی در نظر گرفته بود یعنی «سن بلوغ شرعی یا همان سن تکلیف».

ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، گرچه سن بلوغ جنسی و در پی آن توانایی آمیزش جنسی را در نظر گرفته، اما از سایر ابعاد رشد و بلوغ روحی و اجتماعی غافل بوده است. به همین جهت، واضع قانون در ۴ خرداد ۱۳۸۱ این ماده را به شکل کنونی تغییر داد. این در حالی است که این ماده توسط دادرسان مختلف و به نحو متفاوتی تفسیر و برداشت شده و از دیگر سو، فاقد ضمانت اجرایی است. یعنی برای ولی، زوج یا شخص واسطه‌گری که موجبات ازدواج دختران در سنین زیر ۱۳ سال را فراهم می‌نمایند، نه تنها جرم‌انگاری نشده، بلکه مجازاتی نیز تعیین نشده است. این نقص سبب گردیده که این ماده قانونی آمار ازدواج‌های زیر ۱۳ سال، که به آن کودک-همسری اطلاق می‌گردد، در سال‌های گذشته افزایش یابد، حال آنکه اساساً این ماده قانونی برای جلوگیری از این پدیده نامطلوب اجتماعی تصویب گردیده بود.

در نگاه دوم قانون‌گذار که می‌گوید: «رعایت مصلحت»، مصلحت چه کسی را

قانون‌گذار مدنظر دارد؟ کودک یا صغیر در اصطلاح حقوقی در قانون مدنی ایران به کسی گفته می‌شود که: «از نظر سن به نمو جسمی و روحی لازم برای یک زندگی اجتماعی نرسیده باشد.»

اکنون این پرسش‌ها مطرح است که:

- آیا نظریه پزشکی قانونی و یا دادگاه مبنی بر اینکه می‌گوید: «این فرد به بلوغ جنسی رسیده است و می‌تواند ازدواج کند» کفایت می‌کند؟
- و یا اساساً جایگاه «بلوغ فکری و اجتماعی» کجاست؟
- و چرا جمهوری اسلامی بر اجرای آن اصرار دارد؟

می‌توان این‌گونه پاسخ داد که: مقامات سیاسی در جمهوری اسلامی از انبان سنت‌های فرهنگی جامعه ما، مفهوم «ناموس» را استخراج می‌کنند و پشت آن سنگر می‌گیرند. پشت چیزی تحت عنوان ناموس می‌شود روابط را به صورت مشروع و غیرمشروع تعریف کرد و از مشروعیت دفاع کرد و به نامشروعیت حمله کرد و این را موضوع مهمی قلمداد کرد و آدم‌ها را پشت این فکر جمع کرد. به منظور پیشگیری از این تخلف، قانون‌گذار باید ازدواج کودکان نابالغ، حتی با اجازه ولی را در یک قانون مشخص، بدون ابهام و اجمال، ممنوع و باطل نماید.

البته مسئله مخالفت کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی نسبت به لایحه افزایش سن ازدواج کودکان، در تاریخ ۱۳۹۶/۷/۱۲ صورت گرفت. افزون بر این، یک طرح پیشنهادی مبنی بر افزایش سن ازدواج از ۱۳ سال به ۱۵ سال و ممنوعیت ازدواج کمتر از ۱۵ سال به مجلس ارائه شد که پس از بررسی، کمیسیون اجتماعی مجلس اسلامی مخالفت خود را با این طرح در تاریخ ۱۳۹۶/۵/۱۲ برابر با ۲۴ فوریه ۲۰۱۸، اعلام نمود.

در این خصوص، «شهیندخت مولاوردی»، معاون پیشین امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، می‌گوید: «کشور به دلیل بالا رفتن آمار کودک-همسری از سوی نهادهای بین‌المللی نظیر یونیسف تحت فشار است و اصلاح این قانون می‌تواند تا حد زیادی این فشارها را کم کند.» اما مخالفین باور دارند از آنجا که بیش از ۶۰ درصد ازدواج‌ها در سنین پایین در مناطق با فرهنگ و بافت اجتماعی خاص انجام می‌شود، تصویب این لایحه نه تنها کودک-همسری را کاهش نمی‌دهد، بلکه موجب افزایش تعداد ازدواج‌های غیرقانونی

و در پی آن، محرومیت زوجین به‌ویژه دختران از ابتدایی‌ترین حقوق خود می‌شود. در این باره، نظریه‌های موافق و مخالف وجود دارد. موافقین طرح معتقدند ازدواج و بارداری در سنین پایین برای سلامت خانم‌ها بسیار خطرناک است و برای اثبات عقیده خود به گزارشات «مرکز تحقیقات زنان و خانواده» و گزارش «دفتر سلامت و جمعیت وزارت بهداشت» در مورد میزان و دلایل مرگ‌ومیر مادران ایرانی در سال‌های ۸۵ تا ۹۳ استناد می‌کنند. همچنین معتقدند افرادی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند از حق تحصیل باز می‌مانند و نیز به دلیل عدم بلوغ روحی و اجتماعی، آمار طلاق در این پیوندها بالا است. از دیگر فراز، دلایل مخالفان، بیشتر مسائل فقهی و شرعی عنوان شده و البته اینکه، این طرح کی‌برداری از طرح‌های غربی است. اما آنچه حائز اهمیت است این مسئله است که هر قانونی با توجه به اقتضای زمانی خود مطرح شده است و با توجه به شرایط کنونی این دوره از زمان، ازدواج کودکان موجب بروز مشکلاتی شده است که با دورهای که در فقه مطرح شد به مراتب متفاوت است.^۱

به‌رغم تلاش‌های فعالان مدنی و فراکسیون نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی برای تصویب ممنوعیت ازدواج دختران زیر ۱۳ سال و پسران زیر ۱۵ سال، این طرح در سال ۲۰۱۸/۱۳۹۷ با مخالفت اعضای کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس از حرکت باز ماند. «طیبه سیاوشی شاه‌عنایتی» (نماینده مجلس شورای اسلامی) در گفتگو با خبرنگار ایلنا در رابطه با سرانجام طرح افزایش سن ازدواج بیان داشت: «افزایش حداقل سن ازدواج مدنظر کمیسیون اجتماعی بوده است، چرا که در ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی حداقل سن ازدواج در ایران ۱۳ سال ذکر شده است، اما کمتر از این سن نیز با مجوز و اذن پدر اجازه ازدواج داده می‌شود. به دنبال این هستیم که بتوانیم حداقل سن ازدواج را به ۱۵ سال برسانیم و ازدواج افراد زیر ۱۳ سال را به‌طور کامل ممنوع کنیم».^۲

وی افزود: «دلایل اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و روانپزشکی برای این ممنوعیت وجود دارد که طی جلسات کارشناسی که در فراکسیون زنان داشته‌ایم، این مستندات را ارائه داده‌ایم و آن را ضمیمه طرحی کرده‌ایم که با کمک موسسه تحقیقات اسلامی قم،

۱. «مخالفین و موافقین سن ازدواج چه می‌گویند؟»، *خبرگزاری دانشجو*، ۲۹ خرداد ۱۳۹۹.

۲. «مخالفت مرکز پژوهش‌های مجلس با طرح افزایش سن ازدواج»، *خبرگزاری ایلنا*، ۵ اسفند ۱۳۹۶.

که یک موسسه تحقیقاتی وابسته به مجلس است، آن را آماده کرده‌ایم. مرکز پژوهش‌های مجلس با افزایش سن ازدواج مخالفت می‌کرد و به همین خاطر با موسسه تحقیقاتی اسلامی قم در این خصوص همکاری کرده‌ایم و در حال حاضر در اداره قوانین مجلس ارائه شده است.^۱

تصویب لایحه اصلاح ماده ۱۰۴۱ به شکلی که در حال حاضر مطرح است به هیچ‌وجه موجب جلوگیری از تزویج افراد در سنین مطرح‌شده نمی‌شود، بلکه موجب می‌گردد که دختران در سن پایین‌تر از ۱۳ سال به صورت غیرقانونی عقد شوند و پس از ۱۶ سال عقد مورد نظر را رسمی کنند. این یعنی اگر در این مدت طلاق یا معضلات خانوادگی شکل بگیرد، قانون نمی‌تواند برای این‌گونه دختران «عاده حق» کند و زوجه از همه حقوق خود نظیر مهریه، نفقه و... محروم می‌گردد.

در حقیقت به باور نگارنده تمام مسائل - از جمله ازدواج‌هایی با سنین پایین در دختران - باید از زوایای فرهنگی و اجتماعی و خلأ قانونی مورد توجه قرار گیرد. باید در گام نخست خلأهای قانونی را برطرف کرد. فراتر از این، باید آگاهی‌بخشی و فعالیت اجتماعی نیز انجام شود و بر لزوم بلوغ عقلی و جسمی کودک تأکید کرد. به سخنی دیگر، ازدواج اجباری کودکان مصداق بارز فروش کودکان است!

از نگاهی دیگر، جالب است که در این کشور سن رای‌گیری ۱۸ سال در نظر گرفته می‌شود، یعنی رای‌دادن و شرایط رسیدن به رای‌دادن برای انتخاب رئیس‌جمهور، نماینده و شورا را ۱۸ سال می‌دانند، اما زندگی با این همه بار و حجم وسیع مشکلات را خیلی آسان در نظر می‌گیرند. چگونه می‌توان رضایت داد دختری ۱۳ ساله زندگی را با این همه مشکلاتی که امروزه وجود دارد بپذیرد. بدین‌سان، اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی کشور امری مهم و لازم است، قانون‌کنونی دارای نواقص بسیار است. در واقع این لایحه ابعاد زیادی از موضوعات اجتماعی و فرهنگی کشور را در نظر نگرفته است.

در این باره «سینا کلهر»، دبیر کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، در آذر ۱۳۹۷ برابر با دسامبر ۲۰۱۸، خبر از تدوین یک طرح جایگزین به نام «چتر حمایتی» برای لایحه تعیین حداقل سن ازدواج دختران و پسران در مرکز پژوهش‌های مجلس می‌دهد

و می‌گوید: «این طرح سه محور مهم را تحت حمایت قرار می‌دهد. نخستین محور این است که در مناطق و روستاهایی که افراد زیر ۱۸ سال ازدواج دارند، به جای ممانعت از ازدواج جوانان، هیئتی از یک قاضی و معتمد محل یا مسجد برای تعیین سن بلوغ جنسی کودکان تشکیل شود و در صورت تشخیص اینکه فرد به بلوغ رسیده و آمادگی ازدواج را دارد، این امر صورت گیرد. محور دوم چتر حمایتی نیز ارائه بسته حمایتی شامل نظام مشاوره و حمایت مالی است.

بر اساس این بسته حمایتی، خانواده‌هایی که در برخی مناطق به دلیل مشکلات مالی فرزندان خود را مجبور به ازدواج می‌کنند، می‌توان با حمایت مالی و اعطای وام مشکل آنان را حل و از این‌گونه ازدواج‌ها پیشگیری کرد. از دیگر سوی، این بسته حمایتی مشاوره و آموزش مهارت‌های زندگی پیش از ازدواج است که می‌تواند در موفقیت ازدواج‌ها تأثیر بسزایی داشته باشد.

سومین محور این چتر حمایتی نیز فراهم کردن مسائل آموزشی همه‌جانبه و لازم برای ازدواج است. به‌طوری‌که با آموزش مسائل لازم برای ازدواج افراد زیر ۱۸ سال که تمایل به ازدواج دارند، می‌توان احتمال موفقیت این ازدواج‌ها را افزایش داد.» ایشان همچنین اظهار داشته: «در صورت تصویب طرح افزایش حداقل سن ازدواج، شاهد بروز سه پیامد مهم خواهیم بود. ابتدا اینکه متوسط سن بلوغ در کشور ۱۱ تا ۱۲ سال است؛ در نتیجه، با تصویب این طرح و ممانعت از ازدواج افراد زیر ۱۸ سال، با یک بحران جنسی در کشور روبرو شده و شاهد درگیری بسیاری از نوجوانان و جوانان با بیماری‌های سلامت روحی و روانی خواهیم بود. البته تمام این موارد برای افراد زیر ۱۳ سال که تمایل به ازدواج دارند مطرح است، زیرا که برای افراد بالای ۱۳ یا ۱۴ سال مشکل خاصی برای ازدواج وجود ندارد.» دبیر کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در پاسخ به این پرسش که آیا این چتر حمایتی و طرح جایگزین از نظر فرهنگی نیز امکانی برای ترغیب خانواده‌ها به عدم ازدواج فرزندان خود دارد یا خیر، توضیح داد: «این اقدامات فرهنگی نیازمند نظام آموزشی و تحصیلی است.

در حال حاضر نیز ازدواج‌های در سنین زیر ۱۳ سال در روستاها و شهرهای خاص انجام می‌شود. از سوی دیگر، بسیاری از این مناطق با مهاجرت روبرو بوده و ایجاد مراکز آموزشی برای طرح کردن این مسائل فرهنگی از لحاظ اقتصادی ممکن است مقدور نباشد.

در نتیجه، بستر فرهنگی این طرح و ترغیب خانواده‌ها به عدم ازدواج افراد زیر ۱۳ سال به دلیل وابستگی به نظام آموزشی ممکن است چندان عملی نشود.^۱

همچنین «فرشته روح‌افزا»، مدیر طرح و برنامه و تدوین سیاست «شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده»، بالا بودن «مظاهر جنسی در جامعه»، شمار بالای دختران فراری و کاهش سن «تن‌فروشی» آنان را از جمله دلایل مخالفت خود با ممنوعیت ازدواج کودکان عنوان کرد.

آنچه برجسته می‌نماید لزوم برنامه‌ریزی همه بخش‌های حاکمیتی برای کاهش مشکل کودک-همسری و تلاش برای تحکیم هر چه بیشتر بنیان خانواده بوده و در ضمن، تأمین حقوق همه افراد جامعه، موضوعی است که به طور صریح مورد تأکید اصول ۱۹ و ۲۱ قانون اساسی کشور نیز می‌باشد.

«حسن نوروزی»، سخنگوی کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس، سوم دی ۱۳۹۷ در گفت‌وگو با خبرگزاری ایسنا درباره دلیل رد طرح ممنوعیت ازدواج دختران گفت که این طرح به دلیل «جامع و کامل نبودن» رد شده است. او یکی از دلایل خود را با مثال زدن از کشور فرانسه این‌طور بیان کرد: «حداقل سن ازدواج دختران ۱۶ سال قید شده است که حتی در کشوری مانند فرانسه سن ۱۵ سال در نظر گرفته شده است.» این نماینده مجلس دلیل دیگر را مخالفت طرح با نظر «فقها و مراجع دینی» دانست.

حسن نوروزی گفته است اگر قرار بر اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی کشور باشد، باید نظر مجمع تشخیص مصلحت هم در این باره گرفته شود. مجمع تشخیص مصلحت آخرین مرجعی است که پس از مجلس و شورای نگهبان قادر به صدور نظر نهایی است. با این حال، حسن نوروزی هیچ اشاره‌ای به بند مورد تأکید این طرح درباره ممنوعیت ازدواج دختران زیر ۱۳ سال نکرد که به موجب قانون، با رضایت والدین و اجازه دادگاه می‌توانند به عقد مردی در بیایند، در حالی که در دیگر کشورها چنین قانونی وجود ندارد.

موضوع اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی و افزایش قانونی سن ازدواج پس از نزدیک به یک‌سال دوباره مطرح گشت و سرانجام علی‌رغم تلاش‌های فراکسیون زنان مجلس و تصویب یک فوریت طرح در مهرماه ۱۳۹۷، کمیسیون حقوقی مجلس سه ماه بعد به دلیل

۱. «عدم مطابقت طرح افزایش سن ازدواج با قانون و مبانی روان‌شناسی»، *خبرگزاری مهر*، ۲۳ دی ۱۳۹۷.

جامع نبودن و ناقص بودن طرح، آن را رد کرد. بر این اساس، از آن پس، جمهوری اسلامی نه تنها از ازدواج کودکان حمایت نکرد، بلکه هرگونه فعالیت مدنی در راستای ممانعت از ازدواج کودکان را جرم به شمار آورد.^۱

اعلام مخالفت کمیسیون حقوق بشر کانون وکلای دادگستری مرکز با ازدواج کودکان در ۹ آذر ۱۴۰۰ برابر با ۳۰ نوامبر ۲۰۲۱، کمیسیون حقوق بشر کانون وکلای دادگستری مرکز با انتشار بیانیه‌ای از مجلس شورای اسلامی خواست که «به فوریت» برای اصلاح قانون ازدواج اقدام کند و مانع از ازدواج کودکان شود. این بیانیه در پی گزارش اخیر مرکز آمار ایران منتشر شد که در آن آمده بود ازدواج دختران زیر ۱۴ سال در بهار ۱۴۰۰، نسبت به زمان مشابه سال پیش ۳۲ درصد افزایش یافته است. کمیسیون حقوق بشر کانون وکلای دادگستری مرکز در بیانیه خود ازدواج کودکان را یکی از «مصادیق کودک‌آزاری» دانسته و انتشار آمار ازدواج کودکان در سال ۱۴۰۰ را «نگران‌کننده» و «مایه تاسف» کنشگران خوانده است.

امضاکنندگان این بیانیه با اعلام اینکه کودک باید کودکی کند، «ازدواج اجباری مبتنی بر فقر اقتصادی یا فرهنگی» را قیام علیه «کودکی معصومانه» خواندند و تأکید کردند: «صدای کودکان باید در مجلس شنیده شود و این انذار وجدانی مورد عنایت باشد که قانون نباید به‌گونه‌ای تحریر شود که راه را برای ازدواج افراد زیر سن ۱۸ سال باز بگذارد.»^۲

کانون وکلای دادگستری مرکز در ادامه بیانیه خود از مجلس شورای اسلامی خواسته است به این پرسش پاسخ دهد که با کدام «اقتناع وجدانی» و چه «حجت موجهی» اصلاح قانون ازدواج را مشمول مرور زمان کرده است. در این بیانیه، از نمایندگان مجلس خواسته شده است تا برای صیانت از حقوق کودکان لحظه‌ای تعلل را جایز نشمارند.

کمیسیون حقوق بشر کانون وکلای دادگستری مرکز در ادامه نامه خود، اعلام آمادگی کرده است که همراه با فعالان مدنی، برای اصلاح قانون ازدواج، با مجلس شورای اسلامی در زمینه‌های حقوقی همکاری کند. هم‌زمان با انتشار بیانیه کانون وکلای دادگستری مرکز،

۱. «دلایل کمیسیون حقوقی برای رد طرح مربوط به کودک-همسری»، *خبرگزاری ایسنا*، ۳ دی ۱۳۹۷.

۲. «آمار ازدواج کودکان در کشور همچنان نگران‌کننده است»، *شادی مکی، سلامت‌نیوز*، آذر ۱۴۰۰.

حسن نوروزی، نایب‌رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی با دفاع از ازدواج کودکان مدعی شد که یک دختر ۱۳ ساله کودک نیست.^۱

مخالفت مرکز پژوهش‌های مجلس با طرح «افزایش سن ازدواج»

روابط عمومی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در پی مخالفت مرکز پژوهش‌ها در کمیسیون اجتماعی مجلس اسلامی با افزایش سن ازدواج، در تاریخ ۱۶ خرداد ۱۴۰۱ گزارشی منتشر کرد. در این گزارش آمده است: «بر اساس داده‌ها و نتایج سازمان ثبت احوال کشور و مرکز آمار ایران، روند تحولات شاخص‌های ازدواج به گونه‌ای است که نرخ ازدواج با کاهش و میانگین سن ازدواج با افزایش روبرو بوده است.» در این گزارش تصریح شده است: «بررسی ابعاد مسئله ازدواج و الگوهای همسرگزینی نشان از کلیدی بودن متغیر سن ازدواج در این الگوهاست و افزایش سن ازدواج الگوهای آن را دچار تحول کرده و شاخص‌های دیگر از جمله فرزندآوری، طول عمر ازدواج، استحکام خانواده، ضرورت ازدواج و... را تحت تأثیر قرار می‌دهد.»^۲

بر این اساس، در گزارش مورد نظر، تبیین چرایی افزایش سن ازدواج و احصای متغیرهای تأثیرگذار بر آن مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا، پیمایش‌ها و پژوهش‌های ملی انجام‌شده مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه جلسات هم‌اندیشی با صاحب‌نظران این حوزه برگزار شده است. در این گزارش، نتایج به‌دست‌آمده از دو روش نشان می‌دهد که بالا بودن هزینه‌های آغاز زندگی، هزینه بالای مسکن، بیکاری و عدم اشتغال جوانان و پیدانکردن گزینه مناسب ازدواج در سه اولویت اول عدم ازدواج به‌موقع جوانان قرار دارند. در این گزارش آمده است: «عوامل ذکرشده به ترتیب در حوزه‌های اقتصادی، اقتصادی-اجتماعی و اجتماعی-فرهنگی قرار دارند.»

به بیانی دیگر، می‌توان گفت عدم تغییر روند موجود و عدم توانمندسازی اقتصادی افراد در تأمین معاش یک خانواده، نه تنها استحکام خانواده‌های موجود را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، بلکه شکل‌گیری خانواده‌های جدید را نیز با مشکل روبرو می‌کند. غالب عواملی که

۱. «کانون وکلای دادگستری مرکز: ازدواج کودکان را متوقف کنید»، *ایندیپندنت فارسی*، ۹ آذر ۱۴۰۰.

۲. «داداشتن شغل دهم مهم‌ترین عامل در افزایش سن ازدواج جوانان»، محمد مهدی تاجیک، *وبسایت مسیر اقتصاد*، ۲۳ خرداد ۱۴۰۱.

در اولویت بالای اثرگذاری هستند، یکی از کارکردهای مهم خانواده، که کارکرد اقتصادی است، را با اخلال مواجه می‌کنند. از این رو، افراد در سطح اول رفع نیازهای خود با مشکل روبرو شده و به سطوح دیگر که تشکیل خانواده و تأمین نیازهای عاطفی را شامل می‌شود، وارد نمی‌شوند.

در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس مقرر شده است: «البته عوامل تأثیرگذار بر سن ازدواج به صورت شبکه‌ای به یکدیگر متصل بوده و چرخه عوامل را تشکیل می‌دهند. از این رو حل مسئله مورد نظر از طریق قطع چرخه و روابط دوسویه اثرگذاری و اثرپذیری امکان‌پذیر است و راهبرد حل مسئله ازدواج با در نظر گرفتن عوامل اولویت‌دار در افزایش سن ازدواج و روابط بین آن‌ها باید تدوین شود.»^۱

به موجب این گزارش، یکی از راهبردهای مهم و اثرگذار در کاهش سن ازدواج، همانا حکمرانی نظام آموزشی و تقویت مشاغلی است که وابستگی به تحصیلات عالی ندارند. گزارشی که موضوع اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی و افزایش قانونی سن ازدواج را پس از نزدیک به یک سال دوباره مطرح نمود. «طرح کودک-همسری» بر اساس سند توسعه پایدار ۲۰۳۰، سازمان یونسکو، تدوین شده که در مغایرت با موازین اسلامی و قوانین داخلی است. از سوی دیگر، باید در طراحی فرایندها و زیرساخت‌های شغلی به ایجاد بسترهای گسترش کارآفرینی و تولیدی‌های خرد توجه ویژه شود. نکته دیگر در مورد اشتغال، اهمیت به ظرفیت‌های استان‌ها و شهرهای مختلف در تولید اشتغال است، چرا که بر اساس آمار، شهرهایی که اشتغال‌زایی بالاتری داشته‌اند، سن ازدواج پایین‌تری نیز داشته‌اند. این مقوله خود به کاهش مهاجرت نیز کمک خواهد کرد.

همچنین در این گزارش آمده: موضوع دیگر در راستای تقویت قدرت انتخاب‌گری صحیح در امر ازدواج است که به ایجاد و تقویت نهادهای ظرفیت‌های مردمی و مهارت‌افزایی افراد و خانواده‌ها در این امر نیاز است.^۲

نماینده مجلس شورای اسلامی در حالی این ادعا را مطرح می‌کند که بر اساس ماده ۱ پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک، هر فرد زیر ۱۸ سال کودک محسوب می‌شود. در این

۱. «عوامل تأثیرگذار بر افزایش سن ازدواج جوانان»، وبسایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۱ خرداد ۱۴۰۱.

۲. همان.

کنوناسیون تأکید شده است که تمام کودکان حق بازی و تفریح دارند. حسن نوروزی در سال ۱۳۹۷ هم‌زمان با تلاش فعالان مدنی برای اصلاح قانون ازدواج نیز گفته بود: «مادربزرگ من در ۹ سالگی ازدواج کرد و مشکلی برای او پیش نیامد.»^۱

با توجه به اینکه تمایل به ازدواج و زادآوری در ایران به‌شدت کاهش یافته، حکومت ایران ازدواج کودکان و ترغیب آنان به فرزندآوری را یکی از اهداف اساسی خود قرار داده است تا از این طریق سیاست‌های ابلاغی علی‌خامنه‌ای برای افزایش جمعیت را به مرحله اجرا درآورد. در «سند ملی حقوق کودک» که ابراهیم رئیسی به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ کرده، هم بر این موضوع به‌صراحت تأکید شده است.

پیش‌تر، «زهرآیت‌اللهی»، عضو شورای فرهنگی اجتماعی زنان در شورای عالی انقلاب فرهنگی، گفته بود که پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک «کور جنسی» است و از این پس مبنای حقوق کودک در ایران سند ملی حقوق کودک خواهد بود. او با استناد به این سند تصریح کرده بود: «اگر دختری زیر ۱۳ سال و پسری زیر ۱۵ سال خود به ازدواج تمایل دارد و ازدواج به مصلحت او است و والدین هم این مصلحت را تشخیص می‌دهند و دادگاه هم آن را تأیید می‌کند، در آن حالت ازدواج می‌تواند رخ دهد و غیرقانونی نیست.» به هر روی، مسئله ازدواج کودکان یا «کودک-همسری»، بار دیگر در بهمن ۱۴۰۱ / فوریه ۲۰۲۲ به مایه نگرانی مخالفان این پدیده در ایران بدل شده است. آن هم در لایه‌لای بحث درباره لایحه‌ای که از ابتدا برای مبارزه با خشونت علیه زنان تهیه شده بود.

در پی «رونمایی» از قانون «پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوء رفتار مصوب اردیبهشت ۱۴۰۰ / آوریل ۲۰۲۱»، طیبه سیاوشی، که از نمایندگان دوره پیشین مجلس شورای اسلامی است و خود زمانی درگیر همین لایحه قانونی بوده، گفت: «در نسخه جدید قانون سن ازدواج، دختران زیر ۱۳ سال شامل بند مقابله با ازدواج اجباری نمی‌شوند.» به سخنی دیگر، به‌رغم تدابیری که برای جلوگیری از ازدواج اجباری پیش‌بینی شده بود، همچنان کودکان [دختران زیر ۱۳ سال و پسران زیر ۱۵ سال] نمی‌توانند با استناد به آن از ازدواج اجباری خودداری کرده و سر باز زنند. این در حالی است که در سال‌های اخیر، افزون بر انتشار آمارهای مختلف درباره

۱. «مادربزرگ من در ۹ سالگی ازدواج کرد»، وبسایت *دنیای اقتصاد*، ۷ فروردین ۱۳۹۷.

افزایش ازدواج کودکان، حکومت نه تنها برای جلوگیری از این پدیده قدمی برنمی‌دارد، بلکه تدابیری برای تسهیل ازدواج زیر ۱۸ سال نیز پیش‌بینی کرده است. در واقع، قوانین مرتبط با ازدواج کودکان در ایران سال‌هاست که به یکی از حساس‌ترین موضوعات مورد نظر اسلام‌گرایان حکومت تبدیل شده و در برابر هر تغییر قانونی برای جلوگیری از این پدیده یا ممنوع کردن آن، مقاومتی جدی وجود دارد.

افزایش ازدواج کودکان

منتقدان می‌گویند که سیاست‌های دولت ابراهیم رئیسی نیز در راستای «ازدواج کودکان» بود. «انسپه خزعلی»، معاون امور زنان رئیس‌جمهوری، شهریور ۱۴۰۱ - آگوست ۲۰۲۲ در واکنش به اعتراض‌ها به رواج کودک-همسری در این دولت گفته بود که تلاش ما باید این باشد که از ازدواج پیش از بلوغ جلوگیری و بر «بالغ‌همسری» تأکید کنیم.

وی با بیان حمایت از سیاست‌های جمعیتی جمهوری اسلامی که در قالب «طرح جوانی جمعیت» اعمال می‌شوند، گفت: «کودک-همسری غلبه‌چندانی در جامعه ندارد و تمرکز این معاونت بر بالغ‌همسری است». تأکید بر بلوغ جسمی به عنوان شرط کافی ازدواج دختران از سوی مقام‌های جمهوری اسلامی از جمله مواردی است که همواره با انتقاد و اعتراض کارشناسان سلامت و نهادهای حقوق بشری همراه بوده است. محمود عباسی، دبیر مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک، اردیبهشت ۱۴۰۰ / آوریل ۲۰۲۱ تأیید کرد که آمار کودک-همسری در ایران از آنچه بطور رسمی منتشر می‌شود، بیشتر است. در برخی خانواده‌ها دختران پیش از ۱۳ سالگی عقد موقت و یا دائم می‌کنند و وقتی به ۱۳ سالگی می‌رسند، با مراجعه به دادگاه عقد را به صورت رسمی ثبت می‌نمایند.^۱

این در حالی است که کودکان حاصل از ازدواج‌های غیررسمی کودک-همسری تا زمان ثبت عقد والدین خود به صورت رسمی فاقد شناسنامه هستند. در میان ازدواج‌های کودکان ثبت شده در سال‌های گذشته چند مورد ازدواج زیر ده سال وجود داشته است؛ از جمله یک دختر ۹ ساله.

همچنین، حسن نوروزی، نایب رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس در مجلس

۱. «ازدواج کودکان؛ چالشی ۴۴ ساله که ابعاد جدیدی پیدا کرده است»، سولماز ایکدر، بی‌بی‌سی فارسی، ۲۷ بهمن ۱۴۰۱.

یازدهم، آذرماه سال ۱۴۰۰/دسامبر ۲۰۲۱ گفت: «نگاه درست و صحیح به مقوله ازدواج نگاه اسلام است، یعنی ازدواج دختر با بلوغ اوست. برای تعیین زمان مناسب ازدواج، بلوغ او در نظر گرفته شود و البته به اذن ولی به معنی پدر یا پدربزرگ!» او در اظهارنظری دیگر مدعی شد: «کودک-همسری به موارد ازدواج بچه‌های ۹ یا ۱۰ ساله اطلاق می‌شود و دختر ۱۳ ساله دیگر کودک همسر نیست».^۱

پسران نیز قربانی کودک-همسری هستند

برخی فعالان مدنی می‌گویند تمرکز فعالان حقوق زنان و کودکان بر لزوم مبارزه با «کودک-همسری دختران» موجب گشته که نقض حقوق پسران در این میان نادیده گرفته شد. اگرچه به دلایل فرهنگی و اقتصادی، تعداد دخترانی که قربانی کودک-همسری می‌شوند، به مراتب بالاتر از پسران است، اما نمی‌توان و نباید نقض حقوق انسانی پسران را نیز در این میان نادیده گرفت. داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که طی پنج سال برنامه ششم توسعه اقتصادی و اجتماعی، یعنی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰، ۱۶۲ کودک پسر زیر ۱۵ سال ازدواج کرده‌اند. از این بیش داده‌های این مرکز بیانگر این است که طی همان مدت بیش از ۱۳۰ هزار پسر بین ۱۵ تا ۱۹ سال ازدواج کرده‌اند. البته عموماً دلایل ازدواج زودهنگام پسران با دختران متفاوت است. خانواده‌ها به دلایلی مانند: «وارد رابطه خارج از ازدواج نشدن»، «نزدیک‌بودن محل سربازی به محل سکونت» و بعضاً «جلوگیری از مهاجرت به شهرهای بزرگتر» کودکان پسر خود را به ازدواج وادار می‌کنند. گرچه آسیب‌هایی که کودکان پسر با آن مواجه‌اند، تفاوت چندانی با آسیب‌های پیش روی کودکان دختر در ازدواج زودهنگام ندارد.

پیامدهای ازدواج کودکان

از این بیش در پی ازدواج زودهنگام کودکان (در مقابل تحصیل و کسب دانش) در یک جامعه موجب می‌گردد که آمار طلاق، خودکشی، فرار از خانه و اعتیاد و... افزایش یابد. این کودکان هم بیوه می‌شوند و نیز سرپرست خانوار محسوب می‌گردند. یعنی کودکانی

که باید افزون بر قبول مسئولیت فرزندشان معیشت خود را هم تأمین کنند. به سخنی دیگر ازدواج کودکان می‌تواند زمینه‌ساز ورود آن‌ها به مجموعه‌ای از آسیب‌های اجتماعی را فراهم نماید. بیشترین آسیب در خانواده‌هایی که ازدواج زود هنگام دارند بحث خشونت است. وقتی «زن»، یک کودک و نابالغ است، مرد از خشونت‌های کلامی و ضرب و شتم و جرح به منظور تسلط بر امور بیشتر استفاده می‌کند و در نتیجه، در این دسته از خانواده‌ها گردونه خشونت می‌تواند از والدین به فرزندان در گردش قرار گیرد. بارداری‌های پرخطر، از بین رفتن حق تحصیل، حق محافظت در برابر خشونت جسمی و روحی، حق برخورداری از استاندارد بهداشتی، حق استراحت و اوقات فراغت و در نهایت حق اشتغال از پیامدهای این نوع ازدواج است. بنابراین خودکامگی و استبداد قضایی بخش تفکیک‌ناپذیر آن دوران محسوب می‌گردد. بر پایه آنچه در پیش گفته شد ادامه و تکرار فجایعی چون ازدواج‌های زیر سن قانونی که در حال حاضر در استان‌های مختلف کشورمان به وقوع می‌پیوندد نشانگر آن است که به رغم وجود تشکیلات حقوقی و قضایی، بسیاری از خانواده‌های جامعه عشایری ترجیح می‌دهند منازعات ناشی از قتل را از طریق رسم کهنه و نکوهیده «خون‌یس» فیصله دهند که این خود بیانگر «فقدان آشکار خلاء قانونی در خصوص اصل شخصی بودن جرم و مجازات از حیث اعمال و اجرای آن توسط دادگاه‌ها و نیز موارد مربوط به احکام بازدارنده جرم و مجازات» در ایران است.

بر اساس این ماده: «ازدواج قبل از بلوغ بدون اذن ولی ممنوع است چنانچه مردی با دختری که به حد بلوغ نرسیده بر خلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی و تبصره ذیل آن ازدواج نماید به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد»

از این رهگذر، از یک سو سخنگوی قوه قضائیه در خصوص ازدواج‌های غیر قانونی اظهار داشته: «گاهی ازدواج‌ها الزاماً زناشویی نیست شاید عقد باشد ولی زناشویی انجام نشود، مثلاً برای محرم شدن یک مرد به یک زن عقدی میان دختر خوانده شود و.....»^۱ از این قبیل توجیهات!

از دیگر فراز سازمان ثبت احوال استان تهران در این باره از ثبت ازدواج ۷۵ کودک زیر ۱۰ سال خبر داد. در این خصوص رئیس این سازمان اعلام کرد: «ثبت ازدواج پایین‌تر از

۱. «هشدار درباره تبعات ازدواج کودکان/ ورود قوه قضائیه به ثبت ازدواج کودکان»، خبرگزاری مهر، ۱۱ دی ۱۳۹۱.

سن قانونی برای دختران و پسران، بدون حکم دادگاه تخلف است و در صورت مشاهده و یا گزارش بدون شک با آن برخورد می‌شود.^۱ اما این مطلب را بیان نمی‌کند که وقتی در جامعه‌ای که رشوه‌دادن و رشوه‌ستاندن جزء اصول و اساس امور اجرائی است، این اظهارات می‌تواند صرفاً جنبه توجیهی داشته باشد.

ازدواج کودکان و مشکلات بسیار

بهره‌کشی جنسی، فروش کودکان، قاچاق کودکان و بارداری در سن کم و سقط جنین از تبعات کودک-همسری دختران است. افزون بر این موارد مشکلات روحی و روانی که یک کودک به واسطه شوک ورود به دنیای بزرگسالان بر او وارد می‌شود، قابل تامل است.

سقط جنین‌های مکرر دختران خردسال

برخی از این دختران خردسال بلافاصله پس از یک سال ازدواج باردار می‌شوند و چون بدن آن‌ها آمادگی‌های لازم را ندارد، سقط جنین می‌کنند. آن‌ها خودشان بچه هستند و نخستین بارداری ریسک بالاتری نسبت به بارداری دوم دارد و این کودکان دو برابر ریسک را می‌پذیرند و دچار باروری‌های زودرس می‌شوند که در اکثریت موارد سقط جنین‌های مکرر را در پی دارد. این موارد باید بررسی شوند، چرا که هزینه‌ای است که نظام برای مردم گذاشته است.

پیامدهای هولناک این‌گونه ازدواج‌ها گاه و بیگاه در رسانه‌های ایران انعکاس یافته است. یکی از آن‌ها مونا (غزل) حیدری بود که در ۱۵ سالگی به ناچار تن به ازدواج با پسرعموی خود شد. بهمن سال ۱۴۰۰ همسر مونا با همدستی برادر خود، سر مونا ۱۷ ساله را با انگیزه «تاموسی» برید و در خیابان‌های اهواز چرخاند. این فاجعه بحث درباره کودک-همسری را مجدداً در ایران داغ کرد، اما با واکنش سرد نمایندگان مجلس روبرو شد.

۱. «ازدواج ۴۲۰ هزار دختر ایرانی فقط در یک دهه»، وبسایت خبرآنلاین، ۲۷ مرداد ۱۳۹۴.

فصل دوم: آمارها در ایران و جهان

نیجریه، آفریقای مرکزی و چاد در صدر کشورهایی قرار دارند که بیشترین آمار در این زمینه را دارند. در این کشورها نیز عامل اصلی امر فقر اقتصادی است. آمارهای جهانی نشان می‌دهند که ۷۵۰ میلیون دختر بچه، متحمل ازدواج زود هنگام شده‌اند.^۱ در ایران نیز به مانند دیگر جوامع در حال توسعه پدیده کودک-همسری در شکل قابل توجهی در نقاط مختلف کشور شایع است.

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با استناد به آمارهای ثبت احوال در تابستان سال ۹۶ اعلام شد که بیشتر دختران نابالغ، به همسری مردانی درآمده‌اند دستکم ۱۰ سال از آن‌ها بزرگ‌تر بوده‌اند. این گزارش اذعان داشت که در سال ۱۳۹۵، سه دختر ۱۰ تا ۱۴ ساله به عقد مردانی ۷۰ ساله در آمدند و ۱۳۸ مورد ازدواج‌ها با فاصله سنی ۲۵ تا ۲۹ سال صورت گرفته است.

مرکز پژوهش‌ها این فاصله‌های سنی را غیرطبیعی، و آسیب‌زا توصیف کرده بود. گزارش یادشده، طلاق، محرومیت از تحصیل، مرگ و میر ناشی از بارداری، عدم رضایت جنسی، خشونت خانگی، عدم رعایت حقوق کودکی، ناتوانی در امور زندگی، فقدان بلوغ فکری و اجتماعی اینگونه ازدواج‌ها از آسیب‌های کودک-همسری بر شمرده است، اما

۱. «کودک-همسری و سکوت قانون»، مهیندخت مصباح، *دویچه‌وله*ی فارسی، ۴ اردیبهشت ۱۳۹۸.

تصریح کرده است که وضعیت آن گونه بحرانی و حاد نیست که نیازی به تغییر کامل احکام شرعی و قانونی وجود داشته باشد.

تازه‌ترین آمار رسمی در ایران نشان می‌دهد که در سال (۱۳۹۱) خورشیدی، بیش از پنج درصد زنانی که در ۹ ماهه نخست سال / فروردین تا آذر ۱۳۹۲ ازدواج کرده‌اند، کمتر از ۱۵ سال سن داشته‌اند. یعنی بر اساس آمار رسمی، ازدواج نزدیک به ۳۱ هزار دختر بچه زیر ۱۵ سال طی این مدت به ثبت رسیده است. به طوری که به موجب آمارهای رسمی ایران در سال ۱۳۹۳ بالغ بر ۱۸۷ هزار ازدواج زیر سن قانونی در سازمان ثبت احوال کشور ثبت شده است.

بر اساس گفته‌های معاونت پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور در سال ۱۳۹۵، ۱۷ درصد ازدواج دختران در ایران پیش از رسیدن به سن ۱۸ سالگی می‌باشد. به گزارش خبرنگار اجتماعی خبرگزاری دانشجو، «محمد مهدی زنده‌دلی»، معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در مهرماه ۱۳۹۶ گزارشی مبنی بر افزایش پنج‌درصدی ازدواج دختران زیر ۱۵ سال از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ را منتشر نمود. «طرح ممنوعیت کودک-همسری» بر اساس سند توسعه پایدار ۲۰۳۰، سازمان یونسکو، تدوین شده که در مغایرت با موازین اسلامی و قوانین داخلی است.^۱

۴۲ هزار ازدواج کودکان ۱۰ساله در یک سال!

بر اساس آمار سازمان ثبت احوال در سال ۱۳۸۹ بیش از (۴۲ هزار ازدواج کودکان ۱۰ تا ۱۴) سال به ثبت رسیده است همچنین افزوده است که ۳۴۲ هزار ازدواج کودکان زیر ۱۸ سال در سال ۱۳۸۹ به موجب آمارهای سازمان ثبت احوال، ثبت گردیده که مربوط به ازدواج کودکان ۱۰ تا ۱۵ سال در کشور است و به تبع آن طلاق و جدایی نیز در میان این کودکان روندی صعودی را طی نموده و این در حالی است که از سال ۸۴ تا ۸۹ حدود ۴۵ درصد ازدواج و طلاق در میان این کودکان مشاهده می‌گردد به نحوی که به موجب آمارهای صورت گرفته در سال، ۱۳۸۹، سه هزار کودک ۱۰ تا ۱۸ سال مطلقه و بیوه در کشور وجود دارد. یک نماینده مجلس می‌گوید ثبت ۴۳ هزار ازدواج زیر ۱۸ سال نشانه افت

۱. «مخالفین و موافقین سن ازدواج چه می‌گویند؟»، خبرگزاری دانشجو، ۲۹ خرداد ۱۳۹۹.

شاخص‌های انسانی و فقر در آموزش همگانی است.^۱ در حقیقت به باور این قلم «ازدواج اجباری کودکان مصداق بارز فروش کودکان است!»

از دیگر فراز سازمان ثبت احوال استان تهران در این باره از ثبت ازدواج ۷۵ کودک زیر ۱۰ سال خبر داد، در این خصوص رئیس این سازمان اعلام کرد: «ثبت ازدواج پائین‌تر از سن قانونی برای دختران و پسران، بدون حکم دادگاه تخلف است و در صورت مشاهده و یا گزارش بدون شک با آن برخورد می‌شود!»

اما این مطلب را بیان نمی‌کند که وقتی در جامعه‌ای که رشوه‌دادن و رشوه‌ستاندن جزء اصول و اساس امور اجرایی است، این اظهارات می‌تواند صرفاً جنبه توجیهی داشته باشد. البته تعدادی از کارشناسان را نظر بر این است که ازدواج‌های کودکان به دلیل «رسم و رسوم و سنت» در مناطق روستایی بیشتر از نقاط شهری است. اما بر اساس آمارهای ارائه شده و با توجه به مهاجرت روستاییان به شهرها آمار ازدواج کودکان در نقاط شهری ۵۵ درصد و در روستاها ۴۵ درصد است.

اعتقادات سنتی و مذهبی، فقر فرهنگی یا مشکلات اقتصادی به گونه‌ای است که آمار ازدواج دختر بچه‌ها رو به افزایش است. مرکز آمار ایران سال ۱۳۹۹ اعلام کرد که در بهار و تابستان سال ۱۳۹۸، ۱۶ هزار و ۱۷ دختر ۱۰ تا ۱۴ سال ازدواج کرده‌اند و در سال ۱۳۹۹ این تعداد به ۱۶ هزار و ۳۸۱ تن افزایش پیدا کرد. افزایش فقر را علت اصلی افزایش کودک-همسری در ایران می‌دانند. در عین حال تبلیغات حکومتی برای افزایش ازدواج و فرزندآوری و برخی سنت‌ها در شماری از مناطق نیز در این وضعیت بی‌تأثیر نبوده است.^۲ داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد طی برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی، یعنی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰، ۳۲ هزار و ۵۲۴ دختر کمتر از ۱۵ سال ازدواج کردند. بر اساس اطلاعاتی که مرکز آمار منتشر کرده است ۷۷۳ هزار و ۷۵۶ تن از دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله ازدواج کردند. البته مشخص نیست چند تن از آن‌ها زیر ۱۸ سال بودند. هیچ نهاد رسمی تا کنون جمعیت دختران زیر ۱۸ سال را به صورت مشخص منتشر نکرده است. اما بر پایه دو آمار منتشر شده از ازدواج دختران زیر ۱۵ سال

۱. «کودک-همسری و سکوت قانون»، مهیندخت مصباح، *دویچه‌وله‌ی فارسی*، ۴ اردیبهشت ۱۳۹۸.

۲. «ایران؛ فرزندآوری ۱۴۷۴ کودک-همسر زیر ۱۴ سال در سال ۱۴۰۰»، *دویچه‌وله‌ی فارسی*، ۲۴ فروردین ۱۴۰۱.

و زیر ۱۹ سال می‌توان پی برد که رقم «کودک-همسری» در حال افزایش است. افزون بر این، ازدواج کودکان در ایران محدود به مواردی که به موجب قانون صورت می‌گیرد و در دفاتر رسمی ثبت می‌شود نیست.^۱

در واقع نسبت ازدواج‌های ثبت شده کودکان زیر ۱۵ سال در سال ۹۹ به تعداد کل ازدواج‌های ثبت شده در همین سال (۵۵۶ هزار و ۷۳۱ رویداد) نزدیک به پنج درصد است و این به آن معناست که حدود پنج درصد از کل ازدواج‌های ثبت شده در سال ۹۹ مربوط به ازدواج کودکان زیر ۱۵ سال است.

استان‌های مرزنشین خراسان رضوی، آذربایجان شرقی و سیستان و بلوچستان سه استانی هستند که بیشترین تعداد ازدواج در سنین کودکی در آنان رخ می‌دهد. از جمله دلایل رایج کودک-همسری در ایران می‌توان به فقر، ضعف قوانین بازدارنده، آداب و رسوم فرهنگی، اعتقادات مذهبی، اختلاف طبقاتی، تحصیلات، پدرسالاری و «ناموس‌پرستی» مردان اشاره کرد. البته افزایش فقر را می‌توان علت اصلی افزایش کودک-همسری در ایران در سال‌های اخیر می‌دانند.

در عین حال تبلیغات حکومتی برای افزایش ازدواج و فرزندآوری و برخی سنت‌ها در شماری از مناطق نیز در این وضعیت بی‌تأثیر نبوده است. تازه‌ترین آمار منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران حاکی از ازدواج ۹۷۵۳ دختر ۱۰ تا ۱۴ ساله در بهار سال ۱۴۰۰ است، که در مقایسه با آمار فصلی دو سال اخیر یک رکورد است. این آمار نشان از رشد ۳۲ درصدی ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ سال نسبت به دوره مشابه در بهار سال ۱۳۹۹ دارد. بر پایه همین آمار ۴۵ هزار و ۵۲۲ دختر ۱۵ تا ۱۹ سال نیز در این بازه زمانی ازدواج کرده‌اند. این آمار تنها مربوط به ازدواج‌های ثبت‌شده در سازمان ثبت احوال است.

البته اغلب ازدواج‌های کودکان ثبت نشده و همین امر منجر به نبود آمار دقیق در این حوزه است. داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که طی پنج سال برنامه ششم توسعه اقتصادی و اجتماعی، یعنی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰، ۱۶۲ کودک پسر زیر ۱۵ سال ازدواج کرده‌اند. از این بیش داده‌های این مرکز بیانگر این است که طی همان مدت بیش از ۱۳۰ هزار پسر بین ۱۵ تا ۱۹ سال ازدواج کرده‌اند.

۱. «ازدواج کودکان؛ چالشی ۴۴ ساله که ابعاد جدیدی پیدا کرده است»، سولماز ایکدر، بی‌بی‌سی فارسی، ۲۷ بهمن ۱۴۰۱.

بر اساس این گزارش، این پدیده به همین جا ختم نمی‌شود و به تبع آن «کودک‌مادری»، «کودک‌پدیری» و «کودک مطلقه» نیز در حال گسترش است. به استناد آمار ثبت احوال از ۶ فروردین تا ۲۸ آبان سال ۱۴۰۰ تولد ۹۶۹ کودک از مادر کمتر از ۱۵ سال و تولد ۴۴ هزار و ۸۹۶ کودک از مادران ۱۵ تا ۱۹ سال به ثبت رسیده است. بر مبنای گزارش‌هایی که در دو استان گلستان و خراسان رضوی انجام شده و گزارش مرکز آمار ایران، ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله در سه ماهه اول سال گذشته ۱۳۹۸، ۷۳۲۳ مورد بوده که با رشد ۲۳ درصدی به ۹۰۵۸ مورد در تابستان ۱۳۹۹ رسیده است. این تنها آمار ثبت شده است. بسیاری از ازدواج‌های کودکان ثبت نمی‌شوند. روز ۴ تیر ۱۴۰۰ خبری در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که حاکی از مرگ دختری ۱۳ ساله به هنگام زایمان بود. بر مبنای این خبرها، این مادر ۱۳ ساله اهل سراوان بوده است و در بیمارستان جان باخته است. سایت «همشهری‌آنلاین» بنا بر اطلاعات پایگاهی خبری که اخبار شهرستان سراوان در سیستان و بلوچستان را پوشش می‌دهد، به نقل از رییس بیمارستانی که این مادر در آنجا درگذشته، شایعه فوت مادر باردار ۱۳ ساله در بیمارستان رازی سراوان حین زایمان را تکذیب کرده است و از مرگ مادری ۱۷ ساله سخن گفته است.^۱

فاطمه فاضلی، مدیرکل بانوان استانداری سیستان و بلوچستان در ۱۵ تیرماه ۱۴۰۰ در گفتگو با خبرگزاری‌های داخلی اعلام کرده بود که این استان رتبه سوم کودک-همسری در کشور را دارد. او همچنین گفته بود که ۳۰ درصد ازدواج‌ها در استان اصلاً به ثبت نمی‌رسند. آمار ازدواج‌های سیستان و بلوچستان از خردسال همسری در این استان خبر می‌دهد. مدیرکل ثبت احوال سیستان و بلوچستان از ثبت ۱۸ مورد ازدواج کودکان بین ۵ تا ۹ سال از ابتدای سال ۱۴۰۰ تا ۴ دی‌ماه همان سال در این استان خبر داد.^۲

یونسف: هر سال ۱۲ میلیون دختر در کودکی مجبور به ازدواج می‌شوند
نیجریه، آفریقای مرکزی و چاد در صدر کشورهایی قرار دارند که بیشترین آمار در این

۱. «مرگ یک مادر ۱۷ ساله در سراوان؛ می‌خواهم زنده بمانم»، وبسایت دیدارنیوز، ۱۴ تیر ۱۴۰۰.

۲. «۱۸ ازدواج ۹ سال به پایین در سیستان و بلوچستان ثبت شد»، وبسایت تسنیم، ۴ دی ۱۴۰۰.

زمینه را دارند. در این کشورها نیز عامل اصلی امر فقر اقتصادی است. آمارهای جهانی نشان می‌دهند که ۷۵۰ میلیون دختر بچه، متحمل ازدواج زودهنگام شده‌اند. در ایران نیز به مانند دیگر جوامع در حال توسعه پدیده کودک-همسری در شکل قابل توجهی در نقاط مختلف کشور شایع است. صندوق بین‌المللی فوق‌العاده ملل متحد برای کودکان (UNICEF) این نهاد بین‌المللی در دسامبر سال ۱۹۴۶ تأسیس شده است و زیر نظر شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد فعالیت می‌کند. هدف عمده تأسیس این صندوق، مراقبت بهداشتی از کودکان جهان و اجرای برنامه‌های رفاهی برای آنان بوده است. بر اساس گزارش یونیسیف، در اردیبهشت ۱۴۰۲ / آوریل ۲۰۲۳ هر سال میلیون‌ها دختر برخلاف میل خود مجبور به ازدواج می‌شوند. ازدواج کودکان در کشورهای درگیر بحران اقتصادی با جنگ و همچنین کشورهایی با حکومت‌های متحجر از معضلات اجتماعی بزرگ است. بر اساس جدیدترین گزارشی که یونیسیف درباره کودک-همسری منتشر کرده، سالانه حدود ۱۲ میلیون دختر زیر سن ۱۸ سال در سراسر جهان به ازدواج اجباری تن می‌دهند. این سازمان تخمین می‌زند که تعداد این ازدواج‌ها به آرامی در حال کاهش است، اما بحران‌ها می‌توانند پیشرفت‌های کوچکی را که به سختی به دست آمده است، خنثی کنند.^۱

همچنین بر پایه گزارش صندوق کودکان سازمان ملل متحد در اردیبهشت ۱۴۰۲ / آوریل ۲۰۲۳ در حال حاضر ۶۴۰ میلیون دختر و زن در جهان پیش از تولد ۱۸ سالگی خود ازدواج کرده‌اند. نسبت زنان جوان در این گونه ازدواج‌ها از ۲۱ درصد به ۱۹ درصد در مقایسه با آخرین برآورد یونیسیف (پنج سال پیش/ ۲۰۱۸)، کاهش یافته است.

اما «کاترین راسل» مدیر اجرایی یونیسیف هشدار می‌دهد: «بحران‌های متعدد امیدها و رویاهای کودکان را در سراسر جهان به‌ویژه دخترانی که باید دانشجو باشند، نه عروس، بر باد می‌دهند.»

اشاره او به بحران‌های بهداشتی و اقتصادی، تشدید درگیری‌های مسلحانه و اثرات مخرب تغییرات آب‌وهوایی است که بسیاری از خانواده‌ها را وادار می‌کند تا به دنبال «امنیت» کودکان خود در ازدواج باشند. در این گزارش گفته شده می‌توان انتظار داشت که رشد شدید جمعیت و بحران‌های جاری در کشورهای جنوب صحرای آفریقا منجر به

۱. یونیسیف: هر سال ۱۲ میلیون دختر در کودکی مجبور به ازدواج می‌شوند، وبسایت دویچه‌ولهی فارسی، ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۰.

افزایش آمار ازدواج کودکان شود. تعداد این ازدواج‌ها در آمریکای لاتین و دریای کارائیب، در خاورمیانه و شمال آفریقا و همچنین در اروپای شرقی و آسیای مرکزی تقریباً تغییری نکرده است.

بنا بر این گزارش وضع در جنوب آسیا عمدتاً نشانگر پیشرفتی مثبت است. یونیسف می‌گوید این منطقه به خوبی در مسیر ممنوعیت کودک-همسری قرار دارد و احتمالاً در ۵۵ سال آینده آن را کاملاً از بین خواهد برد. با این همه تقریباً نیمی (۴۵ درصد) از «عروس‌های کودک» در این منطقه از جهان زندگی می‌کنند. اگرچه هند در دهه‌های اخیر پیشرفت‌های خوبی در این زمینه داشته، اما از جمله کشورهایی است که هنوز یک‌سوم از ازدواج‌های کودکان در جهان در این کشور رخ می‌دهد.

دختران کودک یا نوجوانی که مجبور به ازدواج می‌شوند، سال‌های کم‌تری در مدرسه می‌مانند و در معرض خطر بارداری زودرس هستند. ازدواج زود هنگام همچنین می‌تواند دختران را از خانواده و دوستان منزوی کند.

راسل می‌گوید یونیسف نشان داده که پیشرفت در پایان دادن به ازدواج کودکان امکان‌پذیر است و حمایت از دختران و خانواده‌های در معرض خطر باید ادامه یابد. او گفت: «ما باید روی نگه داشتن دختران در مدرسه و اطمینان از داشتن فرصت‌های اقتصادی برای آن‌ها تمرکز کنیم».^۱

بر اساس آمار سازمان عفو بین‌الملل (Amnesty)، بیش از ۶۱ میلیون کودک در سراسر جهان به مدرسه ابتدایی نمی‌روند. به طور تخمینی ۱۵۰ میلیون دختر و ۷۳ میلیون پسر سالانه مورد تعرض جنسی قرار می‌گیرند. در برخی کشورها، دختران از نه سالگی مجبور به ازدواج می‌شوند و کودکان از شش سالگی همانند بزرگسالان در دادگاه‌های جنایی مورد قضاوت قرار می‌گیرند. دست کم ۳۳۰ هزار کودک در ۸۰ کشور جهان سالانه به دلیل مهاجرت یا پناهندگی در بازداشتگاه‌های ویژه‌ی مهاجران نگهداری می‌شوند. بسیاری از آن‌ها به اجبار از والدین و خانواده خود جدا می‌شوند. در سال ۲۰۱۹، از هر ۶ کودک یکی در فقر شدید زندگی می‌کرد و این وضعیتی است که آن‌ها را در خطر بیشتر خشونت خانگی، کار در کودکی، بهره‌برداری جنسی، بارداری و سقط جنین در نوجوانی و

۱. یونیسف: هر سال ۱۲ میلیون دختر در کودکی مجبور به ازدواج می‌شوند، وبسایت دویچه‌وله‌ی فارسی، ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۰

ازدواج در کودکی قرار می‌دهد. این تعداد در دوره همه‌گیری ویروس کرونا به میزان قابل توجهی افزایش یافت.^۱

فرزندآوری ۱۴۷۴ کودک-همسر زیر ۱۴ سال در سال ۱۴۰۰

فروردین ماه ۱۴۰۰ خبرگزاری ایسنا به نقل از مرکز آمار ایران گزارش داد که: «در فاصله بهار تا پاییز سال گذشته ۱۳۹۹ بیش از ۲۰ هزار مورد ازدواج دختران کمتر از ۱۵ سال و هزار و ۸۵ مورد ولادت توسط مادران کمتر از ۱۵ سال در کشور انجام شده است.» این گزارش افزود این «همان معضل همیشگی کودک-همسری و کودک‌مادری» است که بعداً می‌تواند به «کودک‌بیوگی» ختم شود.

همچنین این خبرگزاری اعلام کرد در سال ۱۴۰۰، ۶۹ هزار و ۱۰۳ نوزاد از مادران ۱۰ تا ۱۹ سال متولد شده‌اند، مادرانی که در زمینه فرزندآوری جزء «گروه پرخطر» به شمار می‌روند. از این تعداد هزار و ۴۷۴ نوزاد از مادران ۱۰ تا ۱۴ ساله به دنیا آمده‌اند که خود کودک و نوجوان هستند. این نوزادان رواج بیشتر پدیده کودک-همسری را در سال‌های اخیر نشان می‌دهند. خبرگزاری ایسنا نیز نوشت: «بررسی داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد در سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰، بیش از ۳۲ هزار دختر کمتر از ۱۵ سال ازدواج کرده‌اند؛ رقمی درخور توجه و نگران‌کننده». خبر آنلاین نیز در گزارشی در همین مورد به خطرات ازدواج در سن پایین برای سلامت جسمی و روانی این کودکان اشاره کرد؛ از جمله اینکه: «نوجوان در این سن علاوه بر استرس‌های نوجوانی متحمل استرس ازدواج و بارداری هم می‌شوند و اختلالاتی مثل افسردگی و اضطراب و وسواس و افکار خودکشی و اقدام به خودکشی در بین آن‌ها بالا است».^۲

همچنین مجموع آمارهای فصلی سال ۹۹ بیانگر ازدواج ۱۵۴ هزار و ۲۴۲ دختر ۱۵ تا ۱۹ ساله با رشد نزدیک به ۶ درصد نسبت به سال ۹۸ و ازدواج ۲۱ هزار و ۲۷۸ پسر ۱۵ تا ۱۹ ساله با رشد ۱۲ درصدی نسبت به سال ۹۸ است.^۳

۱. «حقوق بشر کودکان»، وبسایت عفو بین‌الملل.

۲. یونسف: هر سال ۱۲ میلیون دختر در کودکی مجبور به ازدواج می‌شوند، وبسایت دیپجه‌وله‌ی فارسی، ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۰.

۳. «مرکز آمار ایران اعلام کرد: رشد عجیب ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله»، وبسایت خبرآنلاین، ۲۹ مرداد ۱۴۰۰.

گرچه هیچ رویداد طلاق برای پسران کمتر از ۱۵ سال و دختران کمتر از ۱۰ سال (سن هنگام طلاق) در سال ۹۸ و ۹۹ به ثبت نرسیده است اما ۷۲۵ رویداد طلاق برای دختران ۱۰ تا ۱۴ سال در سال ۹۹ به ثبت رسیده است. از این بیش بر پایه آمار منتشره از سوی مرکز آمار ایران ۲۰ پسر کمتر از ۱۵ سال و یک دختر کمتر از ۱۰ سال در سال ۹۹ ازدواج کرده‌اند.^۱

بر پایه تازه‌ترین آمار رسمی سازمان ثبت احوال که ۲۴ فروردین ۱۴۰۱ منتشر شد در سال گذشته حدود یک میلیون و ۱۰۶ هزار نوزاد در ایران متولد شده‌اند که نسبت به آمار سال پیش کاهش اندکی داشته است. طی یک سال مادران زیر ۲۰ سال در ایران بیش از ۶۹ هزار فرزند به دنیا آورده‌اند و بخشی از آن‌ها خود کودک بوده‌اند. کودک-همسری در سال‌های اخیر در ایران به شدت افزایش یافته و یکی از علت‌های مهم آن فقر عنوان می‌شود. از این تعداد ۱۴۷۴ نوزاد از مادران ۱۰ تا ۱۴ ساله به دنیا آمده‌اند که خود کودک و نوجوان هستند. این نوزادان رواج بیشتر پدیده کودک-همسری را در سال‌های اخیر نشان می‌دهند.^۲

کودک-همسری؛ نوعی تجاوز خاموش

در حقیقت می‌توان بیان داشت که کودک-همسری «نوعی تجاوز خاموش» است که در اغلب موارد برای مادران خردسال آسیب‌های روانی و جسمی شدیدی در پی دارد. قوانین جمهوری اسلامی راه برای ازدواج کودکان زیر سن قانونی را نیز باز گذاشته و این کار را «به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح» مجاز کرده است.^۳

احکام شرعی و بلوغ دختران در سن ۹ سالگی

«جشن تکلیف» یکی از مراسم مذهبی است که برای دختران و پسران که به سن تکلیف رسیده‌اند، به اجرا در می‌آید. بر اساس دستورهای دینی، دختران و پسران مسلمان، مکلف

۱. «مرکز آمار ایران اعلام کرد: رشد عجیب ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله»، وبسایت خبرآنلاین، ۲۹ مرداد ۱۴۰۰.

۲. «ایران؛ فرزندآوری ۱۴۷۴ کودک-همسر زیر ۱۴ سال در سال ۱۴۰۰»، دویچه‌ولهی فارسی، ۲۴ فروردین ۱۴۰۱.

۳. «انتشار آمار درباره کودک-همسری در ایران «متوقف شد»»، دویچه‌ولهی فارسی، ۱۹ شهریور ۱۴۰۳.

نامیده می‌شوند و باید واجبات دین اسلام را انجام داده و از حرام‌ها و محرمات دوری جویند. سن تکلیف برای دختران مسلمان، در پایان ۹ سالگی و آغاز ۱۰ سالگی و برای پسران، پایان ۱۵ سالگی و آغاز ۱۶ سالگی می‌باشد. همچنین در مدارس کشور مراسم موسوم به جشن تکلیف برای این روز برگزار می‌شود که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به اجرای روز بزرگ اشاره نمود که هر ساله برای دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی برگزار می‌شود. افرادی که به سن تکلیف رسیده‌اند، موظف هستند که نسبت به فراگیری مقررات دینی نیز اقدام نمایند. دین اسلام، انجام جشن تکلیف را در خصوص دختران و پسرانی که به جز سن، سایر شرایط تکلیف را احراز نکنند، واجب نمی‌داند. از دیگر سو سنت ازدواج زود هنگام دختران خردسال در میان برخی اقوام ایرانی رواج به نسبت بیشتری دارد و آموزه‌های اسلام که چند همسری را مجاز کرده و سن بلوغ دختر را ۹ سال می‌داند در این مورد نقش مهمی دارد.

مسئولیت مدنی و کیفری کودکان

یکی از مهم‌ترین روش‌هایی که در نظام‌های حقوقی و اجتماعی پیشرفته برای برخورد با بزهکاری کودکان و نوجوانان اعمال می‌شود، وجود نظام مشاوره در کنار نظام قضایی است تا کودکان و نوجوانانی که پایشان به دادگاه اطفال کشیده می‌شود، برای اصلاح رفتار خود خدمات ویژه‌ای دریافت کنند زیرا که تجربه نشان داده است تنها اعمال قوانین مجازات بازدارنده رفتارهای بزهکارانه این گروه سنی نیست و بدون چنین خدماتی احتمال تکرار رفتار بزهکارانه وجود دارد. به همین دلیل در قوانین ایران هم در ماده ۲۹۸ و تبصره ۲ ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری، وجود مشاور در دادگاه اطفال ضروری دانسته شده است.^۱

«جاوید رحمان»، گزارشگر پیشین ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد در امور ایران، اسفند ۱۳۹۹ در گزارشی به شورای حقوق بشر ملل متحد با اشاره به رواج کودک-همسری در ایران خواستار «اصلاحات فوری» در خصوص رفتار جمهوری اسلامی با زنان و دختران شده بود.^۲

۱. «مسئولیت کیفری و مدنی اطفال» در کنار مسئولیت عمومی جامعه در برابر مجرمان کودک و نوجوان»، نعیمه دوستدار، سازمان حقوق بشر ایران.

۲. «آمار مادران زیر ۱۴ سال «از وبسایت ثبت احوال حذف شده است»، رادیو فردا، ۱۹ شهریور ۱۴۰۰.

پرسش این است که آیا آگاه کردن جامعه جهانی نسبت به آسیب‌های اجتماعی ناشی از کودک-همسری ممکن است به تغییر رفتار جمهوری اسلامی در این زمینه منجر شود؟ پاسخ می‌تواند این باشد که اگر کنش‌های مدنی سال‌های اخیر در حوزه‌های مختلف را با هم مقایسه کنیم؛ مانند حقوق زنان، کودکان کار، زن‌کشی، اعدام‌ها و... می‌بینیم که اساساً آن‌چنان که باید و شاید در مجامع بین‌المللی در خصوص کودک-همسری کار خاصی صورت نگرفته است. به همین جهت است که جمهوری اسلامی بدون نگرانی از عواقب رفتار خود در این زمینه سال به سال فاجعه‌بارتر رفتار می‌کند.

حق و مسئولیت در وهله نخست

مفهوم حق و مسئولیت یک امر عقلایی است. یعنی انسان‌ها در رفتار خود تا چه حد حق دارند و در صورت رفتار غیر عقلانی تا چه میزان مسئول قلمداد می‌شوند. پس بحث عقلانیت «صاحب حق» و «صاحب مسئولیت» مطرح است. به حیث حقوقی کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی وجود دارد که متناظر بر یک گروه سنی زیر ۱۸ سال (کودک) و گروه سنی بالاتر از سن ۱۸ غیر کودک و بالغ است.

چنین گروه‌بندی به حیث عدد بر چه مبنایی استوار است؟ در واقع نشان از یک نوع بلوغ عقلانی برای وجود حقوق و مسئولیت‌های ویژه و خاص دارد. به همین جهت در خصوص جرائم کودکان و فرایند تادیب حقوقی آن‌ها در آیین دادرسی کیفری و تعریف کیفرها برای گروه سنی زیر ۱۸ سال، مقررات مربوط به اصلاح و تربیت اعمال می‌گردد. از دیگر فراز جزء حقوق این گروه از کودکان است که تحت نظام آموزشی و پرورشی قرار گیرند تا از آنان یک شهروند و اَبَره مدنی ساخته شود. البته برخی کشورها ممکن است که سن اَبَره مدنی را ۱۶ سالگی اعلام نماید.

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مصوب ۱۳۹۹

- ماده ۱- اصطلاحات به کار رفته در این قانون، به شرح زیر تعریف می‌شود:
- الف) طفل: هر فرد که به سن بلوغ شرعی نرسیده است.

- (ب) نوجوان: هر فرد زیر ۱۸ سال كامل شمسی كه به سن بلوغ شرعی رسیده است.
- (ذ) خطر شدید و قریب‌الوقوع: وضعیتی كه حیات یا سلامت جسمی یا روانی طفل و نوجوان به شدت تهدید و در معرض آسیب قرار گیرد، به‌نحوی كه مداخله فوری و چاره‌جویی را ایجاب نماید.
- ماده ۳- موارد زیر در صورتیكه طفل یا نوجوان را در «معرض بزه‌دیدگی» یا ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت و یا وضعیت آموزشی وی قرار دهد، «وضعیت مخاطره‌آمیز» محسوب شده و موجب مداخله و حمایت قانونی از طفل و نوجوان می‌شود.
- ماده ۶- دستگاه‌ها و نهادهای زیر، در راستای تحقق اهداف این قانون عهده‌دار وظایف زیر می‌باشند؛
 - الف) سازمان بهزیستی كشور مكلف است:
 ۱. با استفاده از مددكاران اجتماعی در قالب فوریت‌های خدمات اجتماعی با همکاری شهرداری یا دهیاری و نیروی انتظامی نسبت به شناسایی، پذیرش، حمایت، نگهداری و توانمندسازی اطفال و نوجوانان موضوع این قانون و اعلام موضوعات به مراجع صالح اقدام كند.
 ۲. در راستای وظایف قانونی و وظایف مقرر در این قانون از همکاری و مشاركت تمامی دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات كشوری مصوب ۸/۷/۱۳۸۶ استفاده كند. دستگاه‌های اجرایی مكلفند در چارچوب وظایف قانونی خود با سازمان مذكور همکاری كنند.

تحلیلی بر قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مصوب ۱۳۹۹

در نخستین ماده طفل و نوجوان را به حیث شرعی تعریف کرده است. پس قدر متقین مسئولیت مدنی و کیفری این کودکان نیز به تبع ماده ۱ از ۹ سال تمام قمری برای دختران و ۱۵ سال تمام برای پسران خواهد بود. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۹ هم آزار جنسی و بهره‌کشی جنسی از طفل و نوجوان را جرم‌انگاری کرد بدون اینکه «زدواج صغیره» را از مصادیق آن بداند. حال آنکه به استناد ماده ۱

کنوناسیون بین‌المللی حقوق کودک، هر فرد انسانی زیر ۱۸ سال کودک اطلاق می‌نماید. همچنین با توجه به دیگر مواد این قانون، می‌توان بیان داشت که تنها ابزارها و سیاست‌های کلی را پیش‌بینی کرده است. گرچه اجرایی‌شدن آن بسیار دشوار خواهد بود، اما شاید با این ابزارها بتوانند جایگاهی را به سیستم قضائی بدهند تا این سیستم بتواند در پیشگیری از وقوع کودک‌آزاری موثر واقع شود.

افزون بر این موارد، فرض قانون این است که همه کودکان در این موقعیت در معرض خطر هستند. همچنین با توجه به دیگر مواد این قانون، می‌توان بیان داشت که تنها ابزارها و سیاست‌های کلی را پیش‌بینی کرده است. اما رفتار دوگانه قوه قضائیه با فلسفه قانون‌گذار مغایرت دارد. از دیگر سو، تاخیر در تصویب لایحه حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان برای این بوده است که آسیب‌های اجتماعی در حوزه اولویت‌ها قرار ندارند، زیرا هنگامی که بحث «کودک‌آزاری» توسط والدین به میان می‌آید، نمایندگان مجلس می‌گویند کودکان به‌هیچ‌وجه نباید از خانواده جدا شوند. در واقع، گویی که این افراد از آنچه در جامعه اتفاق می‌افتد، مطلع نیستند. از دیگر سو، بخشی از آن‌ها می‌گویند ما در دین‌مان بسیاری مسائل ارزش‌گذاری شده است. حال آنکه این مورد امری نیست که از دین برخاسته شده باشد و افزون بر قانون‌گذاری معیوب می‌توان فرهنگ و سنت را نیز در این پدیده مؤثر قلمداد کرد در حقیقت به باور نگارنده: «تمام مسائل از جمله ازدواج‌هایی با سنین پایین در دختران، باید از زوایای فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و خلأ قانونی مورد توجه قرار گیرد. باید در گام نخست خلأهای قانونی را برطرف کرد، فراتر از این باید آگاهی‌بخشی و فعالیت اجتماعی نیز انجام شود.» و به «بلوغ عقلی» و جسمی کودک تأکید کرد. به سخنی دیگر، ازدواج اجباری کودکان مصداق بارز فروش کودکان است! از نگاهی دیگر جالب است که در این کشور سن رأی‌گیری را برای ۱۸ سال در نظر گرفته می‌شود یعنی رأی دادن و شرایط رسیدن به رأی دادن برای انتخاب رئیس‌جمهور، نماینده و شورا را ۱۸ سال می‌دانند، اما زندگی با این همه بار و حجم وسیع مشکلات را خیلی آسان در نظر دارند. چگونه می‌توان رضایت داد دختری ۱۳ ساله زندگی را با این همه مشکلاتی که امروزه وجود دارد بپذیرد. بدین‌سان، اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی کشور امری مهم و لازم است، قانون‌کنونی دارای نواقص بسیار است. در واقع این لایحه ابعاد زیادی از موضوعات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی کشور را در نظر نگرفته است.

فصل سوم: سن مناسب ازدواج در دیگر کشورها

اسناد بین‌المللی

کودکان به دلیل ویژگی‌هایی که از نظر سنی دارند، بسیار آسیب‌پذیرتر هستند. پدیده کودک-همسری یکی از مشکلاتی است که همواره گریبان‌گیر جوامع بشری بوده و هست. وقوع ازدواج در سنین پایین و کودکی، که در کنوانسیون‌های جهانی تا سن ۱۸ سالگی را در بر می‌گیرد، پدیده‌ای است که در اکثر جوامع توسعه‌نیافته و سنتی روی می‌دهد. امروزه یکی از موضوعات رایج و مناقشه‌برانگیز مجامع حقوقی در نظام بین‌المللی، رویارویی با پدیده کودک-همسری است. کودک-همسری در دنیای امروز با مسائل و چالش‌های حقوقی پیوندی ناگسستنی دارد. این پدیده باعث شده است که اغلب کشورها و سازمان‌های بین‌المللی بیش از پیش به کودکان و مشکلات آنان توجه کنند و تا حد ممکن پیامدهای این معضل را کاهش دهند.

به استناد تعریف صندوق کودکان سازمان ملل متحد (UNICEF)، کودک-همسری نوعی ازدواج رسمی یا غیررسمی است که در آن فرد پیش از رسیدن به ۱۸ سالگی وارد پیمان زناشویی می‌شود. این نوع ازدواج‌ها که امروزه هم به یک مساله جهانی تبدیل شده، در بیشتر کشورهای کم‌درآمد رخ می‌دهد و منحصر به یک مذهب و یا فرهنگ خاص نیست.^۱

۱. Harmful practices، وبسایت www.unicef.org.

کنوانسیون‌های بین‌المللی مختلفی در ارتباط با ازدواج کودکان وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به «کنوانسیون حقوق کودک»، «کنوانسیون رفع هرگونه اشکال تبعیض علیه زنان» و «کنوانسیون رضایت در ازدواج، حداقل سن ازدواج و ثبت ازدواج» اشاره کرد. بر اساس ماده ۱ کنوانسیون جهانی حقوق کودک^۱: «هر فرد زیر هجده سال کودک محسوب می‌شود.» در میان مسائلی که حقوق کودکان را به مخاطره می‌اندازد، ازدواج کودک یکی از مسائلی است که تعداد زیادی از کودکان را از حقوق خود محروم می‌کند. به موجب تعاریف مختلف، ازدواج زودهنگام یا کودک-همسری به ازدواجی اطلاق می‌شود که زوجین یا یکی از آن‌ها به سن ۱۸ سالگی نرسیده باشد. همان‌طور که اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح می‌کند: «کودک، به دلیل رشد ناکافی جسمی و ذهنی، نیازمند مراقبت و حمایت‌هایی مانند حمایت‌های مناسب حقوقی پیش و پس از تولد است» و به عنوان جوان‌ترین و آسیب‌پذیرترین گروه انسانی، باید حقوق ویژه‌ای داشته باشد.^۲

البته حقوق کودکان در اسناد بین‌المللی مختلفی به صورت متمرکز یا پراکنده عنوان شده است، اما مهم‌ترین سند در این مورد پیمان‌نامه حقوق کودک (CRC) است که در سال ۱۹۸۹ به تصویب رسید و جمهوری اسلامی ایران نیز جزء دولت‌هایی است که این کنوانسیون را امضا و تصویب کرده است. کنوانسیون در اول اسفند ماه ۱۳۷۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی و در ۱۱ اسفندماه به تایید شورای نگهبان رسید. جمهوری اسلامی هنگام امضای کنوانسیون در ۵ سپتامبر ۱۹۹۰ / شهریور ماه ۱۳۶۹ با حق یک شرط کلی تصریح نمود: «جمهوری اسلامی ایران نسبت به آن بخش از مندرجات کنوانسیون که مغایر با شریعت و قانون اساسی اسلامی باشد، اعلام حق شرط تحفظ نموده و بدین نحو عدم ایفای تعهد خود را اعلام داشت.» با اینکه به شکل صریح و مشخص در متن کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک از ازدواج کودکان صحبت نشده است، این قانون به صراحت در ماده ۱ تمامی افراد زیر ۱۸ سال را کودک دانسته و سن احراز مسئولیت‌های قانونی را ۱۸ سال تعیین کرده است.^۳ بنابراین با توجه به این ماده، عملاً ازدواج زیر سن ۱۸ سال، مصداق

۱. «پیمان حقوق کودک»، وبسایت سازمان ملل متحد.

۲. «آشنایی با پیمان‌نامه حقوق کودکان؛ من حق دارم کودک باشم»، وبسایت کودک‌ت.

۳. «پیمان حقوق کودک»، وبسایت سازمان ملل متحد.

ازدواج کودک و مغایر با تعهدات کنوانسیون محسوب می‌شود. با توجه به اینکه حقوق کودکان در اسناد و قوانین بین‌المللی بر پایه چند معیار استوار است: تبعیض قائل نشدن (این حقوق برای همه کودکان به طور یکسان مصداق دارد)، آنچه برای کودک بهترین است، حق زندگی و رشد در بهداشت کامل و حق بیان نظرات در موضوعاتی که کودک را نگران می‌کند.

این حقوق به طور کلی شامل این موارد است: حق حیات، حق زندگی، حق آب و غذا، حق سرپناه، حق آموزش و بهداشت، حق محافظت در برابر آسیب‌ها، حق فعالیت در خانواده، جامعه و زندگی فرهنگی، و حق رشد تا رسیدن به کمال توانایی.

همه این حقوق به یک اندازه ارزشمند و در عین حال، در پیوند با یکدیگر هستند. کودکان با این حقوق متولد می‌شوند و هیچ‌کس نمی‌تواند آن‌ها را نفی یا انکار کند. کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک مواد دیگری هم دارد که می‌توان از آن ممنوعیت ازدواج کودک را استخراج و نتیجه‌گیری کرد. برای نمونه، مواد ۱۹ و ۳۴ کنوانسیون هرگونه «سوءاستفاده جنسی» از کودک را تحت هر عنوانی ممنوع دانسته است. ماده ۳۶ نیز هر عملی را که موجب «استثمار» کودک شود، ممنوع کرده است.^۱

در ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است:

الف: مردان و زنانی که به سن ازدواج رسیده‌اند، حق دارند رها از وابستگی نژادی، ملی یا دینی خود با یکدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده بدهند. آن‌ها به هنگام بستن پیمان زناشویی، زندگی مشترک و گسیختن این پیوند از حقوق برابر برخوردارند.

ب: زناشویی باید با آزادی و خرسندی کامل زن و شوهر صورت گیرد.

ج: خانواده ستون طبیعی و بنیادین جامعه است و از این رو باید از پشتیبانی جامعه و دولت بهره‌مند شود.

در عین حال، ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز که جمهوری اسلامی خود را به آن متعهد می‌داند، ازدواج زن و مرد را تنها در «سن کامل و قانونی و با آزادی، رضایت و اختیار

کامل» مجاز می‌داند.^۱ حتی اگر بر فرض، نظر کودکی هم در ازدواج پرسیده شود، وقتی کودک هنوز به سن تشخیص عقلی و قانونی نرسیده است، نمی‌تواند مصلحت خویش را تشخیص دهد و با آزادی و آگاهی تصمیم‌گیری کند.

آزادی زناشویی و حمایت از خانواده

ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، از حق مردان و زنانی که به سن زناشویی رسیده‌اند حمایت می‌کند تا آن‌ها بتوانند تشکیل خانواده بدهند و بچه‌دار شوند. البته می‌بایستی دولت‌ها در این جا یک رشته قیدها و محدودیت‌های قانونی را مقرر دارند، مانند ممنوعیت ازدواج بین خویشاوندان همخون، ممنوعیت ازدواج با بچه‌ها، ممنوعیت چندهمسری یا ممنوعیت ازدواج افراد عقب‌افتاده ذهنی. افزون بر این، اعلامیه جهانی حقوق بشر بر برابری حقوقی زن و مرد در این پیمان زناشویی تأکید می‌کند. از این‌رو، دولت‌ها موظف هستند که طی اقدامات و تدابیر مناسب نابرابری‌های موجود را از بین ببرند. همچنین دولت‌ها می‌بایستی بستر قانونی را به گونه‌ای سامان دهند که به هنگام فسخ پیمان زناشویی، زنان مورد تبعیض قرار نگیرند. یعنی زن و مرد از حق جدایی و فسخ پیمان زناشویی به گونه‌ای برابر برخوردار باشند و حق سرپرستی بچه (حق حضانت) طی یک دادگاه بی‌طرف (در صورت وجود شاکی و دعوی) تعیین شود. ممنوعیت زناشویی اجباری یعنی این که می‌بایستی زن و مرد با اراده‌ای آزاد و رضایت‌مندی وارد این پیمان شوند و در این راستا نه دولت و نه خانواده مجاز هستند زن یا مرد را به زناشویی مجبور سازند.

این ممنوعیت به ویژه باید حفظ و سپری باشد برای دختران که خانواده‌های آن‌ها، به هر دلیلی، آن‌ها را به اجبار شوهر می‌دهند. بند سوم/ج این ماده، خانواده را به مثابه‌ی «ستون طبیعی و بنیادین جامعه» تعریف کرده و از آن حمایت می‌کند. همان‌گونه که در ماده ۱۲ نیز گفته شد، مفهوم «خانواده» در فرهنگ‌ها و ادیان به گونه‌ای گوناگون درک و برداشت می‌شود. وظیفه‌ی دولت در این جا ایجاد یک بستر حقوقی است که از یک سو از خانواده حمایت به عمل آورد و از سوی دیگر با تبعیض در هر شکلی مبارزه کند. برای پرهیز از کشاکش‌های زمخت بین درک سنتی از خانواده و درک حقوقی برابر، دولت‌ها

۱. «اعلامیه جهانی حقوق بشر به فارسی و انگلیسی»، برگرفته از وبسایت اختیار.

موظف هستند که طی روشنگری‌ها این موانع را به تدریج از بین ببرند. امنیت حقوقی، مقوله‌ای بسیار مهم در یک نظام حقوقی است. هر چند مسئله «امنیت حقوقی» مفروض یک نظام حقوقی است که دارای جامعه منحصربه‌فرد خویش است، با این حال، تا حد زیادی چالش‌ها و نقدها به وجود «امنیت حقوقی» در حقوق بین‌الملل شایان توجه است، اما این مسأله مانع از این نیست که «امنیت حقوقی» در بعد قاعده‌ای و بعد ساختاری در این نظام مفقود باشد.^۱ وجود منشور ملل متحد، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و نقش تفسیری دیوان بین‌المللی دادگستری نشانه وجود «امنیت حقوقی» نسبی در حوزه ماهوی و قهراً، ساختاری است.

از دیگر فراز رژیم اسلامی در کنار دولت سودان تنها کشورهایی بودند که در سال ۲۰۱۴ حاضر نشدند قطعنامه «منع ازدواج کودکان» را که کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد تصویب کرد، امضا کنند. جمهوری اسلامی ایران با پاراگرافی از این قطعنامه که بر «حق زن بر تن خود» و «حفاظت از حق باروری زنان» تأکید کرده بود، مخالفت نموده و این پاراگراف را مغایر با «دین و عرف» خود دانسته بود.

بر اساس کنوانسیون‌های بعدی نیز ازدواج کودکان مگر با رعایت شرایط خاصی ممنوع است. در کشورهای مختلف، قوانین برای سن ازدواج گوناگون است. صندوق حمایت از حقوق کودکان سازمان ملل متحد، یونیسف، در بند اول برنامه جهانی خود برای پایان دادن به ازدواج کودکان اشاره می‌کند که حداقل سن ازدواج باید ۱۸ سال باشد. یونیسف می‌گوید دختران و پسران زیر ۱۸ سال از نظر جسمانی، روحی، روانی و احساساتی به ظرفیت‌های لازم نرسیده‌اند.

برخی از توافقاتنامه‌های حقوق بشری بین‌المللی، از کودکان در برابر ازدواج زودهنگام محافظت می‌کنند برای نمونه: صندوق جمعیت سازمان ملل متحد آژانسی تخصصی برای رسیدن به جهانی است که در آن هر بارداری خواسته، هر زایمان ایمن و استعدادهای هر جوانی شکوفا شود. یکی از فعالیت‌های صندوق جمعیت ملل متحد: «تلاش برای پایان دادن به ازدواج کودکان، که می‌تواند بر روی حدود ۷۰ میلیون دختر در ۵ سال آینده تأثیر بگذارد.»

۱. «امنیت حقوقی» در حقوق بین‌الملل: مفهوم و جایگاه»، سیدفضل‌الله موسوی، سیدحسین موسوی‌فر، فصلنامه مطالعات حقوقی، وبسایت فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، تیر ۱۴۰۰.

اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، کنوانسیون محو همه اشکال تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹، کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، و منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک ۱۹۹۰. در تمام این توافقنامه‌ها به چند مورد زیر اشاره شده است: «همگی خواهان آزادی و رضایت دو طرف به ازدواج هستند، خواهان حداقل سن ۱۸ سال برای ازدواج هستند، و می‌خواهند ازدواج کودکان به عنوان عملی خطرناک و آسیب‌رسان شناخته شود و از تضییع حقوق کودکان به هر شکلی جلوگیری شود. ازدواج زودهنگام پیشرفت دختران را به مخاطره می‌اندازد و معمولاً منجر به بارداری در سنین پایین و انزوای اجتماعی می‌شود.» همچنین ازدواج زودهنگام موجب تقویت بازتولید چرخه معیوب و تکرار مجدد ازدواج زودهنگام، بهره‌وری کمتر از آموزش و پرورش، افزایش باروری و فقر می‌شود. تعیین و اجرای حداقل سن قانونی برای ازدواج در جهت حمایت از دختران که بیش از پسران در معرض خطر آسیب‌های ازدواج زودهنگام قرار دارند بسیار لازم است. بیشتر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، قوانین حداقل سن ازدواج را از ۱۳ سال در ایران تا ۲۰ سال در تونس برای دختران و از ۱۵ سال در یمن و ایران تا ۲۱ سال در الجزایر را برای پسران مشخص کرده‌اند.

برخی از خانواده‌ها با تکیه بر اعتقادات مذهبی، با برپایی مراسم عروسی مذهبی و به تعویق انداختن ثبت ازدواج تا رسیدن دختر به سن قانونی، دختران خود را زودتر به خانه بخت می‌فرستند. چنین اقداماتی کودکان ازدواج کرده زیر سن قانونی را بدون هیچ حمایت قانونی رها خواهد کرد. در این شرایط هیچ مبنای قانونی برای دریافت ارث، نفقه یا حمایت از کودکان بیوه شده یا رها شده وجود ندارد. تعداد قابل توجهی از دختران در منطقه خاورمیانه همچنان قبل از ۱۸ سالگی ازدواج می‌کنند برای نمونه در یمن تنها یک سوم از زنان ۲۰ تا ۲۴ سال در ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند. در فلسطین، مصر و عراق نسبت قابل توجهی از زنان سنین ۲۰ تا ۲۴ سال پیش از تولد ۱۸ سالگی خود متاهل شده‌اند. در میان کشورهایی با داده‌های موجود، الجزایر کم‌ترین درصد از زنان جوانی را دارد که پیش از ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند (۲ درصد).

همچنین پس از تشکیل جمهوری ترکیه در ۲۹ اکتبر ۱۹۲۳، «مصطفی کمال پاشا» (معروف به آتاتورک) سیاست سکولاریزه و مدرنیزه کردن قوانین را در پیش گرفت. این قانون در واقع ترجمه قانون مدنی سوئیس مصوب ۱۹۰۷ و قانون تعهدات سوئیس مصوب

۱۹۱۱ می‌باشد. مجلس ترکیه کمیته‌ای را برای بررسی قوانین مدنی سایر کشورهای اروپایی از جمله اتریش، آلمان، فرانسه و سوئیس تشکیل داد. سرانجام در ۲۵ دسامبر ۱۹۲۵ کمیته مزبور تصمیم به آن گرفت که قانون مدنی سوئیس را به عنوان قانون نمونه انتخاب نماید. قانون یاد شده در ۱۷ فوریه ۱۹۲۵ به تصویب رسید و در ۴ اکتبر سال ۱۹۲۶ به اجرا درآمد. مقدمه این قانون توسط «محمود اسد بُزکورت» (وزیر دادگستری) در نوشته شد. قانون مدنی نوین ترکیه ۲ سال پس از به روی کار آمدن آتاتورک تصویب شد و موجب نسخ حقوق شرعی شد که بیش از ۶۰۰ سال توسط عثمانی‌ها بر کشور حاکم بود. در زمان حکومت عثمانی‌ها، قانون کشور ترکیه همانند سایر کشورهای مسلمان منبعث از حقوق شرعی بود.^۱

در این قانون ازدواج قانونی اجباری شد و چند همسری نسخ گردید و به زنان این حق داده شد که بتوانند هر شغلی را که بدان مایل هستند را انتخاب نمایند. بر اساس ماده ۸۸ قانون مدنی ترکیه: مرد یا زن تا پایان ۱۷ سال کامل نمی‌توانند ازدواج کنند. با این حال، قاضی در صورت وضعیت فوق‌العاده یا سبب بسیار ضروری، می‌تواند اذن ازدواج زن یا مرد ۱۶ سال کامل بدهد. در صورت امکان، قاضی قبل از صدور اذن مزبور، اظهارات پدر یا مادر یا وصی را استماع می‌نماید. یکی از مواد جالب این قانون ماده ۱۶۱ این قانون می‌باشد. بر پایه این ماده «اگر یکی از زوجین مرتکب زنا گردد، طرف دیگر می‌تواند تقاضای طلاق نماید. شخص محق به طرح دعوا طلاق، از زمان آگاهی به زنا تا شش ماه حق طرح دعوا را داراست. در هر صورت با گذشت ۵ سال از وقوع زنا، حق طرح دعوا مشمول مرور زمان می‌شود. شخصی که طرف دیگر را عفو نموده حق طرح دعوا را ندارد». به عبارتی این قانون به نحو خودکار خیانت را عملی ناپسند تلقی کرده و به مرد یا زن حق درخواست طلاق داده داده است.

از دیگر مواد جالب این قانون که جای خالی آن در قانون مدنی ما حس می‌شود ماده ۱۸۶ می‌باشد. برابر این ماده «زوجین مسکن خویش را باهم انتخاب می‌کنند. زوجین اتحاد زناشویی را با یکدیگر پیش می‌برند. زوجین با توجه به کار و دارائی خود برای پیشبرد

۱. «مختصری راجع به قانون مدنی ترکیه»، وبسایت بررسی مباحث حقوق خصوصی و تجارت بین‌الملل و معرفی آثار مربوطه، ۱۲ دی ۱۳۹۷.

اتحاد، در هزینه‌های زندگی مشارکت دارند»^۱.

قانون مدنی ترکیه و قانون تعهدات ترکیه در سال ۲۰۰۲ دستخوش تغییراتی در سبک نگارش شد و به جای الفاظ عربی از الفاظ ترکی در تنظیم قانون استفاده شد. برخلاف قانون مدنی ایران که الفاظ عربی در بخش قراردادهای و عقود در قانون مدنی جای گرفته‌اند، در قانون مدنی ترکیه بخش قراردادهای و عقود در بخش قانون تعهدات (Borçlar Hukuku) قرار دارد. قانون مدنی ترکیه متشکل از ۱۰۳۰ ماده است و قانون تعهدات ترکیه متشکل از ۶۴۹ ماده می‌باشد.

تحریم‌ها در زمینه ازدواج زیر سن قانونی

بر اساس قوانین جزایی در ترکیه، ازدواج با یک کودک زیر سن به مثابه کودک‌آزاری شناخته می‌شود. مجازاتی از قبیل زندان شامل حال مجرمان خواهد شد. تمامی سازمان‌های دولتی، مراکز آموزشی و درمانی و همچنین سازمان‌های غیردولتی (NGO) موظف به گزارش هرگونه مورد کودک‌آزاری و به خطر افتادن امنیت کودکان هستند. به‌علاوه، هر کس که در زمینه بروز این جرائم آگاهی پیدا کند، موظف به گزارش کردن است. در کشور مراکش، که یکی دیگر از کشورهای اسلامی است، ازدواج با اجازه قیم در سال ۲۰۰۶ منسوخ شد. در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۹، پارلمان اندونزی حداقل سن ازدواج برای دختران در این کشور را به ۱۹ سال افزایش داده است. انتظار می‌رود این قانون جدید بتواند ازدواج کودکان در این کشور را مهار کند.

بر مبنای بیانیه پارلمان اندونزی، نمایندگان به اتفاق آرا با اصلاح قانون فعلی ازدواج موافقت کردند. به موجب این قانون فعلی، حداقل سن ازدواج برای دختران ۱۶ سال و برای پسران ۱۹ سال است، در حالی که والدین می‌توانند از دادگاه‌های مذهبی یا مقامات محلی بخواهند اجازه ازدواج دختران کوچک‌تر را صادر کنند، که در این موارد حداقل سن تعیین نشده است. بر پایه آمار یک سازمان غیردولتی، اندونزی جزو ۱۰ کشور نخستین قرار دارد که در آن شمار کودک‌عروس‌ها بالا است. بر اساس اعلام یونسف، ۱۴ درصد دختران در اندونزی پیش از ۱۸ سالگی ازدواج می‌کنند و یک درصد نیز در زمان ازدواج سنی کمتر از

۱. «مختصری راجع به قانون مدنی ترکیه»، وبسایت بررسی مباحث حقوق خصوصی و تجارت بین‌الملل و معرفی آثار مربوطه، ۱۲ دی ۱۳۹۷.

۱۵ سال دارند.^۱ فقر، آنچه «آبروی خانواده» نامیده می‌شود، هنجارهای اجتماعی، آداب و رسوم و قوانین مذهبی عواملی هستند که کودکان دختر را به سمت ازدواج سوق می‌دهند

کنوانسیون رضایت برای ازدواج^۲

اگرچه در قوانین بین‌المللی درباره حداقل سن ازدواج ابهاماتی وجود دارد، اما در حال حاضر حداقل سن ۱۸ سالگی برای ازدواج به عنوان یک عرف جهانی پذیرفته شده است. افزون بر این، بر اساس کنوانسیون «رضایت برای ازدواج» که ایران هرگز آن را نپذیرفته، ازدواج اجباری در هر شرایطی ممنوع است.

بر مبنای قطعنامه [هفدهم] ۱۷۶۳۸ مورخ ۷ نوامبر ۱۹۶۲ مجمع عمومی، کنوانسیون «رضایت برای ازدواج» برای امضا و تأیید گشوده شد. این کنوانسیون از ۸ دسامبر ۱۹۶۴ بر اساس ماده ۶ به اجرا درآمد.

دولت‌های طرف قرارداد با یادآوری اینکه ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح می‌نماید:

۱- مردان و زنان در سن قانونی، بدون هیچ محدودیتی از نظر نژاد، ملیت یا دین، حق دارند ازدواج کنند و خانواده تشکیل دهند. ۲- ازدواج باید فقط با رضایت کامل و آزادانه زوجی که قصد ازدواج دارند، ثبت گردد.

با یادآوری دوباره این که مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه [نهم] ۸۴۳ مورخ ۱۹۵۴ اعلام نمود که برخی رسوم و قوانین و روش‌های باستانی مربوط به ازدواج و خانواده با اصول تعیین شده در منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر مغایرت دارند با یادآوری این امر که کلیه کشورها، از جمله آن‌هایی که مسئولیت اداره سرزمین‌های غیرحاکم بر خود و تحت قیمومت را تا دستیابی آن‌ها به استقلال بر عهده دارند یا بر عهده می‌گیرند، باید تمامی اقدامات مناسب را، با نظر به لغو چنین رسوم، قوانین و روش‌های

۱. «مقابله با کودک-همسری در پرجمعیت‌ترین کشور اسلامی/اندونزی؛ حداقل سن ازدواج: ۱۹ سال»، وبسایت عصر ایران، ۲۸ شهریور ۱۳۹۸.

۲. «کنوانسیون مربوط به رضایت با ازدواج حداقل سن برای ازدواج و ثبت ازدواج‌ها» را در اینجا ببینید: مرکز حامیان حقوق بشر.

باستانی، با تضمین، از جمله، آزادی کامل در انتخاب همسر، حذف کامل ازدواج‌های کودکان و نامزد کردن دختران جوان پیش از سن بلوغ، تعیین مجازات‌های مناسب، هر جا لازم باشد، و تعیین دفتری دولتی یا دفتری دیگر که همه ازدواج‌ها در آن ثبت شود، به عمل آورند.

بدین وسیله با اجرای مفاد پیش‌بینی‌شده در زیر موافقت می‌کنند:

ماده (۱)

۱. هیچ ازدواجی نباید بدون رضایت کامل و آزادانه دو طرف قانونا به ثبت برسد. چنین رضایتی پس از اطلاع‌رسانی مقتضی و در حضور مقام صالح برای اجرای مراسم ازدواج و شهود، به گونه‌ای که به وسیله قانون تجویز شده، باید شخصا به وسیله دو طرف ابراز شود.

۲. بدون توجه به هر نکته‌ای در پاراگراف ۱، برای یکی از طرفین نباید ضروری باشد هنگامی که مقام صالح راضی است که شرایط استثنایی است و اینکه آن طرف، در مقابل یک مقام صالح و به روشی که ممکن است به وسیله قانون تجویز شده باشد، ابراز رضایت کرده و رضایتش را پس نگرفته، حاضر باشد.

ماده (۲)

کشورهای طرف این کنوانسیون باید برای تعیین حداقل سن برای ازدواج اقدام قانونی انجام دهند. ازدواج هیچ فردی کمتر از این سن نباید به طور قانونی به وسیله هیچ فردی به ثبت برسد، مگر در شرایطی که مقامی صالح با توجه به دلایل جدی و معتبر به نفع زوجی که قصد ازدواج دارند، با آن موافقت کند.

ماده (۳)

همه ازدواج‌ها باید به وسیله مقامی صالح در یک دفتر اسناد رسمی مناسب به ثبت برسند.

ماده (۸)

هر اختلافی که ممکن است بین هر دو کشور طرف قرارداد یا بیشتر در ارتباط با تعبیر یا اجرای این کنوانسیون به وجود آید که با مذاکره برطرف نشود، باید برای تصمیم به درخواست کلیه طرفین اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع شود، مگر اینکه طرفین با شیوه دیگری برای سازش موافقت کنند.

توصیه درباره رضایت برای ازدواج، حداقل سن برای ازدواج و ثبت ازدواجها^۱

قطعهنامه (بیستم) ۲۰۱۸ مورخ اول نوامبر ۱۹۶۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، با به رسمیت شناختن این امر که گروه خانواده باید تقویت شود، زیرا واحد اصلی هر جامعه است و مردان و زنان در سن قانونی حق دارند ازدواج کنند و خانواده تشکیل دهند، سزاوار برخورداری از حقوق برابر برای ازدواج هستند و ازدواج باید فقط با رضایت آزادانه و کامل زوجی که قصد ازدواج دارند، برابر با مفاد ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر به ثبت برسد؛ با یادآوری قطعهنامه (نهم) ۸۴۳ مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۵۴ خود، با یادآوری بیشتر ماده ۲ کنوانسیون تکمیلی مربوط به حذف بردگی، تجارت برده و نهادها و روش‌های مشابه برده‌داری ۱۹۵۶ که مفادی خاص درباره سن ازدواج، رضایت برای ازدواج و ثبت کردن ازدواج‌ها پیش‌بینی کرده، همچنین با یادآوری این نکته که پاراگراف ب ماده ۱۳ منشور ملل متحد پیش‌بینی می‌کند که مجمع عمومی باید به منظور یاری به تحقق حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی برای همه، بدون تمایز از نظر نژاد، جنس، زبان یا دین، توصیه‌هایی ارائه دهد.

نیز با یادآوری این امر که بر اساس ماده ۶۴ منشور، شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند با اعضای سازمان ملل متحد برای به دست‌آوردن گزارش‌هایی درباره اقدامات انجام‌شده در راستای ترتیب‌اثردادن به توصیه‌های خود و به توصیه‌هایی درباره مسائلی که مجمع عمومی در چارچوب صلاحیت آن قرار داده، ترتیباتی به عمل آورد؛ توصیه می‌کند، در هر زمینه که در قوانین یا مقررات و تدابیر دیگر موجود تاکنون پیش‌بینی‌هایی به عمل نیامده، هر کشور عضو باید، بر اساس رویه‌های قانونی و شیوه‌های سنتی و دینی خود، چنین قوانین یا تدابیر دیگر را که ممکن است برای اجرای اصول زیر مناسب باشد، تصویب کند:

اصل اول

(الف) هیچ ازدواجی نباید بدون رضایت کامل و آزادانه دو طرف به طور قانونی ثبت شود. این رضایت را دو طرف باید شخصا، پس از گفت‌وگو و دادن آگاهی‌های لازم و

۱. «کنوانسیون مربوط به رضایت با ازدواج، حداقل سن برای ازدواج و ثبت ازدواج‌ها» را در این‌جا بخوانید: [کانون دفاع از حقوق بشر در ایران](#).

در حضور شخصی صالح برای اجرای مراسم ازدواج و حضور شهود، به گونه‌ای که به وسیله قانون تجویز شده، ابراز کنند.

(ب) ازدواج وکالتی فقط موقعی باید مجاز باشد که مسئولان ذی‌صلاح مجاب شده باشند که هر طرف در برابر مسئولی صالح و به روشی که ممکن است به وسیله قانون تجویز شده باشد، در مقابل شهود، کامل و آزادانه ابراز رضایت کرده است.

اصل دوم

کشورهای عضو به منظور تعیین حداقل سن برای ازدواج، که در هر حال نباید کمتر از ۱۵ سال باشد، باید اقدام قانونی به عمل آورند. هیچ ازدواجی نباید به وسیله هیچ شخصی کمتر از این سن به صورت قانونی به ثبت برسد، مگر در شرایطی که مقامی صالح به دلایل جدی، به نفع زوجی که قصد ازدواج دارند با ازدواج آنان موافقت کرده باشد.

اصل سوم

۱- کلیه ازدواج‌ها باید در دفترخانه رسمی مناسب به وسیله مسئولی صالح به ثبت برسند.

۲- توصیه می‌کند هر کشور عضو توصیه مربوط به رضایت برای ازدواج، حداقل سن برای ازدواج و ثبت ازدواج‌های مورد اشاره در قطعنامه کنونی را نزد مسئولان صالح برای وضع و تصویب قانون مطرح کند یا در زودترین زمان عملی ممکن، و در صورت امکان، یا در زمانی که بیشتر از ۱۸ ماه پس از تصویب این توصیه‌ها نباشد، اقدام دیگر انجام دهد.

۳- مجدداً توصیه می‌کند کشورهای عضو در پایان سه سال، و پس از آن در فواصل پنج سال، درباره قانون و رسوم خود با توجه به مسائلی که در توصیه حاضر به آن رسیدگی شده، به دبیرکل گزارش دهند و نشان دهند تا چه حد به مفاد توصیه عمل شده یا توصیه شده به آن عمل شود و چه تغییراتی که ممکن است برای تعدیل یا اجرای آن ضروری باشد، ایجاد شده یا ممکن است ایجاد شود.

در حال حاضر، قوانین در ایران در این زمینه ناقض حقوق کودکان است و ایران با حاکمیت اسلامی یکی از معدود کشورهای جهان است که در آن «کودک-همسری» قانونی است!

اگرچه در ادوار مختلف مجلس اسلامی تلاش شد که قانون حداقل سن ازدواج تغییر یابد، اما همواره گروهی از کسانی که عموماً باورهای مذهبی شدیدتری (اسلام‌گرایان تندرو) دارند، مانع موفقیت این تلاش‌ها شدند.

در حقیقت، رد طرح مخالفت با ازدواج دختران کمتر از ۱۳ سال در مجلس شورای اسلامی، در مغایرت با کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک و ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر است.

کودک-همسری در کشورهای اروپایی

تأیید قانون ازدواج با کودکان در کشور اروپایی سوئد!

در بسیاری از دیگر کشورهای اروپایی از جمله سوئد، نروژ، آلمان و فرانسه، چارچوب حقوقی به منظور پیگیری خشونت جسمی و یا جنسی مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته و مسئولیت‌های عاملان خشونت و منافع قربانیان خشونت روشن گردیده است.

فرانسه و سوئد از نخستین کشورهایی هستند که در خصوص حقوق کودکان قانون متریقی دارند. آنچنان که دولت سوئد و فرانسه هیچ‌گاه قدرت را تحت انحصار خود نگرفته و نگفته‌اند که تنها مجری قوانین هستند. از این رو، این کشورها توانسته‌اند با یاری مردم و سازمان‌های غیردولتی (سمن‌ها) در حوزه آموزش تلاش کنند تا کودکان سالمی وارد جامعه شوند.

به موجب قانون عقد ازدواج (Äktenskapsbalken، ۱۹۸۷)، در سوئد، اگر مایل به ازدواج نیستید همیشه می‌توانید بگویید «نه»، زیرا اگر کسی از راه تهدید یا خشونت مجبور به ازدواج گردد، این عمل فاقد وجهت حقوقی بوده و غیرقانونی است. از این بیش، پاراگراف ۱ فصل ۲ از قانون ازدواج مقرر می‌دارد: «... زیر سن (۱۸ سال) بودن یکی از موانع ازدواج محسوب می‌شود...».

به استناد این قانون، دو فرد که مصمم به ازدواج با یکدیگر هستند باید هر دو در مراسم عقد ازدواج/عروسی شرکت داشته و موافقت خود مبنی بر ازدواج با یکدیگر را اعلام نمایند. اداره‌های دولتی سوئد ممکن است یک ازدواج خارجی «مهاجر» را که با اجبار انجام شده باشد، مورد تأیید قرار ندهند. اما اگر ازدواج صورت گرفته باشد، اغلب دشوار خواهد بود که بتوان در دادگاه ثابت کرد که این امر به اجبار صورت گرفته است.

به سخنی دیگر، چنانچه ثابت گردد که ازدواج انجام شده زیر سن قانونی و بر اساس اجبار و تهدید بوده، این عقد ازدواج فاقد اعتبار حقوقی بوده و «اجبارکنندگان» قابل تعقیب کیفری هستند. اگرچه تغییر قوانین، خود، ازدواج جوانان را پیش از رسیدن به سن قانونی ناممکن می‌سازد. البته برای ازدواج باید به سن ۱۸ سال تمام رسیده باشند. افراد بین ۱۶ تا ۱۸ سال «می‌توانند»، (این توانستن در بسیاری موارد دارای تفسیر حقوقی است)، اما این امر مستلزم صدور مجوز و پروانه از سوی استانداری است. همچنین اگر کسی ازدواج کرده باشد در صورت تصمیم به جدایی و پیش از صدور حکم طلاق نمی‌تواند با فرد دیگری ازدواج نماید. «به استناد قانون تک‌همسری Äktenskapsbalken, ÄKTB: ۱۹۸۷, ۱۹۷۳»

در سوئد شمار اندکی مجوز برای ازدواج کودکان صادر می‌شود. به موجب پاراگراف ۱ از فصل ۲ از قانون ازدواج ۱۹۷۳ «Äktenskapsbalken»: «زیر سن (۱۸ سال) بودن یکی از موانع ازدواج محسوب می‌شود.» که این عبارت قانونی نشان از ممنوعیت «ازدواج کودکان BÄKB, Barnäktenskap» دارد. همچنین آخرین اصلاحات و تأکید بر ممنوعیت ازدواج کودکان در سوئد و یا در کشوری دیگر در ژانویه ۲۰۱۹.

به رغم صراحت در قانون ازدواج در سوئد دائر بر ممنوعیت ازدواج کودکان «... در تاریخ (۲۰۱۸) اداره کل تأمین اجتماعی سوئد، Socialstyrelsen» بروشوری را تحت عنوان: «اطلاعات برای شما که با یک کودک ازدواج کرده‌اید» به منظور استفاده مسلمانانی که به همراه زنان زیر سن ۱۸ سال خود به سوئد آمده‌اند، به نشر سپرد. بر روی جلد بروشور تصویر یک کودک پوشیده با حجاب نیز نمایان است. اداره مالیات سوئد، «Skatteverket» در سال ۲۰۱۵ ازدواج یک دختر ۱۴ ساله با یک مرد بزرگسال را تأیید کرد که موجب برانگیختن اعتراض صاحب‌نظران و کوشندگان حقوق کودک گردید.

اما در جایی از این قانون استثنایی وجود دارد مبنی بر اینکه: «... اگر کسانی که از کشورهای خارج از اتحادیه اروپا وارد کشور سوئد می‌شوند، قبلاً در کشور متبوع خود ازدواج کرده‌اند...». با استناد به این استثناء چندی پیش اداره مالیات سوئد «Skatteverket» ازدواج یک دختر ۱۴ ساله با مرد بزرگسالی را تأیید کرده بود که موجب برانگیختن اعتراض صاحب‌نظران و فعالان حقوق کودک گردید.

در Debatt / گفت‌وگوی انجام شده در این خصوص، گروهی از صاحب‌نظران بر این

باورند که قانون سوئد در این باره بسیار شفاف و بدون اجمال و ابهام است و این ممنوعیت به روشنی در پاراگراف قانونی آورده شده است. اگرچه دیگر گروه می‌گویند که قانون یادشده، به ویژه استثناء موجود در آن نیاز به تفسیر موسع دارد و ارجح است تا از پاراگراف قانونی حذف گردد، زیرا تبعیت از این قانون می‌تواند مورد سوءاستفاده واقع شده و اساساً ماده قانونی را متزلزل نماید.

نخستین تصور همگان بر این بود که این خبر جعلی و «Fake News» است اما هنگامی که مشخص گردید این خبر به‌طور رسمی و به منظور بارگیری در وبسایت اداره کل تأمین اجتماعی سوئد به نشر سپرده شده است، اعتراض‌های گسترده‌ای در سراسر سوئد صورت یافت که موجب حذف این بروشور توسط آن اداره گردید. در حقیقت، انتشار این بروشور بیانگر «به رسمیت شناختن پدوفیلیا، Pedophilia یا میل جنسی به کودکان» است که جامعه مدنی سوئد را خشمگین نموده و موجب اعتراض‌های گسترده در این جامعه گشته است.

به نظر این قلم، استناد به این تبصره قانونی در موارد مشابه می‌تواند به پذیرش و تأیید ازدواج کودکان منجر شود؛ سوءاستفاده‌ای از قانون که حتی کودکانی را که از خارج از اتحادیه اروپا وارد سوئد می‌شوند در بر می‌گیرد. این امر موجب خدشه‌دار شدن قانون ممنوعیت ازدواج کودکان می‌شود و نیز مغایر با ماده نخست کنوانسیون حقوق کودک است که تصریح می‌کند: «... کودک به افراد انسانی زیر سن ۱۸ سال اطلاق می‌شود، مگر آنکه طبق قانون قابل اجرا، سن بلوغ کمتر تعیین شده باشد.» از این رو، واضعان قانون می‌توانستند با اصلاح یا حذف این تبصره از قانون «ممنوعیت ازدواج کودکان» به رفع ابهام بپردازند.

مرور یک پرونده

به استناد حکم صادره از سوی دادگاه رسیدگی‌کننده به پرونده‌ای در منطقه Värmland در سوئد در فوریه ۲۰۱۸، در خصوص اقدام به «ازدواج اجباری» توسط پدر و مادری که می‌کوشیدند دختر ۱۳ ساله خود را ناگزیر از تن دادن به یک ازدواج اجباری نمایند، به جزای نقدی محکوم شده‌اند.

یکی از مدارک و منضمات این پرونده، «قرارداد ازدواج تنظیمی» میان پدر و مادر

دختر از یک سو و مرد [داماد احتمالی] از سوی دیگر است. به موجب رسیدگی که منتج به صدور حکم محکومیت پدر و مادر به پرداخت جزای نقدی توسط دادگاه رسیدگی کننده شده، نسبت به مرد [داماد] حکم برائت صادر گردیده است. البته دختر ۱۳ ساله به دلیل هراس از اجرایی شدن قرارداد ازدواج اجباری که پیش از این توسط پدر و مادر و مرد برگزیده شده از سوی والدینش منعقد گردیده بود، از خانه گریخته و اکنون تحت حمایت قانون قرار گرفته است.

بدین اعتبار، نظر صاحب این قلم بر این پایه استوار است که حکم صادره به موجب قانون، تنها «اجبار کنندگان به ازدواج دختر زیر سن قانونی» را مورد تعقیب کیفری و مجازات قرار داده و آنان را محکوم به پرداخت جزای نقدی نموده است. به این معنا که دادگاه تنها اقدام مجرمانه یا «قصد مجرمانه» پدر و مادر را مدنظر قرار داده و استدلالش مبتنی بر «قصد مجرمانه بودن یا فعل انجام ازدواج اجباری» است. حال آنکه یک قرارداد از دو سو، یعنی متعاملین یا معامله کنندگان تشکیل می شود و این مورد نیز از این قاعده مستثنا نبوده و مرد برگزیده توسط پدر و مادر نیز یکی از طرفین عقد قرارداد ازدواج محسوب می گردد!

فرزندخواندگی

به استناد قانون مدنی در ایران، فرزند به کسی اطلاق می شود که با والدین خود رابطه خونی و نسبی داشته باشد. اگر تولد کودک ناشی از رابطه مشروع و قانونی باشد، «فرزند قانونی» و در غیر این صورت «فرزند طبیعی» یا «فرزند نامشروع» خوانده می شود.

ممکن است افرادی تحت تأثیر عواملی از قبیل نداشتن فرزند، کمک به هم نوع، حمایت از کودکان یتیم و... کودکانی را به عنوان فرزند پذیرفته و متعهد شوند که مانند فرزند واقعی خود با آنان رفتار نمایند. به این عمل اصطلاحاً «فرزندخواندگی» گویند. رابطه «فرزندخواندگی» و ضوابط ایجاد آن و تکالیف پدر و مادر سرپرست (پدرخوانده) و کودک (فرزندخوانده) طبق قوانین مشخص و معین می شود.

تعریف و سابقه تاریخی

پذیرش کودکان به فرزندی در سیستم های حقوقی کشورهای مختلف جهان به شیوه های

م تفاوتی انعکاس یافته و در ارتباط با آن تعاریف گوناگونی ارائه شده است. از جمله، در حقوق مدنی ایران، فرزندخواندگی این گونه تعریف شده است: «فرزندخواندگی آن است که کسی را که «فرزند طبیعی» او نیست، به فرزندى بپذیرد. فرزندخواندگی در صورتی که به رسمیت شناخته شده باشد، «نوعی» قرابت ایجاد می کند که صرفاً حقوقی است و نه طبیعی. به عبارت دیگر، با قبول فرزندخواندگی، قانون یک رابطه مصنوعی پدر-فرزندى یا مادر-فرزندى بین دو فرد ایجاد می کند».^۱

در ایران باستان، به ویژه در زمان ساسانیان، فرزندخواندگی مورد پذیرش و مرسوم بوده است. به خصوص با توجه به نقشی که دین زرتشت در آن ایام داشت و اعتقاداتی که زرتشتیان در خصوص فرزندخواندگی داشتند؛ آن ها فرزندخوانده را در «حکم» فرزند حقیقی دانسته و آثار رابطه پدر و فرزندى را بر آن حاکم می دانستند. نهاد فرزندخواندگی دارای جایگاه ویژه ای بوده است. چنان که در این خصوص گفته شده است: «زرتشتیان معتقد بودند که فرزند عنوان پُل صراط را دارد و کسی که فرزند نداشته باشد، قادر نیست در روز قیامت از پل صراط بگذرد. بنابراین، کسانی که صاحب فرزند نبودند، برای رفع این نقیصه و طلب آموزش و عبور از پل مزبور، «فرزند بدلی» برای خود انتخاب می کردند».^۲

فرزندخواندگی و اسلام

در اسلام، با نزول آیه ۴ سوره احزاب و داستان زید بن حارث، این موضوع که فرزندخوانده در حکم فرزند واقعی باشد، اساساً نفی گردید.

نفی فرزندخواندگی و داستان زید بن حارث بدین صورت است: زید بن حارث بن شراحیل کلبی از قبیله بنی عبدود بود که پیامبر پیش از بعثت او را از جمله اسیران جاهلیت در بازار عکاظ خرید، آزاد ساخت و به فرزندخواندگی پذیرفت. در اسلام نیز میان او و حمزه بن عبدالمطلب برادری برقرار کرد. پیامبر، زینب دختر جحش را برای زید خواستگاری و عقد نمود. پس از مدتی که زینب در خانه او بود، با زید اختلاف پیدا کرد و زید او را طلاق داد و پیامبر او را به همسری گرفت.

۱. «فرزندخواندگی به چه معنی است؟»، وبسایت ایران دادفر.

۲. «فرزندخواندگی و ازدواج سرپرست با فرزندخوانده در جمهوری اسلامی!»، نیره انصاری، پژوهاک ایران، ۹ مرداد ۱۳۹۷.

این اقدام، برخلاف عرف و عادت عرب بود و موجب گفتگوهای شد. یهودیان و منافقان طعنه زدند و گفتند که محمد ما را از ازدواج با همسر پسرانمان نهی می‌کند، ولی خود با زن پسرش ازدواج کرده است. به همین دلیل، آیه ۴ از سوره احزاب نازل شد: «و ما جعل ادعیائکم ابنائکم مولکم بافواکم واللہ یقول الحق و یرحمہ السبیل، ادعوہم لآبائہم ہو أقسط عند اللہ، فإن لم تعلموا فإخوانکم فی الدین و موالیکم»، «خداوند، پسرخواندگان را پسران شما قرار نداده است. این سخنی است که به زبان می‌گویید و کاشف حقیقت نیست. خداوند حقیقت را می‌گوید و راه را می‌نماید. پسرخواندگان را به نام پدرانشان بخوانید، اگر پدر ایشان را می‌شناسید، وگرنه برادران دینی شما و موالی شما هستند.»

بنابراین، در اسلام و به حکم نص صریح آیات ۴ و ۳۷ از سوره احزاب، نهاد فرزندخواندگی به شکلی که در ادیان و فرهنگ‌های دیگر وجود دارد، معتبر نیست و میان کودک (فرزندخوانده) و خانواده‌ای که سرپرستی او را بر عهده گرفته است، هیچ گونه قرابتی ایجاد نمی‌شود. این رابطه فاقد آثاری از قبیل حرمت نکاح، وراثت، و الزام به انفاق است و تنها یک امر اخلاقی و تعهدی انسانی محسوب می‌شود. بدین معنا که فرزندخوانده مانند فرزند واقعی از آثار پدر و فرزند بر خوردار نبوده و آثار حقوقی از قبیل توارث و غیره بر او مترتب نیست.

با این‌که در تعالیم اسلام، مسأله رسیدگی به ایتام و کودکان بدون سرپرست بسیار مورد توجه قرار گرفته، و در بخش‌های گوناگون تعالیم اسلامی و سیره عملی ائمه و تاریخ اسلام، این امر به‌وضوح مشاهده می‌شود.

در نتیجه، بهره‌مندی کودک از حقوق مکتسبه والدین، تنها با وجود رابطه «نسب مشروع» ممکن است و چون میان فرزندخوانده و خانواده‌ای که او را به سرپرستی گرفته‌اند، رابطه نسبی وجود ندارد و از حیث نسبت، به یکدیگر بیگانه محسوب می‌شوند، از حقوقی مانند ارث برخوردار نخواهند بود. با توجه به این‌که ارث در قانون ایران بر اساس موازین شرعی تدوین و تصویب شده است، و طبق موارد مندرج در قانون مدنی در مبحث ارث، افراد یا به «سبب» و یا به «نسب» از متوفی ارث می‌برند، کودک تحت سرپرستی فاقد این دو شرط است.^۱

فرزندخواندگی در حقوق ایران

با توجه به آنچه در بالا بیان شد، در حقوق ایران نهادی به عنوان فرزندخواندگی بدین مفهوم که فرزندخوانده از هر حیث در حکم فرزند واقعی باشد و از آثار رابطه بُنوت بهره‌مند شود، وجود ندارد. اما با توجه به اینکه نوع دوستی و کمک به نیازمندان از عناصر اصلی فرهنگ ایرانی و تعلیم اسلامی است، ضرورت رسیدگی به ایتام و کودکان بدون سرپرست مطرح شده است.

در این خصوص، مقررات مدونی به منظور سرپرستی کودکان بی‌سرپرست وضع و اجرا می‌شود که گاهی از آن به فرزندخواندگی ناقص تعبیر می‌شود. این مقررات در قانون اساسی و قوانین عادی انعکاس یافته است.

به موجب بند دوم از اصل ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی: «دولت موظف به حمایت از مادران و کودکان بدون سرپرست است.» همچنین، قانون «حمایت از کودکان بدون سرپرست» مصوب سال ۱۳۵۳، به منظور تأمین منافع مادی و معنوی آنان، شرایط خاصی را برای خانواده‌هایی که می‌خواهند سرپرستی کودکان بدون سرپرست را بر عهده بگیرند، وضع کرده است.

همچنین به موجب ماده واحده مصوب ۸ فروردین ۱۳۶۲، قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست: «دولت نسبت به تضمین بیمه و رفاه زنان و کودکان بدون سرپرست مکلف گردیده است.» ماده ۴ قانون حمایت از خانواده مصوب یکم اسفند ۱۳۹۱ مجلس شورای اسلامی نیز می‌گوید: «آنان که به هر علتی از داشتن فرزند محروم هستند، با داشتن شرایط لازم، می‌توانند از دادگاه خانواده متقاضی سرپرستی کودک فاقد سرپرست باشند.»^۱ این سرپرستی شامل تحویل کودک به صورت آزمایشی و سپس صدور حکم سرپرستی می‌شود که نیاز به داشتن فرزند را جبران کرده و خلأ آن را مرتفع می‌سازد.

از سوی دیگر، کودکی که به هر دلیل فاقد سرپرست بوده و در مراکز مخصوص به صورت جمعی با سایر کودکان زندگی می‌کند و وجود فردی را به عنوان پدر و شخص دیگری را به عنوان مادر در خانواده حس نکرده است، با پذیرفته شدن به سرپرستی توسط متقاضی، همانند سایر کودکان، وجود مردی به عنوان پدر و زنی به عنوان مادر را در

۱. «فرزندخواندگی کودکان بی سرپرست در نظام حقوقی ایران»، ۳ تیر ۱۳۹۲، وبسایت اختیار.

کنار خود می‌بیند و به موقع به مدرسه می‌رود. هنگامی که فرزندخوانده از سن کم به فرزندخواندگی پذیرفته می‌شود، سرپرستان خود را به عنوان والدین «حقیقی» خود می‌پذیرد و از این حیث، کمبود محبت او در دوران کودکی جبران می‌شود.

ماده ۵ قانون یاد شده نیز مقرر می‌دارد: «دادگاه در صورتی حکم سرپرستی صادر خواهد کرد که درخواست‌کنندگان سرپرستی به صورت اطمینان‌بخش تأمین هزینه تربیت، نگهداری و تحصیل کودک را تا رسیدن به سن بلوغ در صورت فوت خود، تضمین کنند.» در تبصره این ماده نیز آمده است: «هرگاه وجوه یا اموالی از طرف زوجین سرپرست به کودک تحت سرپرستی صلح شده باشد، در صورت فوت کودک، وجوه و اموال مذکور از طرف دولت به زوجین سرپرست تملیک خواهد شد.»^۱

صدور حکم سرپرستی و حتی صدور شناسنامه جدید برای کودک با مشخصات زوجین سرپرست و نام خانوادگی زوج، موجب قطع رابطه خویشاوندی کودک با پدر و مادر «واقعی» وی نخواهد شد. بلکه بند ۳ از ماده ۱۶ قانون مذکور، امکان فسخ سرپرستی به توافق با پدر و مادر واقعی کودک را مطرح کرده است. بنابراین، حکم سرپرستی به هیچ وجه آثار قرابت کودک با ابویین (پدر و مادر) و بستگان واقعی وی را زائل نمی‌کند و تمام آثار قانونی قرابت واقعی، از قبیل منع ازدواج با اقارب نسبی و رضاعی و ارث بردن فرزند از ابویین واقعی و اقارب و متقابلاً ارث بردن نامبردگان از فرزند همچنان باقی خواهد بود. به همین دلیل است که حکم سرپرستی باعث می‌شود که اقتدار پدر و مادر حقیقی در باب نگهداری و تربیت فرزند به سرپرست منتقل شود، لیکن سایر آثار قرابت به قوت خود باقی می‌ماند.^۲ بنابراین؛

- فرزندخوانده نمی‌تواند با خویشان نسبی و رضاعی خود (در حدود ممنوعیت‌های قانونی) نکاح کند و حکم سرپرستی هیچ تغییری در منع قانونی ایجاد نمی‌کند.
- فرزندخوانده از اقوام (واقعی) خود ارث می‌برد و ترکه او نیز با رعایت قواعد ارث به آنان می‌رسد. بنابراین هرگاه عین اموالی که زوج سرپرست به فرزندخوانده بخشیده‌اند موجود باشد، به خودشان باز می‌گردد و جزء ترکه به وارث منتقل نمی‌شود.

۱. همان.

۲. «فرزند خواندگی و ازدواج سرپرست با فرزندخوانده در جمهوری اسلامی!»، نیره انصاری، پژوهاک ایران، ۹ مرداد ۱۳۹۷.

- احکام مربوط به الزام انفاق در روابط بین فرزندخوانده و پدر و مادر و اجداد واقعی اجرا می‌شود؛ منتها زمانی که کودک به سرپرستی نیاز دارد، زوجین سرپرست در اجرای این تکلیف بر آنان مقدم هستند.

آثار حکم سرپرستی

حکم سرپرستی تنها نسبت به کودک و خانواده سرپرست مؤثر است و نسبت به اشخاص ثالث اعتباری ندارد. یعنی فرزند قانونی و حکمی (نه طبیعی و واقعی) خانواده می‌شود، اما رابطه‌ای با سایر افراد خانواده، از قبیل جد پدری، پیدا نمی‌کند. بنابراین در صورت فوت پدر، جد پدری ولایت قهری بر چنین کودکی ندارد و باید برای او قیم معین کرد. یکی از آثار حکم سرپرستی پس از حضانت، ولایت و وراثت، حرمت نکاح است. به موجب مقررات قانون مدنی، تنها قرابت «نسبی، سببی و رضاعی» از موانع نکاح است، به‌ویژه که این امر، یعنی نکاح با فرزندخوانده، در شرع اسلام (قرآن، سوره احزاب آیات ۴ و ۳۷) عملی جایز است، اگرچه به علت رعایت اخلاق عمومی، چنین ازدواجی غیرقانونی است.

ازدواج سرپرست با فرزندخوانده در ایران اسلامی!

ازدواج پدرخوانده و دخترخوانده، قانونی که تا دیروز در چارچوب قوانین کشور جایگاهی نداشت، اما از این پس با تصویب لایحه حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست اجرا می‌شود. این لایحه از سال ۱۳۸۸ در انتظار تصویب بود!

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۹۱ ماده ۲۲ و تبصره ۲ قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست را اصلاح کردند که به منظور دریافت تاییدیه به شورای نگهبان ارسال شد. به موجب ماده ۲۲ این لایحه مقرر می‌دارد: «پس از صدور حکم قطعی سرپرستی، مفاد حکم از سوی دادگاه به اداره ثبت احوال و اداره بهزیستی مربوطه ابلاغ می‌شود. اداره ثبت احوال مکلف است نام و نام خانوادگی کودک یا نوجوان تحت سرپرستی و همچنین مفاد حکم سرپرستی را در اسناد سه‌جلدی و

شناسنامه سرپرست یا زوجین سرپرست وارد کند.^۱

همچنین، اداره ثبت احوال مکلف است شناسنامه جدیدی برای کودک یا نوجوان مذکور با درج نام و نام خانوادگی سرپرست یا زوجین سرپرست صادر کند و در قسمت توضیحات، مفاد حکم سرپرستی و نام و نام خانوادگی «والدین واقعی» را در صورت مشخص بودن قید نماید.

کودک یا نوجوان می‌تواند پس از رسیدن به سن ۱۸ سالگی، خود تقاضای صدور شناسنامه جدیدی برای خود با درج نام و نام خانوادگی والدین واقعی‌اش را، در صورت معلوم بودن، یا نام خانوادگی مورد درخواست در صورت نامعلوم بودن نام واقعی، از اداره ثبت احوال نماید.

در نخستین مصوبه اصلاحیه، ازدواج سرپرست با فرزندخوانده ممنوع شده بود، اما در دومین مصوبه که در اسفند ۱۳۹۱ در مجلس به تصویب رسید، ازدواج با فرزندخوانده مشروط شد. اکنون این لایحه برای تأیید نهایی به شورای نگهبان ارسال شده و در برخی رسانه‌ها بازتاب یافته است.

ماده ۲۷ لایحه حمایت از کودکان تصریح می‌کند: «ازدواج چه در «زمان حضانت» و چه پس از آن بین سرپرست و فرزندخوانده ممنوع است، مگر اینکه دادگاه صالح پس از نظریه مشورتی سازمان بهزیستی این امر را به مصلحت فرزندخوانده تشخیص دهد.^۲ این در حالی است که «سالار مرادی»، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس، به دفاع از این تبصره و نقطه‌نظر شرعی آن پرداخته و در موافقت با تصویب این قانون گفت: «فرزندخوانده حکم فرزند را ندارد. فقه و شرع این اجازه را می‌دهند که سرپرست با فرزندخوانده ازدواج کند.» او ادامه داد: «زمانی که دختری وارد خانواده می‌شود و به سن بلوغ می‌رسد، به مردهای آن خانواده نامحرم است، مگر اینکه صیغه محرمیت یا «عقدی» جاری شود.» وی خاطر نشان کرد: «این قانون به منظور رعایت حقوق «طفل» و خانواده، این امر را مشروط به اجازه دادگاه نموده و با فقه و شرع مغایرتی ندارد.»

بر اساس قواعد شرع اسلام، منعی برای ازدواج پدرخوانده با دختری که به فرزند

۱. «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲»، گروه وکلای دادپرس.

۲. «فرزند خواندگی و ازدواج سرپرست با فرزندخوانده در جمهوری اسلامی!»، نیره انصاری، پژوهاک ایران، ۹ مرداد ۱۳۹۷.

پذیرفته شده وجود ندارد. دخترخوانده مادامی که اقدامی برای محرمیت او در مقابل پدرخوانده‌اش انجام نشود، به او نامحرم است و مانند هر نامحرم دیگری می‌تواند به عقد مرد درآید. در این خصوص، به توصیه تمام مراجع، در چنین شرایطی اعمال محرمیت در فرزندخواندگی از طریق ازدواج یا ایجاد رابطه سببی و یا نسبی صورت می‌گیرد.

در این ارتباط، علی خامنه‌ای در حکم محرمیت فرزندخوانده گفته است: «فرزندخوانده حکم فرزند را ندارد و با مرد و زنی که او را بزرگ می‌کنند محرم نمی‌شود، مگر به وسیله رضاع با رعایت شرایط آن و با ازدواج پس از بلوغ و رشد و قبل از بلوغ با اذن حاکم شرع و رعایت مصلحت «طفل» عقد موقت اشکال ندارد.»^۱

شایان یادآوری است که مسئله «رضاع» در علم حقوق فقهی (فقه امامیه) تحت عنوان فرزند رضاعی مطرح بوده و بیانگر رابطه‌ای والدینی با فرزند شیرخواری است که تحت شرایطی از شیر مادری (زن) تغذیه کرده است.

سخن پایانی

با توجه به اینکه قانون‌گذار در تبصره ماده ۲۷ این لایحه تعیین صلاحیت را به دادگاه سپرده است، همچنان این تصور که امکان چنین ازدواجی مطرح شود، منافع کودک را به خطر می‌اندازد؛ در حالی که همان‌طور که در بالا بیان شد، هدف از فرزندخواندگی ایجاد شرایطی ایمن برای کودک است. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که دادگاه بر اساس کدام مصلحت چنین تصمیمی اتخاذ می‌کند؟ اگر سرپرست بدون رأی دادگاه چنین ازدواجی را انجام دهد، حکم این ازدواج چیست و ضمانت اجرای این قانون چه خواهد بود؟ همچنین در تبصره ۲ ماده ۱۲۲ این لایحه آمده است: «در قسمت توضیحات شناسنامه زوجین سرپرست، نام و نام خانوادگی کودک یا نوجوان تحت سرپرستی و فرزندخوانده بودن وی نیز قید شود.»

بنابراین، با توجه به درج این جزئیات در شناسنامه، از یک سو فرزندخوانده‌بودن کودک علنی می‌شود و در صورتی که پدر و مادری هم داشته باشد، بر اساس این لایحه نام پدر و مادر «واقعی» در کنار نام سرپرستان قید می‌شود. به این ترتیب، از دیگر سو دلایلی

۱. «چگونه فرزندخوانده محرم می‌شود»، سمانه اسفندانی، ۲۴ آبان ۱۳۹۲، تابناک.

همچون حفظ منافع کودک و جلوگیری از ازدواج با محارم برای تدوین این اصلاحات عنوان می‌شود. در ارتباط با درج اسامی در شناسنامه، اساساً نظر بر این بوده است که در شناسنامه کودک تنها شماره و تاریخ صورتجلسه فرزندخواندگی ثبت گردد.

بر این پایه، این مسئله بیانگر نگاه یک‌سویه مجلس شورای اسلامی به این موضوع است که تنها مسائل شرعی را در نظر داشته و از مسائل مهم اخلاقی، روانی و اجتماعی غفلت کرده است.

در همین خصوص، در تاریخ ۷ مهر ۱۳۹۲ «موسی قربانی»، قاضی دیوان عالی کشور، تصریح کرده است: «ازدواج با فرزندخوانده اگرچه به لحاظ عرفی تنش‌زا است، اما اشکال شرعی ندارد.» وی افزود: «از لحاظ شرعی افراد می‌توانند با کسانی که جزو محارم سببی و نسبی آنها نباشند، ازدواج کنند که این امر از لحاظ منطقی و عرفی محدودیت‌هایی دارد و این فرزندخواندگی نیز جزو این موارد است. به‌طور مثال، فردی میانسال که با حسی پدرانه فرزندی را به فرزندخواندگی قبول می‌کند، پس از مدتی، تبدیل این حس پدرانه به حس عاشقانه، می‌تواند برای وی و جامعه تنش‌زا باشد. به‌طور حتم، شورای نگهبان مسئله امکان ازدواج با فرزندخوانده را تأیید می‌کند چرا که این امر خلاف شرع نبوده و در قانون نیز منع نشده است.»^۱

به هر روی، هدف از تصویب این لایحه مواردی است که به شرح ذیل خلاصه می‌شود

- پررنگ‌تر نمودن نقش قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب سال ۱۳۵۳
- امکان واگذاری سرپرستی دائمی کودکان بدسرپرست پس از یک سال
- واگذاری سرپرستی کودکان بدون سرپرست به زنان بدون همسر (زنان بالاتر از ۳۰ سال و مجرد) و زن و مرد دارای یک فرزندخوانده
- واگذاری سرپرستی کودکان بدون سرپرست به ایرانیان مقیم خارج از کشور
- ممنوعیت ازدواج فرزندخوانده با پدرخوانده یا مادرخوانده.

در واقع، این دو ماده ۲۲ و ۲۷ (جنجال‌برانگیز) از این لایحه آسیب‌های جبران‌ناپذیری از حیث اخلاقی، روانی و اجتماعی به کودکان فرزندخوانده وارد می‌نماید. در واقع، موضوع

۱. «فرزندخواندگی و ازدواج سرپرست با فرزندخوانده در جمهوری اسلامی!»، نیره انصاری، پژوهاک ایران، ۹ مرداد ۱۳۹۷.

تبصره ماده ۲۷ این لایحه از اساس دارای ایراد است زیرا مسئله کودک بی‌سرپرست یا بدسرپرست، کودک بی‌پناهی است که در جامعه مدنی مسئولیت حفظ، نگهداری و سلامت او از جنبه‌های گوناگون وظیفه دولت است؛ یعنی این دولت است که باید زمینه و امکانات سلامت جسمی، روانی و رشد شخصیت او را تأمین نماید.

به این معنا که طبق قوانین فرزندخواندگی، باید امکاناتی فراهم گردد که کودک بتواند در خانواده رشد کند، از حمایت آن خانواده بهره‌مند شود، و تجربه داشتن پدر، مادر و احتمالاً خواهر و برادر را داشته باشد و به‌ویژه از محبت والدینی بهره‌مند شود. پس چگونه ممکن است اجازه دهند تا کسی که قرار است «خلأ و نبود» پدر را برای او جبران نماید، با این کودک ازدواج کرده و رابطه جنسی برقرار کند؟

تصویب چنین قانونی نقض آشکار حقوق زنان و کودکان است؛ قانونی که برگرفته از تفکر و اندیشه مردسالار است. در این میان، کسی که خواهان برقراری چنین ارتباطی است مرد است، قاضی تشخیص‌دهنده «مصلحت» فرزندخوانده مرد است و قاضی‌ای که رأی و حکم ازدواج صادر می‌نماید نیز به احتمال زیاد مرد خواهد بود.

تصویب تبصره ماده ۲۷ این لایحه، ضمن بهره‌برداری جنسی از کودکان، مصداق بارز خشونت آشکار جنسی علیه دختران خردسال بی‌سرپرست زیر سن بلوغ و حتی دختران خردسالی است که در «سن دوره حضانت» قرار دارند. این لایحه نقض صریح و آشکار حقوق کودکان و دختران خردسال است و با کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق کودک نیز مغایرتی آشکار دارد.

همچنین، تصویب و قانونی شدن این تبصره موجب عدم تمایل زنان متأهل به گرفتن فرزندخوانده دختر، بر هم زدن امنیت روانی آنان در خانواده‌ها و شکستن قبح اجتماعی این موضوع در جامعه می‌شود.

به این ترتیب، این مسئله نشان‌دهنده نگاه یکسویه مجلس شورای اسلامی به این موضوع است که تنها به مسائل شرعی توجه داشته و از مسائل مهم اخلاقی، روانی و اجتماعی غفلت کرده است.

فصل چهارم: راهکارها

حال که ازدواج کودکان این همه پیامد دارد، آیا راهی برای جلوگیری از ازدواج زودهنگام دختر و پسر وجود دارد؟ راه‌های مختلفی وجود دارد که اگرچه ممکن است این نوع ازدواج را متوقف نکنند، اما می‌تواند فراوانی آن را کاهش دهد. منع ازدواج کودکان باید به شکل قانونی تصویب، تقویت و اجرا شود. توجه بیشتر به قوانین مربوطه مانند ثبت تولد و ازدواج و تحصیل در مدرسه ضروری است. اما قوانین به تنهایی به ازدواج کودکان خاتمه نمی‌دهد. اساساً برابری جنسیتی باید پیشرفت کند. وقتی تحصیل دختران به اندازه آموزش پسران ارزشمند تلقی شود، وقتی جوامع اعم از زن و مرد به آینده دختران و پسران اهمیت دهند، انگیزه کمتری برای انجام ازدواج کودکان وجود دارد. همچنین شرایط بهتر برای خانواده‌ها می‌تواند انگیزه ازدواج فرزندان را کاهش دهد. خانواده‌ها، از جمله دختران، باید بتوانند در آرامش زندگی کنند و در امنیت زندگی کنند. و فقر شدید، که باعث بسیاری از ازدواج‌های کودکان می‌شود، باید ریشه کن شود. برای این امر تغییرات زیادی لازم است، از جمله دسترسی بهتر به آموزش، خدمات بهداشتی و فرصت‌های اقتصادی و ...

چگونه می‌توان آمار کودک-همسری را کاهش داد؟

منع ازدواج کودکان باید به شکل قانونی تصویب، تقویت و اجرا شود. همچنین برابری جنسیتی باید پیشرفت کند. افزون بر این، شرایط بهتر اقتصادی برای خانواده‌ها می‌تواند

انگیزه ازدواج فرزندان را کاهش دهد. خانواده‌ها، از جمله دختران، باید بتوانند در آرامش زندگی کنند و در امنیت زندگی کنند. البته دولت‌ها اساسی‌ترین وظیفه نسبت به اجرای «عدالت توزیعی» و تقسیم منابع اقتصادی در جامعه را برعهده دارند.

بهترین دفاع: نگه‌داشتن دختران در مدارس

ادامه تحصیل موثرترین عامل در جهت کنترل سن ازدواج کودکان است. بهبود دسترسی به آموزش برای دختران و پسران و از بین بردن شکاف جنسیتی در آموزش استراتژی مهمی برای پایان دادن به ازدواج کودکان است. از آنجا که خانواده‌ها نفوذ زیادی در تصمیم‌گیری برای ازدواج کردن دخترانشان دارند لازم است که در راه‌حل‌ها مشارکت داشته باشند و دخترانشان را برای ادامه تحصیل تشویق کنند و نسبت به گذر امن به دوران بزرگسالی اطمینان حاصل کنند.

افزایش سال‌های آموزش اجباری می‌تواند به عنوان تاکتیکی برای نگه داشتن دختران در مدرسه و تعویق ازدواج آن‌ها باشد. علاوه بر این سیاست‌ها و برنامه‌ها، خانواده‌ها باید با توجه به موارد زیر به سمت ایجاد دلسردی در ازدواج زودهنگام سوق داده شوند: تشویق والدین به نگه داشتن دخترانشان در مدارس تا پایان دبیرستان و پرداخت یارانه به خانواده‌هایی با میزان درآمد محدود. افزایش آگاهی عمومی درباره حقوق کودکان، آموزش و پرورش و حفاظت در برابر استثمار. تغییر نگرش افرادی که نسبت به ازدواج زودهنگام بیتوجه هستند با کمک گرفتن از کمپین‌های هدفمند، استفاده از رسانه‌های جمعی، نمایش مزایای نگه داشتن دختران در مدرسه برای توسعه فردی و رفاه و منفعت رساندن به خانواده خودشان.

رسیدگی به وضعیت اقتصادی و بهداشتی زنان متاهل جوان

دخترانی که در سن پایین ازدواج می‌کنند بیشتر در معرض خطر خشونت‌های خانگی و بیماری‌های مقاربتی هستند؛ چون احتمال ایجاد رابطه جنسی محافظت‌نشده در ازدواج بیشتر است. هنجارهای اجتماعی معمولاً این زنان جوان را زیر فشار قرار می‌دهد تا هر چه سریعتر پس از ازدواج، باردار شوند در حالیکه این دختران جان‌شان را به خطر می‌اندازند. بیماری، آسیب و مرگ ناشی از بارداری دختران نوجوان را بیش از دختران بالای ۱۸ سال

تهدید می‌کند.

تلاش‌ها برای رفع نگرانی نسبت به دخترانی که در سنین کم ازدواج می‌کنند باید به موارد زیر معطوف شود: اطمینان از دسترسی به مدرسه، به‌طوری که آن‌ها بتوانند از حق خود برای بهره‌بردن از آموزشی کامل مطمئن شوند، کاهش فشار بر زنان جوان از طریق حمایت و آموزش خطرات بارداری زودهنگام، ارتقا دسترسی زنان به خدمات بهداشت باروری، از جمله خدمات تنظیم خانواده، ارائه برنامه‌های آموزشی برای بهبود مهارت‌های زندگی و اطمینان از اینکه زنان با این شرایط از عهده تأمین هزینه‌های زندگی برآیند و ارائه خدمات به قربانیان خشونت خانگی.

نقش رسانه‌های جمعی

رسانه می‌تواند نقشی کلیدی در جلب توجه افکار عمومی به ازدواج کودکان بازی کند. خبرنگاران می‌توانند با اطلاعات جاری به آگاه‌سازی مدافعان حقوق بشر و سیاست‌گذاران نسبت به تبعات منفی ازدواج کودکان بپردازند و این موضوع را از منظرهای متفاوتی مانند نقض غیرقانونی حقوق دختران، آسیب‌های جسمانی و روانی در رشد دختران و پیامدهای منفی برای خانواده‌ها و جوامع، پوشش دهند. رسانه می‌تواند سیاست‌گذاران را وادار به بروز واکنش کند.

همانگونه که در مواردی در یمن و عربستان سعودی رخ داد که دختران ۹ و ۱۲ سال تلاش می‌کردند از شوهران کهن‌سال خود طلاق بگیرند و رسانه‌ها این واقعه را انعکاس دادند. در هر دوی این کشورها، عمومی کردن این موارد نقش مدافعین حقوق بشر و کودک را برجسته نموده و به کمک حقوق‌دانان کمپینی علیه ازدواج زودهنگام به جریان افتاد. در آبان‌ماه ۱۳۸۷/نوامبر ۲۰۰۸ نمایندگان پارلمان یمن اصلاح قانون ازدواج در این کشور و تغییر آن به سن ۱۸ سالگی را به بحث و بررسی گذاشتند. اما رسیدگی به این لایحه به خاطر مخالفت نمایندگان محافظه‌کار به کندی پیش رفته است.

«شیخ حمود هاشم آل ضریحی»، دبیر کمیته پرنفوذ «مبارزه با فساد و ترویج تقوا» و عضو حزب «اصلاح» می‌گوید که مسلمانان باید از الگوی پیامبر پیروی کنند. او می‌گوید عایشه، یکی از همسران پیامبر اسلام فقط شش سال داشته که به عقد او درآمده است اما

پیامبر پیش از همبستری با او صبر کرده تا عایشه کمی بزرگتر شود.^۱ شیخ ضریحی می‌گوید: «چون پیامبر چنین وصلتی داشته ما نمی‌توانیم به مردم بگوییم که ازدواج با دختران کم سن ممنوع است». او همچنین معتقد است که جلوگیری از چنین ازدواج‌هایی باعث ترویج فسق و فجور در جامعه می‌شود. پروفیسور «امت الرزاق حامد»، وزیر امور اجتماعی یمن، می‌گوید دولت باید در این ارتباط با محافظه‌کاران کنار بیاید و خودش با سن قانونی ۱۶ سال موافق است. خانم حامد بر اهمیت چارچوب قانونی برای سن ازدواج تأکید دارد تا دادگاه‌ها بتوانند پدرانی را که با ازدواج دختر بچه‌های خود موافقت می‌کنند و همچنین مقاماتی که سند چنین ازدواج‌هایی را امضا می‌کنند، مجازات کنند.^۲

او می‌گوید دولت با علمای اسلامی مشورت کرده تا اطمینان حاصل کند برخورد قانونی با چنین ازدواج‌هایی با قوانین اسلامی مغایرتی نداشته باشد. این امر موجب شد که پارلمان به بحث درباره این موضوع بپردازد و حداقل سن ازدواج را به ۱۷ سال افزایش دهد در عربستان که حداقل سن قانونی برای ازدواج کودکان وجود ندارد، پیش‌نویس قانونی تحت بررسی قرار گرفت که به موجب آن حداقل سن ازدواج بین ۱۶ تا ۱۸ تعیین شد. در پی انتقادات بین‌المللی علیه ازدواج کودکان در عربستان یک مقام عالی‌رتبه وزارت دادگستری این کشور اعلام کرد که این وزارتخانه قصد دارد برای دختران حداقل سن ازدواج تعیین کند. اردیبهشت ماه ۱۳۹۱ / آوریل ۲۰۱۱، موارد متعدد ازدواج کودکان در عربستان از جمله یک عروس ۸ ساله که قصد ازدواج با مردی ۵۸ ساله را داشته است، سبب شده تا رسانه‌های داخلی و خارجی عربستان نسبت به این موضوع واکنش شدید از خود نشان دهند. دادگاهی در عربستان نسبت به صدور رای برای ازدواج این دختر ۸ ساله سرباز زده بود.^۳

هم‌چنین کمیسیون حقوق بشر سعودی که یک سازمان وابسته به دولت است در سال ۱۳۹۰ / ۲۰۱۰ وکیلی را استخدام کرد که به دختری ۱۲ ساله کمک کند تا از همسر ۸۰ ساله‌اش طلاق بگیرد. پیش از این در سال ۲۰۰۹ وزیر دادگستری اعلام کرده بود که

۱. «ازدواج و طلاق دختر بچه‌ها در یمن»، وبسایت بی‌بی‌سی فارسی، آبان ۱۳۸۷.

۲. همان.

۳. «وزارت دادگستری عربستان تأکید کرد: تعیین حداقل سن ازدواج برای دختران»، خبرگزاری ایسنا، اردیبهشت ۱۳۹۱.

برنامه‌هایی را برای تعیین حداقل سن ازدواج برای دختران طراحی کرده است اما سازمان عفو بین‌الملل معتقد است دولت عربستان سال‌هاست که قصد قراردادن حداقل سن برای ازدواج را دارد، اما تاکنون پیشرفتی در این زمینه رخ نداده است.

به گزارش رویترز در سال ۲۰۱۰ در عربستان هیچ محدودیتی در مورد سن ازدواج وجود ندارد و پدران به طور کامل و قطعی کنترل سن ازدواج تعیین همسر را در دست دارند. و این در حالی است که عربستان یکی از امضاکنندگان کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل است و برابر با آن ازدواج برای افراد زیر ۱۸ سال که کودک محسوب می‌شوند، ممنوع است. بر این اساس مدافعان حقوق کودکان، دولت عربستان را تحت فشار گذاشته‌اند که، تا زمانی که این قانون به اجرا در بیاید، ثبت ازدواج دختران زیر ۱۸ سال در دفترخانه‌ها ممنوع شود. اگرچه مجلس شورای عربستان که یک نهاد مشورتی دولت این کشور است، در سال ۲۰۱۹ مقرراتی را با هدف ممنوعیت ازدواج دختران و پسران زیر ۱۵ سال تصویب کرد. به موجب این مقررات ازدواج افرادی که کمتر از ۱۸ سال سن دارند نیز منوط به اخذ مجوز دادگاه خواهد بود. البته مصوبات مجلس شورای عربستان ضمانت اجرایی ندارد ولی این نهاد می‌تواند قوانین جدیدی را برای تصویب به دولت این کشور پیشنهاد کند.

قانون ثبت‌احوال جدید عربستان در فروردین ۱۴۰۱ / مارس ۲۰۲۲ ابلاغ و اجرایی شده اما همچنان برخی از بنود آن حتی از نظر حقوق‌دانان هم مبهم و غیرقابل اجراست. بر اساس بند سوم ماده ۱۷ این قانون: «ولی امر دختر، حتی اگر پدرش هم باشد، نمی‌تواند دختر خود را بدون رضایتش به همسری فردی درآورد و موظف است در عقدنامه دلیلی برای اثبات این رضایت درج کند»^۱.

به اعتقاد کارشناسان، مشخص نیست چگونه باید این رضایت زوجه در عقد ازدواج به ثبت برسد و این موضوع توضیحات و تفسیرهای جدیدی می‌طلبد.

در مواد دیگری از این قانون نیز ۱۸ سالگی حداقل سن ازدواج اعلام و برای سنین پایین‌تر انجام عقد مستلزم دریافت اجازه از دادگاه شده است. به گزارش شفقنا به نقل از آرتی عربی در تیرماه ۱۴۰۲ / ژوئن ۲۰۲۳، این وزارتخانه در اخطاریه خود عنوان کرد: آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از حقوق کودک به روشنی بیان کرده است که پیش از

۱. «شرط عجیب دولت عربستان برای ازدواج دختران»، وبسایت اعتمادآنلاین، ۶ فروردین ۱۴۰۱.

امضای هرگونه قرارداد ازدواج لازم است اطمینان حاصل شود که ازدواج افراد زیر سن ۱۸ سال ضرری متوجه آن‌ها نمی‌کند و منافع عالی آن‌ها اعم از مرد و زن را محقق می‌سازد. خطریه وزارت دادگستری عربستان در پاسخ به پرسش‌های رسیده به این وزارتخانه در مورد ازدواج افراد کمتر از سن ۱۸ سالگی صورت گرفته است. این وزارتخانه سعودی در خطریه خود از دادگاه‌ها و دفاتر ثبت ازدواج خواسته است پرونده‌های مرتبط با این موضوع را به دادگاه ویژه رسیدگی به چنین مواردی ارجاع دهند.^۱

نقطه آغاز فرهنگ‌سازی

بدیهی است که قانون فرهنگ‌سازی می‌کند، بدین معنا که تدوین هر قانونی گذشته از این که قانون معقول و بر مبنای عقلانیت دانش‌بنیاد و بر پایه حقوق انسانی شهروندان آن جامعه باشد و یا قوانین تبعیض‌آمیز و به دور از استانداردهای حقوقی، اما فرهنگ منبعث از آن قوانین را به تدریج وارد متن جامعه می‌نماید. اما الزامات تمام والدین اطلاع و آگاهی نسبت به این امر را نخواهند داشت؛ مگر اینکه آموزش رخ دهد. تأثیر بیلبوردها در سطح شهر و تیزرهای چند ثانیه‌ای پیرامون حقوق کودکان از پخش مباحث کارشناسی چند ساعته در صدا و سیما بیشتر است تا به این طریق والدین بدانند که ولایتشان بر فرزندان مطلق نیست و قانونی وجود دارد که از کودکان حمایت می‌کند.

نکته قابل تأمل دیگر بحث تخصیص بودجه دولت برای آسیب‌های اجتماعی است. بودجه در نظر گرفته شده برای بخش آسیب‌های اجتماعی کفایت نمی‌کند. اگر قرار باشد بودجه مناسبی به آسیب‌های اجتماعی داده شود، با وجود ۲۲ دستگاه متولی این بودجه سرشکن و پراکنده خواهد شد و نتیجه کار مشخص نمی‌شود و به ویژه نتیجه تلاش‌ها در سطح جامعه مشهود نیست و مردم می‌خواهند ماحصل اقدامات را عینی و ملموس ببینند.

نقش قانون در تحول جامعه

پرسش اساسی این است که آیا عرف جامعه می‌پذیرد فرد ۱۳ ساله مادر شود؟ آیا عرف جامعه می‌پذیرد دختری ۱۳ ساله بتواند یک خانواده را و روابط اجتماعی با خانواده را و

۱. «عربستان ازدواج زیر ۱۸ سال را ممنوع کرد»، *خبرگزاری شفقنا*، ۲ دی ۱۳۹۸.

رابطه زناشویی با شریک زندگی‌اش را مدیریت کند و در شرایط بحرانی رفتار منطقی داشته باشد؟ آیا افزون بر بلوغ جسمی و جنسی (بر فرض وجود)، بلوغ روانی و اجتماعی لازمه تشکیل خانواده نباید باشد؟

باید توجه داشت که تصویب قانون به تنهایی نمی‌تواند کاربرد داشته باشد و نیازمند زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و از جمله اقتصادی است. اما قانون، یکی از ابزارهای ایجاد تحولات اجتماعی و همچنین عدالت اجتماعی است و این تحولات از جمله در زمینه حقوق کودکان، به قانونی کامل و جامع نیاز دارد. قوانین کنونی کشور، فاقد جامعیت و مانعیت بوده و تاکنون ناکارآمد بوده است.

راهکارهای حقوقی

شایان یادآوری است که در بحث ازدواج کودک با فرزندخوانده نیز بسیاری از فقیهان نظرات متفاوتی داشتند و کلی راهکارهای فقهی مناسب برای استفاده مطلوب ایجاد شد. با این حال باید بگوییم که فقه (!) همیشه در این باره مغفول مانده است!

با توجه به قرن ۲۱، و این که می‌توانیم مسئله مقتضیات زمان و مکان را در جامعه جهانی مطمح نظر داشته باشیم، افزایش سن ازدواج از ضروریات قانونی است. مشکل این است که ما به اندازه کافی قوانین برای منع کودک‌آزاری یا پیشگیری از سوءرفتار نسبت به کودکان نداریم. به همین جهت خلأهای قانونی وجود داشته به نحوی که سوءرفتارها نسبت به کودکان را به شکل‌های تازه‌تری در جامعه تجربه می‌کنیم، به ویژه در مورد بهره‌کشی جنسی و اقتصادی از کودکان.

آنچه برجسته می‌نماید، لزوم برنامه‌ریزی معقول و مبتنی بر عقلانیت در تمامی بخش‌های حاکمیتی برای کاهش مشکل کودک-همسری و تلاش در جهت تحکیم هرچه بیشتر بنیان خانواده است. این امر، همراه با تأمین حقوق همه افراد جامعه، موضوعی است که به‌طور صریح در اصول ۱۹ و ۲۱ قانون اساسی کشور نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در حقیقت ازدواج دختران زیر سن ۱۳ سال در وهله نخست برای کودک محرومیت شدید و روزافزون ایجاد می‌کند؛ آنچنان که شاهد هستیم، دختران ۱۵ ساله مطلقه گاهی با یک یا دو فرزند هیچ توانایی ندارند. یعنی اگر رهایشان کنیم، ناچارند که از طریق خودفروشی و کارهای دیگر امرار معاش کنند. در وهله پسین این آسیب به نفع جامعه نبوده و بازخورد

بیرونی دارد. گرچه عده‌ای می‌گویند ما چه کار داریم که خارجی‌ها خوششان می‌آید یا نه، در پاسخ می‌توان بیان داشت که فارغ از نظر خارجی‌ها، باید روی انسان و حقوق طبیعی و قانونی او تأکید ورزیم. یعنی افزایش سن ازدواج در قانون درج گردد.

نیاز به تغییر در نظام حقوقی و اجتماعی

با توجه به سخنان و نظریات کارشناسان و متخصصان حقوقی درباره ازدواج کودکان، می‌توان گفت که همچنان موضوع ازدواج کودکان در کشور چالش‌برانگیز است، پدیده‌ای که، همچنان قربانیان خود را به کام انواع آسیب‌ها و معضلات می‌کشانند و هنوز در مقررات مربوط به آن، ابهامات و تناقضاتی به چشم می‌خورد. پاسخ به پرسش‌هایی مانند اینکه آیا گواهی رشد بیانگر رشد حقیقی کودک برای بر عهده گرفتن مسئولیت خانواده و انجام تکالیف ناشی از نکاح است؟ یا اینکه آیا واقعا والدین با اعلام رضایت از ازدواج کودک خود، منفعت و مصلحت وی را در نظر می‌گیرند یا نه، همچنان بی‌پاسخ مانده است. به راستی کدام مصلحت می‌تواند کودکی را سر سفره عقد بنشانند و وی را به پذیرش مسئولیتی که حتی بزرگسالان را نیز با نگرانی‌هایی مواجه می‌کند و دارد؟ به نظر می‌رسد قوانین درباره ازدواج کودکان نیازمند تدبیر و تفکر بیشتری است. از دیگر فرازهای یکی از اسناد بین‌المللی برجسته که به عنوان راهکار علمی می‌توان از آن در مسیر کاهش ازدواج کودکان بهره گرفت همانا سند بین‌المللی توسعه پایدار ۲۰۳۰ مصوب ۲۰۱۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد است. یونسکو به عنوان متولی آموزش، علوم و فرهنگ در مجموعه سازمان ملل متحد و به دلیل نقش اصلی که در هدایت و راهبری آموزش در جهان ایفا می‌کند، به عنوان مسئول اصلی اجرای هدف چهارم این دستور کار که عنوان آن «به سوی آموزش و یادگیری مادام‌العمر با کیفیت، برابر و فراگیر» است، تعیین گردیده است.^۱

هدف فراگیری

چند اصل بنیادین به منظور تحقق این هدف در نظر گرفته شده است که این اصول عبارتند از:

۱. متن سند توسعه پایدار ۲۰۳۰، کمیسیون ملی یونسکو - ایران.

۱- آموزش یکی از حقوق بنیادین انسان است، برای تحقق این حق، کشورها باید دسترسی به آموزش باکیفیت را به شکل رایگان و اجباری برای همه گسترش بخشند.

۲- آموزش یک کالای عمومی است که مسئولیت اصلی آن بر عهده دولت‌هاست. نقش دولت‌ها در تدوین قوانین و معیارگذاری هنجارها اساسی است. در این میان جامعه مدنی، معلمان و استادان و خانواده‌ها نقش برجسته‌ای در به رسمیت شناختن حق اقشار گوناگون جامعه در بهره‌مندی از آموزش با کیفیت دارند.

۳- برابری فرصت‌های آموزش برای دختران و پسران: دولت‌ها موظفاند فرصت‌های برابر آموزشی برای دختران و پسران فراهم نمایند و بر روند برخورداری آن‌ها از حقوق یکسان برای دسترسی به آموزشی با کیفیت، نظارت کامل داشته باشد

بنا به گفته وزیر آموزش و پرورش وقت (فخرالدین دانش آشتیانی): «اجرای سند ۲۰۳۰ یونسکو در قالب تحول آموزش و پرورش ایران بوده و چیزی خارج از این سند تحول اجرا نمی‌شود. در سند تحول آموزش و پرورش مواردی که از نظر شرعی و عرفی در سند ۲۰۳۰ دارای اشکال است اجرا نخواهد شد. همچنین دیگر مقامات دولتی ایران هم تأکید کرده‌اند که آن‌ها بر اساس اسناد بالادستی نظام عمل می‌کنند و سند یونسکو ۲۰۳۰ یک سند زیردستی آن محسوب می‌شود.»

دلایل مخالفت با سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ سازمان یونسکو

در این خصوص علی خامنه‌ای رهبر رژیم اسلامی در هفته گرامیداشت مقام معلم با معلمان و فرهنگیان در اردیبهشت ۱۳۹۶ دیدار کرده و در اظهارات خود به موضوع پذیرش سند ۲۰۳۰ سازمان‌های ملل و یونسکو اشاره نموده و به شدت مورد انتقاد قرار داد و گفت: «این سند و امثال آن، مواردی نیستند که جمهوری اسلامی تسلیم آن‌ها شود و امضای این سند و اجرای بی‌سروصدای آن قطعاً مجاز نیست و به دستگاه‌های مسئول نیز اعلام شده است.» وی تأکید کرد: «به چه مناسبت یک مجموعه به اصطلاح بین‌المللی که تحت نفوذ قدرت‌های بزرگ نیز قرار دارد، به خود حق می‌دهد که برای ملت‌هایی با تاریخ و فرهنگ

و تمدن گوناگون، تکلیف معین کند...»^۱

حال آنکه سه حوزه و دلیل اصلی مخالفت با سند ۲۰۳۰ یونسکو از دید رژیم اسلامی در ایران موارد زیر هستند:

- برابری زن و مرد در آموزش: به رغم اینکه این مسأله در فرهنگ و اسناد و برنامه‌های آموزشی جمهوری اسلامی وجود دارد، اما در سند یاد شده به مواردی چون «تغییر کتب درسی» با حذف «نقش‌های مادری و همسری» و مشابه نشان دادن زن و مرد در تمام عرصه‌ها اشاره شده است.
- نفوذ افکار و جریان‌های غیر دینی: از دیگر موارد انتقاد از سند آموزش موصوف، «غیر اسلامی و غیر دینی» شدن آموزش در ایران است. این امر صریح و آشکار در کتابچه‌های راهنمای یونسکو با عنوان «آموزش همگانی جهانی» تصریح شده است. در حقیقت در چارچوب فرهنگ غربی «مبانی دینی» در کتاب‌ها و آموزه‌های آموزشی نباید بگنجد.
- نظارت و دخالت خارجی: این سومین انتقاد به سند ۲۰۳۰ یونسکو به شمار می‌رود. از این حیث، در این سند به انتقال علم و تکنولوژی آموزشی بین کشورها اشاره گردیده است و منتقدان و مخالفان در جمهوری اسلامی این بخش از سند را به نظارت مستشاران خارجی بر آموزش و پرورش تعبیر می‌نمایند. در حقیقت منتقدان این سند به این جهت که سازمان یونسکو می‌تواند متأثر از برخی نهادها و سازمان‌های سلطه‌گر غربی باشد، مخالفت می‌کنند.^۲

ضرورت تغییر و افزایش سن ازدواج کودکان در قوانین ایران

ازدواج یکی از نهادهای مهم اجتماعی است که نقش حساسی بر تمام ابعاد زندگی انسان دارد و داشتن آمادگی لازم از نظر جسمی و روانی و اجتماعی برای آن ضروری است. به همین دلیل در قوانین حقوقی بسیاری از کشورهای جهان، حداقل سنی برای آن در نظر گرفته شده است. حداقل سن پذیرفته‌شده برای ازدواج بر اساس مفاد کنوانسیون‌های

۱. «شورای انقلاب فرهنگی ایران» سند ۲۰۳۰ یونسکو را از دستور کار خارج کرد»، بی‌بی‌سی فارسی، خرداد ۱۳۹۶.

۲. «سند ۲۰۳۰ یونسکو چیست و چرا با آن مخالفت می‌شود؟»، ایران‌خبر، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۶.

حقوق کودک و حقوق بشر ۱۸ سال می‌باشد که دارای مقبولیت جهانی در بین اکثر کشورها می‌باشد. در صورتی که حداقل یکی از زوجین زیر این سن باشند، پدیده ازدواج زودهنگام یا کودک-همسری اتفاق افتاده است. کشور ایران از جمله کشورهای عضو کنوانسیون حقوق کودک است اما شرط حداقل سن را رعایت نمی‌کند و بر اساس قوانین رسمی کشور، حداقل سن ازدواج ۱۳ سال برای دختران - با مصلحت دادگاه زیر ۱۳ سال - و برای پسران ۱۵ سال است. میراث این قانون ناقص، رواج کودک-همسری در ایران است. گسترش طلاق و کودک بیوه‌گی، افسردگی، خودکشی، فرار، روسپیگری/ کارگر جنسی، اعتیاد، محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی، زنا نه شدن فقر و گسترش انحرافات اجتماعی از نتایج ازدواج زودهنگام می‌باشد. با توجه به آثار و عواقب ازدواج زودهنگام و بر اساس شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور و همچنین عدم بلوغ فکری و اجتماعی کودکان، ازدواج در این سن نادرست می‌باشد. با وجود مطالبه مکرر جامعه مدنی و فعالان اجتماعی، معضل ازدواج زودهنگام از سوی دولت مسکوت مانده است و گام موثری برای مقابله با آن برداشته نشده است. از مهم‌ترین علل ازدواج زودهنگام در ایران حمایت قانونی و حقوقی از پدیده کودک-همسری می‌باشد. هنجارهای فرهنگی و سنتی زمانی که از حمایت قانونی و قضایی برخوردار باشند، تشدید شده و مقابله با آن بسیار مشکل خواهد بود. بنابراین ضرورت دارد که در قوانین مدنی و قضایی در باب ازدواج زیر ۱۸ سال بازنگری شود و راه‌کارهای مناسب حقوقی و فرهنگی برای مقابله با آن ارائه گردد.

پایان سخن

کودک‌بودن و همسر‌بودن به‌صورت هم‌زمان، در جهانی که اغلب کودکان آن سعی در آموختن الفبای زندگی دارند و می‌خواهند زندگی سرشار از عشق والدین و شادی‌های کودکانه را تجربه کنند، پدیده‌ای دردناک است که همچنان در بسیاری از کشورهای جهان، به‌ویژه کشورهای جهان سوم و جوامع سنتی به چشم می‌خورد. متأسفانه کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست و ازدواج کودکان (زودرس) آمار قابل تامل دارد، ازدواج‌هایی که معمولاً ناشی از ناآگاهی والدین، فقر، تفکرات اشتباه و آداب و رسوم نادرست و قدیمی است. درحالی‌که کنوانسیون حقوق کودک به همه افراد زیر ۱۸ سال عنوان «کودک» را اطلاق کرده و برای تأمین شرایط زندگی مناسب برای این گروه سنی پیش‌بینی‌های

خاصی را انجام داده است. اما قوانین کشور ما با وجود پذیرش این کنوانسیون، موضوع ازدواج کودکان را مستثنی کرده است؛ به این معنی که ازدواج دختران در ۱۳ سالگی و پسران در ۱۵ سالگی در قوانین ایران پذیرفته شده و ازدواج کودکان کمتر از سنین یادشده نیز با رعایت شرایط خاصی مورد قبول قانون گذار قرار گرفته است.

یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که حوزه کودکان در حال حاضر با آن مواجه است، نبود و عدم درک مشترک برای فهم خشونت علیه کودکان است. گرچه نه تنها در قانون مدنی ما با فقط یک تعریف و تبیین روشن و جامع از کودک مواجه هستیم، بل در آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی نیز به رغم ارائه انواع خشونت‌ها در حوزه حقوق کودک، برای نمونه، هرگونه صدمه و اذیت و آزار کودکان، ضرب و جرح، محبوس کردن، بکارگیری برای فعالیت‌های جنسی، استفاده‌های مبتذل از آن‌ها، بهره‌کشی اقتصادی، توهین یا تهدید آن‌ها به معنای مواجه مجازات است و برای هر جرمی مجازات مشخصی مانند جزای نقدی و حبس را لحاظ کرده است. حال آنکه یک مرکز می‌تواند مکان مناسبی برای کودکان بزه‌دیده و بزه‌کار باشد تا از عوارض وارد شده به آن‌ها جلوگیری کند. زیرا که، وارد شدن هرگونه آسیبی به کودکان، آینده آن‌ها را تحت الشعاع قرار می‌دهد؛ با توجه به اینکه ۴۰ درصد خشونت‌های خانگی مربوط به کودک‌آزاری است.

افزون بر این هنگامی که در مجلس شورای اسلامی از مقررات بین‌المللی و کنوانسیون‌ها سخن رانده می‌شود اساساً به این معنا نیست که آن‌ها به جامعه خارجی بها می‌دهند، بل، در واقع این موارد ابزارهایی برای ادعای رعایت حقوق بشر هستند!

فراتر از این، به باور این قلم قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، به رغم نظر بسیاری، در مسیر سند آموزشی ۲۰۳۰ نیست. سند آموزشی ۲۰۳۰ سازمان یونسکو که در دولت روحانی قرار بود به تصویب برسد با مخالفت تندروها و نهایتاً علی‌خامنه‌ای از برنامه‌های درسی حذف شد. مخالفان این سند آن را حمایت از هم‌جنس‌گرایی و آموزش روابط جنسی و خارج از ازدواج عنوان می‌کردند.

فصل پنجم: کودک-سربازان

سابقه تاریخی کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک

مسئله حقوق کودکان، مسئله تازه‌ای نیست. شروع آن به دوران بعد از جنگ جهانی اول بازمی‌گردد. یکی از طرفداران اولیه حقوق کودک، «گلانتین جب»، بنیانگذار مؤسسه نجات کودکان در انگلستان در سال ۱۹۱۹ میلادی بود. وی عقیده داشت که کودکان به شدت قربانی سیاست‌های اقتصادی غلط و خطاهای سیاسی و جنگی می‌شوند و در بسیاری از مواقع، فدای مسائل سیاسی می‌شوند.

پس از پایان جنگ جهانی اول، به سبب پیامدهای جنگ و آسیب‌هایی که از این راه بر کودکان وارد آمد، در سال ۱۹۲۴ میلادی «اعلامیه حقوق کودک» در ژنو تنظیم شد که بیشتر در زمینه تغذیه، بهداشت و مسکن برای کودکان جنگ‌زده و آواره و حمایت آنان در برابر آسیب‌های جسمی و روانی ناشی از جنگ بود.

تأسیس صندوق بین‌المللی حمایت از حقوق کودکان (یونیسف) در سال ۱۹۴۶ میلادی، گام مهمی برای پرداختن به مسائل حقوقی کودکان جهان بود. همچنین، تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۹۴۸ نیز منبع دیگری برای پیمان حقوق کودک بود؛ زیرا این اعلامیه تمام انسان‌ها را بدون توجه به ویژگی‌های مربوط به رنگ، مذهب، ملیت و... شامل می‌شود که طبقاً کودکان را نیز در بر می‌گیرد.

در سال ۱۹۵۹، اعلامیه حقوق کودک به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد

رسید که در واقع، اساس و بنیان کنوانسیون حقوق کودک را پی‌ریزی کرد.

حقوق کودکان از منظر حقوق بین‌الملل

مفهوم کودک-سرباز به استفاده نهادهای نظامی یعنی حکومت‌ها یا گروه‌های شبه‌نظامی یا گروه‌های سیاسی از کودکان به عنوان نیروی نظامی اشاره می‌کند. در حقیقت، کودکانی که از سوی حکومت‌ها یا گروه‌های دیگر به عنوان نیروی نظامی در جنگ به عنوان نگهبان، جاسوس یا پیام‌رسان و یا حتی بردگی جنسی مورد سوءاستفاده قرار بگیرند، به آن‌ها واژه کودک-سرباز اطلاق می‌شود. شاید بتوان مهم‌ترین سند حقوقی بین‌المللی مربوط به حقوق کودکان را که مقررات جدی در زمینه کار کودکان دارد، کنوانسیون حقوق کودک دانست.

این کنوانسیون که دولت ایران هم جزو متعاهدین آن است، در ماده ۳۲ خود اشاره می‌کند: «کشورهای طرف کنوانسیون، حق کودک را جهت مورد حمایت قرار گرفتن در برابر استثمار اقتصادی و انجام هرگونه کاری که زبان‌بار بوده و یا توقفی در آموزش وی ایجاد کند و یا برای بهداشت جسمی، روحی، معنوی، اخلاقی و یا پیشرفت اجتماعی وی مضر باشد، به رسمیت می‌شناسند»^۱.

در ادامه کشورهای طرف این کنوانسیون ملزم شده‌اند تا با تصویب مقرراتی در مورد حداقل سن برای انجام کار و همچنین مقرراتی در مورد ساعت و شرایط کار، از هر نوع آسیب روحی و جسمی به کودک جلوگیری کنند و شرایط را برای ادامه آموزش کودکان در مدارس فراهم کنند.

«کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک»^۲ از دیگر اسناد بین‌المللی است که ایران هم عضو متعاهد آن است. در این سند، کارهای خطرناکی که کودکان را در معرض سوءاستفاده جسمانی، روانی یا جنسی قرار می‌دهد؛ یا کار در زیرزمین، زیر آب، در ارتفاعات خطرناک یا در فضاهای بسته، همچنین کار با ماشین‌آلات، تجهیزات و ابزارهای خطرناک، یا کاری که متضمن جابجایی یا حمل بارهای سنگین با

۱. «پیمان حقوق کودک»، وبسایت سازمان ملل متحد.

۲. برای مطالعه این کنوانسیون، به اینجا بروید: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

دست است، ممنوع اعلام شده است. همچنین کودکان از کار در محیط‌های ناسالم یا کار تحت شرایط بسیار مشکل از قبیل کار برای ساعات طولانی یا در خلال شب منع شده‌اند. در اساسنامه رم و دیوان کیفری بین‌المللی مصوب ۱۹۹۸ و اجرای ۲۰۰۲، بند ماده ۸ با عنوان جرائم جنگی، بسیج اجباری یا داوطلبانه کودکان زیر ۱۵ سال در نیروهای مسلح ملی یا به کار گرفتن آنان در مشارکت فعال در کارهای جنگی، به عنوان نیروهای نظامی در درگیری‌ها و جنگ‌ها و همچنین به کارگیری کودکان به عنوان نیروی نظامی در زمان صلح را ممنوع و به عنوان جرم بین‌المللی کیفری جرم‌نگاری کرده است. استفاده از کودکان زیر ۱۵ سال در نیروهای نظامی، جنایت جنگی تلقی می‌شود؛ بنابراین، استفاده از کودکان زیر ۱۵ سال چه در جنگ و چه در زمان صلح، جرم بین‌المللی و جنایت جنگی است و قابلیت تعقیب کیفری بین‌المللی را دارد.^۱

شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه‌ای به نام قطعنامه ۱۶۱۲ دارد که در سال ۲۰۰۵ تصویب شد. در این قطعنامه، استفاده از کودکان به عنوان سرباز یا استخدام کودکان به عنوان نیروی نظامی به صراحت ممنوع اعلام شده است. این سازمان حتی مکانیزمی نظارتی برای بررسی عملکرد کشورها و گروه‌های نظامی ترتیب داده و دبیرکل سازمان ملل موظف است بر اساس این قطعنامه هر ساله به شورای امنیت گزارش دهد که در کدام کشورها یا کدام گروه‌ها از کودکان به عنوان نیروی نظامی استفاده کرده‌اند.

در سال ۲۰۰۷، زمانی که منشور بین‌المللی منع استفاده نظامی از افرادی که کمتر از ۱۸ سال دارند توسط ۱۰۵ کشور در پاریس امضا شد، بیش از ۲۵۰ هزار سرباز کودک در جهان برآورد شده بود. اما به‌رغم کنوانسیون‌ها، معاهدات و پیمان‌های بین‌المللی، همچنان سربازگیری از کودکان در برخی کشورها از جمله ایران، سوریه، یمن، عراق، پاکستان و افغانستان برای مقاصد نظامی ادامه دارد. کودکانی که اگر در این منازعات مسلحانه جان سالم به در برند، سالیان متمادی را با ضربه‌های هولناک روحی سپری خواهند کرد.

کودک-سرباز: ایزه‌ای مؤمنانه و نظامی

منظور از کودک-سرباز، دختران و پسران کودک یا نوجوان زیر ۱۸ سال است که توسط

۱. متن کامل اساسنامه رم، مرکز اسناد حقوق بشر ایران.

گروه‌های نظامی جذب و در درگیری‌های نظامی به کار گرفته می‌شوند. اگرچه منظور این نیست که این کودکان حتما باید در عملیات نظامی شرکت کنند، بلکه به کارگیری آنان در امور پشتیبانی مانند پیام‌رسانی، نگهداری، سوءاستفاده جنسی یا ازدواج اجباری نیز شامل این تعریف می‌شود. همچنین مفهوم کودک-سرباز به استفاده از آنان در نهادهای نظامی یا گروه‌های شبه‌نظامی یا سیاسی اشاره دارد. کودکانی که از سوی حکومت‌ها یا گروه‌های دیگر به‌عنوان نیروی نظامی در جنگ به‌عنوان نگهبان یا حتی بردگی جنسی مورد سوءاستفاده قرار بگیرند، کودک-سرباز نامیده می‌شوند.

در واقع، بر اساس آنچه که کنوانسیون جهانی حقوق کودک تعریف کرده است، افراد زیر ۱۸ سال، چنانچه توسط حکومت‌ها یا گروه‌های دیگر به‌عنوان نیروی نظامی مورد استفاده قرار بگیرند، به عنوان کودک-سرباز شناخته می‌شوند.

برای شناسایی کودک-سرباز، ضرورتی نیست که آنان را در جبهه جنگ و با اسلحه به دست ببینیم. اگر این کودکان حتی در محیط‌های نظامی مانند پادگان‌ها به‌عنوان نگهبان نقش ایفا کنند، یا در درگیری‌ها و اعتراضات داخلی، یا در یک منطقه نظامی یا جنگی بدون اینکه مسلح باشند و از آنان به‌عنوان جاسوس، پیام‌رسان یا تدارکاتچی استفاده شود، باز هم بر مبنای تعریف و قوانین بین‌المللی، مشمول مفهوم کودک-سرباز می‌شوند. در عین حال، در نظام ارزشی جمهوری اسلامی و ادبیات جنگی آن، حضور نوجوانان در جنگ با عراق مایه افتخار تلقی می‌شود. رغبت بسیاری از نوجوانان برای اعزام به جبهه‌های جنگ بین ایران و عراق در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ نیز افتخاری مضاعف محسوب می‌شد.

گرچه بحث حقوقی و اخلاقی بکارگیری کودکان و نوجوانان در جنگ کمتر به محافل رسمی یا رسانه‌های داخل ایران کشیده شده است، اما نحوه جذب و تشویق نوجوانان برای شرکت در جنگ و چگونگی جنگیدن آن‌ها همواره نقل محافل ایرانی بوده است. منتقدان جنگ از مواردی سخن می‌گفتند که به «شستشوی مغزی» نوجوانان روستایی در مدارس و آویختن «کلید بهشت» بر گردن آن‌ها اشاره داشت. موافقان جنگ نیز به تفصیل جنگ‌آوری‌های شگفت‌انگیز نوجوانان ایرانی در جبهه‌های جنگ را بیان می‌کنند.

امنیت: یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشری

امنیت یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان است و هرگاه که انسان احساس خطر می‌کند، این

نیاز در او بیدار می‌شود. «بارون دو منتسکیو»، فیلسوف بزرگ قرن ۱۸، در کتاب معروف خود «روح‌القوانین» نیاز به صلح را نخستین قانون طبیعت معرفی کرده است. امنیت فردی وضعیتی است که در آن انسان از تعرض به حقوق فردی خود اطمینان حاصل می‌کند و امکان بهبود آن‌ها را برای افزایش بهره‌مندی از امنیت فردی فراهم می‌بیند. برخی از اسناد بین‌المللی به صراحت از این حق نام برده و برای آن مصادیقی ارائه داده‌اند. واژه امنیت نخستین‌بار در کمیسیون مستقل مسائل امنیتی و خلع سلاح (کمیسیون پالمه) به کار گرفته شد. برنامه توسعه ملل متحد نیز پس از یک دهه به بررسی ابعاد مفهومی و حقوقی این موضوع پرداخته و اظهار داشت که فرد انسانی باید در مرکز توجه قرار گیرد.

کنفرانس کاهش و محدودسازی جنگ‌افزارها

کنفرانس جهانی خلع سلاح، که بین سال‌های ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۴ در ژنو، سوئیس، برگزار شد، تلاشی ناموفق از سوی اعضای جامعه ملل و ایالات متحده آمریکا برای تحقق خلع سلاح بود. نهاد سازمان ملل متحد برای پژوهش خلع سلاح، در ۱ اکتبر ۱۹۸۰ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد بنیان‌گذاری شد تا به کشورها و جامعه جهانی درباره امنیت بین‌الملل آگاهی دهد، به تلاش‌ها برای خلع سلاح کمک کند و امنیت بیشتر و امکان توسعه اقتصادی و اجتماعی را برای همه فراهم کند. با به رسمیت شناختن نیاز به پژوهش هدفمند، تجربی و جامع در خصوص خلع سلاح و امنیت، مجمع عمومی سازمان ملل این نهاد را به عنوان نهادی مستقل در ساختار سازمان ملل معرفی کرده است تا کارهای آن با استقلال علمی انجام شود.

کنوانسیون بین‌المللی منع جنگ‌افزارهای شیمیایی

کنوانسیون بین‌المللی منع تولید، انباشت و استفاده از سلاح‌های شیمیایی در تاریخ ۱۳ ژانویه ۱۹۹۳ در پاریس و نیویورک توسط نمایندگان ۱۶۵ کشور به تصویب رسید و از ۲۹ آوریل ۱۹۹۷ لازم‌الاجرا شد. ضامن اجرای این کنوانسیون، سازمان منع سلاح‌های شیمیایی است که در سال ۱۹۹۷ تأسیس شد و مقر آن در شهر لاهه، هلند است.

امنیت انسانی

برنامه توسعه ملل متحد در گزارش سال ۱۹۹۴ خود به دو عنصر مهم امنیت انسانی اشاره کرد: رهایی از ترس و رهایی از نیاز. دغدغه امنیت انسانی شناسایی و رفع عواملی است که حقوق افراد را در هر نقطه از جهان تهدید می‌کند. اگر امنیت انسانی به‌عنوان طبقه‌بندی محدودی از حمایت از حقوق بشر در نظر گرفته شود، سایر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مانند اتحادیه اروپا نه تنها حق بلکه تعهدات حقوقی نیز نسبت به امنیت انسانی دارند.^۱

منشور ملل متحد و تعهدات دولت‌ها

مواد ۵۵ و ۵۶ منشور ملل متحد دولت‌ها را ملزم می‌کند تا به احترام جهانی و مؤثر حقوق بشر کمک کنند و برای رسیدن به این اهداف، به صورت اقدامات فردی و جمعی با سازمان ملل همکاری کنند.^۲ در پیش‌نویس قانون اساسی اتحادیه اروپا نیز به‌صراحت چنین تعهدی به رسمیت شناخته شده است. این عهدنامه، که در سال ۲۰۰۴ توسط نمایندگان کشورهای عضو اتحادیه اروپا امضا شد، یکی از اهداف اصلی اتحادیه را حفظ صلح، امنیت و توسعه پایدار در جهان می‌داند. در ماده ۴ این پیش‌نویس آمده است که اتحادیه باید به ترویج و حمایت از ارزش‌ها و منافع خود، حمایت از حقوق بشر و حقوق کودکان و رعایت اصول منشور ملل متحد کمک کند.

حمایت از کودکان سرباز

حمایت از کودکان سرباز برای نخستین بار پس از جنگ جهانی دوم، توسط پروتکل‌های اول به عمل آمد و هر کدام به نحوی استفاده از کودکان زیر ۱۵ سال در مخاصمات مسلحانه را ممنوع اعلام کردند. با گسترش معاهدات حقوق بشری، در سال ۱۹۸۹ کنوانسیون حقوق کودک به‌عنوان سندی پذیرفته‌شده در حقوق بین‌الملل به تصویب رسید و در ماده ۳۸ آن، این ممنوعیت استفاده از کودکان در مخاصمات مورد شناسایی قرار گرفت. جنبش جلوگیری از مشارکت کودکان و نوجوانان در جنگ از دهه ۱۹۷۰ میلادی

۱. «حقوق بین‌الملل و امنیت انسانی در هزاره سوم»، آرمین طلعت، نشریه علمی پژوهش‌های حقوقی، مهر ۱۳۹۳.

۲. «منشور ملل متحد»، وبسایت سازمان ملل متحد.

شروع شد. این جنبش به دنبال مقابله با بکارگیری کودکان و نوجوانان به عنوان سرباز و نیروی نظامی در مخاصمات مسلحانه بود. ایران در سال ۱۳۵۵، همراه با کشورهای پاکستان و آمریکا، پروتکل الحاقی کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو را امضا کرد. این پروتکل بر منع مشارکت افراد زیر ۱۵ سال در جنگ تاکید داشت. با این حال، پس از پایان جنگ ایران و عراق، توافقنامه‌های تازه‌ای برای منع بکارگیری کودکان و نوجوانان در جنگ منعقد شدند. از جمله این معاهدات، کنوانسیون حقوق کودک بود که ایران در سال ۱۹۹۱ آن را امضا و در سال ۱۹۹۸ تصویب کرد.

قوانین بین‌المللی در رابطه با ممنوعیت بکارگیری کودکان به عنوان نیروی نظامی بسیار دقیق و جامع هستند. مهم‌ترین این قوانین، پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک است. در ماده ۳۸ این پیمان‌نامه، به صراحت از حکومت‌ها خواسته می‌شود که در هنگام مخاصمات مسلحانه، به قوانین حقوق بشری و کنوانسیون‌ها احترام بگذارند. این ماده از کشورهای عضو تعهد می‌گیرد که تضمین کنند افراد زیر ۱۵ سال به طور مستقیم در مخاصمات مسلحانه شرکت نداشته باشند و حتی المقدور از استخدام آن‌ها در نیروهای مسلح خودداری کنند. هدف این است که کودکان تحت هیچ شرایطی به جنگ یا هرگونه فعالیت نظامی کشیده نشوند.^۱

علاوه بر این، دیوان کیفری بین‌المللی که در ۱۶ ژوئن ۱۹۹۸ تأسیس و در سال ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شد، سربازگیری و ثبت‌نام کودکان زیر ۱۵ سال برای شرکت فعال در مخاصمات مسلحانه را به عنوان جنایت جنگی جرم‌انگاری کرد. دیوان کیفری بین‌المللی پس از گذشت ۱۰ سال از تأسیس، نخستین رای خود را صادر کرد و به طور رسمی اعلام کرد که استفاده از کودکان زیر ۱۵ سال به عنوان سرباز، یک جنایت جنگی است.^۲ حقوق بین‌الملل بشردوستانه (که به حقوق جنگ نیز شناخته می‌شود) دو مفهوم اصلی دارد:

۱. دولت‌ها در انتخاب روش‌ها و سلاح‌های جنگی محدود هستند و نمی‌توانند از هر وسیله‌ای که موجب رنج غیرانسانی و غیرضروری می‌شود، استفاده کنند.

۱. «پیمان حقوق کودک»، وبسایت سازمان ملل متحد.

۲. «مقابله با بحران سربازگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه»، زکيه تقی‌زاده، فاطمه هداوندی، نشریه علمی پژوهش‌های حقوقی، مهر ۱۳۹۱.

۲. از افرادی که در درگیری‌های مسلحانه شرکت ندارند یا به مشارکت خود پایان داده‌اند (از جمله غیرنظامیان، اسیران جنگی، مجروحان و بیماران)، حمایت می‌کند.

این اصول در قالب دو شاخه حقوق بشردوستانه تبلور یافته‌اند: حقوق لاهه و حقوق ژنو. حقوق لاهه، مجموعه‌ای از مقررات است که هدف آن محدود کردن حق دولت‌ها در انتخاب روش‌ها و سلاح‌های جنگی است. نمونه‌های برجسته این اسناد، معاهدات لاهه در سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ هستند. حقوق ژنو نیز مجموعه مقرراتی است که از افرادی که در درگیری‌ها شرکت ندارند یا به مشارکت خود پایان داده‌اند، حمایت می‌کند. مهم‌ترین این اسناد، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) است. با تدوین پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو در سال ۱۹۷۷، این دو شاخه حقوقی در هم ادغام شدند.

پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در ارتباط با ممنوعیت مشارکت کودکان در میدان‌های جنگ، در سال ۲۰۰۲ به تصویب رسید. این پروتکل بر اهمیت حفاظت بیشتر از کودکان و نوجوانان در برابر درگیری‌های نظامی تأکید دارد. بند سوم ماده ۳۸ پیمان‌نامه حقوق کودک از کشورها می‌خواهد که سن ۱۵ سال را به ۱۸ سال افزایش دهند، زیرا در زمان تصویب این پیمان‌نامه در سال ۱۹۸۹، بسیاری از کشورها همچنان از افراد ۱۵ ساله برای ورود به نیروهای نظامی استفاده می‌کردند. هدف این بود که این سن به ۱۸ سال افزایش یابد تا از به‌کارگیری نوجوانان در نیروهای نظامی جلوگیری شود. بند چهارم ماده ۳۸ نیز از کشورها می‌خواهد که از همه غیرنظامیان، به‌ویژه کودکان، در زمان مخاصمات مسلحانه حمایت کنند.

پیمان‌نامه حقوق کودک همچنین یک پروتکل اختیاری دارد که به‌طور ویژه به ممنوعیت استفاده از کودکان به‌عنوان نیروهای نظامی توسط دولت‌ها و گروه‌های نظامی می‌پردازد. این پروتکل تلاش دارد تا هرگونه ارتباط کودکان با نهادهای نظامی را به‌عنوان کودک-سرباز ممنوع اعلام کند.

علاوه بر این، در ۱۲ فوریه ۲۰۰۲، سازمان ملل متحد پروتکل الحاقی کنوانسیون حقوق کودک را تصویب کرد. این پروتکل برای افزایش حفاظت از کودکان در برابر درگیری‌های نظامی ضروری بود. روز جهانی مبارزه با به‌کارگیری کودکان سرباز (روز دست سرخ) از سوی سازمان‌های بین‌المللی مانند عفو بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر و سازمان «تر د زوم»

(سرزمین انسان‌ها) مطرح شد.

در گزارش گلدستون در سال ۲۰۰۸، اعلام شد که خشونت و ویرانی نامتناسب علیه غیرنظامیان، بخشی از سیاست عمدی نیروهای اسرائیلی بوده است.^۱ ماده ۵۱ پروتکل الحاقی کنوانسیون‌های ژنو حمله به نظامیان و غیرنظامیان بدون تفکیک را ممنوع اعلام کرده است. کودکان به‌عنوان یکی از آسیب‌پذیرترین گروه‌ها، هم به‌عنوان غیرنظامی قربانی مخاصمات می‌شوند و هم به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در مخاصمات شرکت داده می‌شوند. این وضعیت در دهه‌های اخیر نمود بیشتری یافته و به یک مشکل جدی در حوزه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه تبدیل شده است.

فراتر از این اسناد، در جهت تقویت حمایت از ممنوعیت استفاده از کودکان در مخاصمات مسلحانه، پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در ارتباط با مشارکت کودکان در جنگ، در سال ۲۰۰۲ به تصویب رسید. پیش از آن نیز، منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک (۱۹۶۶)، اصول و رهنمودهای کیپ‌تاون (۱۹۹۷) و مقاوله‌نامه ۱۹۹۹ سازمان بین‌المللی کار (ILO) مقرراتی در حمایت از ممنوعیت استفاده از کودکان سرباز وضع کرده بودند. با این حال، هر یک از اسناد مذکور، نه تنها به لحاظ شناسایی ناهنجاری‌ها ناقص بودند، بلکه از سازوکارهای اجرایی مناسب و کارآمد نیز برخوردار نبودند و به همین دلیل، استفاده از کودکان سرباز همچنان رو به افزایش بود.

با تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی در ۱۷ ژوئن ۱۹۹۸ و لازم‌الاجرا شدن آن در سال ۲۰۰۲، سربازگیری و ثبت‌نام کودکان زیر ۱۵ سال برای شرکت فعالانه در مخاصمات مسلحانه، جرم‌انگاری شد. با این حال، پس از گذشت ۱۰ سال، دیوان نخستین رأی خود را مبنی بر قلمداد کردن این جرم به‌عنوان جنایت جنگی در ۱۴ مارس ۲۰۱۲ صادر کرد. این رأی در محکومیت «توماس لوبانگا»، فرمانده کنگویی، به اتهام جنایات جنگی و سربازگیری و ثبت‌نام کودکان زیر ۱۵ سال برای شرکت فعال در مخاصمات داخلی کنگو بین سپتامبر ۲۰۰۲ تا اوت ۲۰۰۳ صادر شد. این رأی، آغاز پایان بی‌کیفرماندن جنایتکاران بین‌المللی بود. دیوان در رأی خود تفسیری گسترده از مشارکت کودکان در مخاصمات ارائه داد که تقریباً هر نوع مشارکت، اعم از مستقیم و غیرمستقیم را در بر می‌گیرد.

۱. «متن کامل خلاصه اجرایی گزارش گلدستون درباره جنایات جنگی در غزه»، *خبرگزاری ایسنا*، ۴ آبان ۱۳۸۸.

بدین ترتیب، دیوان به موجب اساسنامه رم، سن ۱۵ سال را به‌عنوان معیار کودکی شناسایی می‌کند که برخلاف کنوانسیون حقوق کودک است، چرا که این کنوانسیون هر فرد زیر ۱۸ سال را کودک می‌داند.

این قوانین نشان می‌دهند که استفاده از کودکان به‌عنوان نیروی نظامی، از منظر قوانین بین‌المللی کاملاً ممنوع است. این اقدام نه تنها برخلاف کنوانسیون حقوق کودک است، بلکه طبق اساسنامه رم دیوان بین‌المللی کیفری، جنایت جنگی محسوب می‌شود. همچنین، بر اساس قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، این موضوع می‌تواند باعث ورود شورای امنیت به موضوع شود.

با این حال، مجلس شورای اسلامی ایران، چندین معاهده بین‌المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک را در سال ۱۳۷۲ با قید شرط حق تحفظ امضا کرده است. این شرط به ایران اجازه می‌دهد که در صورت مغایرت با قانون اساسی یا موازین شرع، از اجرای کامل این معاهدات خودداری کند. به این معنا که ایران با توجه به این شرط، تعهدی نسبت به اجرای تمام بندها و مواد این کنوانسیون‌ها نخواهد داشت. از یک سو، پذیرش چنین شرطی توسط دولت‌های اسلامی می‌تواند به‌عنوان یکی از ضعف‌های قوانین بین‌المللی در این کنوانسیون‌ها تلقی شود و از سوی دیگر، تاکنون هیچ مرجع بین‌المللی مشخصی برای جلوگیری از درج چنین شروطی در معاهدات و کنوانسیون‌ها تعیین نشده است.

در همین راستا، علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، در سخنرانی خود برای اعضای انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان (اول اردیبهشت ۱۳۹۵) گفت: «حضور قدرتمندانه جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا و جهان، مانع پیشرفت دشمنان است. یکی از عرصه‌های حضور ما، مسئله فلسطین و دیگر عرصه مقاومت در سوریه است.» وی همچنین بر تربیت و آموزش کودکان و نوجوانان «متدین، انقلابی، شجاع و فداکار» تأکید کرد و گفت: «باید در مدارس علاوه بر اهتمام به امور درسی دانش‌آموزان، فرصت پرداختن به کارهای انقلابی نیز فراهم شود تا نسل جوان انقلابی به بار آید.»^۱

مطابق فصل دوم و اصول ۱۴۳ تا ۱۵۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بسیج و

۱. «دیدار اعضای انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان با رهبر انقلاب»، *وبسایت علی خامنه‌ای*، ۱ اردیبهشت ۱۳۹۵.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، که در کنار نیروی نظامی و ارتش تأسیس شده‌اند، وظایف خاصی دارند. سازمان بسیج مستضعفین که شامل بسیج دانش آموزی نیز می‌شود، یکی از زیرمجموعه‌های سپاه پاسداران است.

علاوه بر این، شرط ورود به نیروی انتظامی حداقل سن ۱۸ سال تمام است. به این معنا که فرد نباید کمتر از ۱۸ سال داشته باشد. همین شرط سنی برای ورود به نیروی نظامی و ارتش نیز اعمال می‌شود. مهم‌ترین یگان ویژه نیروی انتظامی، پلیس است و برخی از وظایف آن شامل کنترل اجتماعات، مبارزه با اغتشاشات و شرکت در عملیات‌های ویژه مانند خنثی‌سازی بمب است. برای انجام این وظایف، افراد باید مهارت‌هایی همچون رانندگی عملیاتی، تیراندازی، شناخت جنگ‌افزارها و ایجاد وحشت در مهاجم را فرا گیرند که هر یک از این مهارت‌ها آموزش‌های خاص خود را دارند.

کودک-سربازان چگونه به خدمت گرفته می‌شوند؟

اشارات به حضور کودکان و نوجوانان در جنگ‌ها در متون مذهبی و تاریخی بسیاری از ملت‌ها دیده می‌شود. از اسطوره‌های یونان باستان گرفته تا نقاشی‌های مصریان و داستان‌های انجیل، همگی وجود سربازان کودک و نوجوان در جنگ‌ها را تأیید می‌کنند. در جنگ جهانی دوم و در جریان هولوکاست، کودکان یهودی به عضویت گروه‌های مقاومت یهودی درآمدند. همچنین در اروپا، کودکان عضو گروه‌های مقاومت ضدفاشیسم شدند. در سوی دیگر، تعدادی از کودکان در ارتش سرخ اتحاد جماهیر شوروی به جنگ اعزام شدند. در مقابل، سازمان «جوانان هیتلری» در حزب نازی آلمان (حزب ناسیونال‌سوسیالیست کارگران آلمان) تلاش می‌کرد کودکان را از نظر جسمانی و روانی با ایدئولوژی حزب نازی هماهنگ سازد. در پایان جنگ جهانی دوم، بسیاری از کودکان آلمانی وارد ارتش شدند.

جنگ‌های آسیای جنوب شرقی

در جنگ هند و چین در سال ۱۹۶۲، تمامی طرف‌های درگیر از کودکان برای اهداف نظامی استفاده می‌کردند. به‌ویژه خمرهای سرخ (حزب کمونیست حاکم در کامبوج) از کودکان برای اعمال غیرانسانی و نسل‌کشی استفاده کردند.

کودکان در ارتش آمریکا

در آمریکا، افراد بالای ۱۷ سال می‌توانند به ارتش بپیوندند، اما اجازه شرکت در درگیری‌ها به آن‌ها داده نمی‌شود. سربازگیری در آمریکا به صورت اختیاری است و افراد زیر سن قانونی می‌توانند با اجازه والدین خود ثبت‌نام کنند. افراد باید حداقل مدرک دیپلم دوره متوسطه یا معادل آن را داشته باشند. آمریکا به دلیل زندانی کردن کودکان خردسال در جریان جنگ‌های عراق و افغانستان، به شدت مورد انتقاد قرار گرفت. «عمر خدر»، کودکی که در سال ۲۰۰۲ در افغانستان اسیر شد، در دادگاه نظامی محکوم و به مدت پنج سال در زندان گوانتانامو زندانی شد. دیدبان حقوق بشر اعلام کرد که او با افراد بالغ در یک سلول نگهداری می‌شد و مورد آزار جنسی قرار گرفته بود. تلاش‌ها برای آزادی او به شکست انجامید و او اجازه ملاقات با خانواده‌اش را نیافت.

جنگ ایران و عراق (۱۳۵۹-۱۳۶۷)

در دوران جنگ ایران و عراق، کودک-سربازان به عنوان ابزار تبلیغاتی مورد استفاده قرار گرفتند. برخی از این کودکان به خبرنگاران بین‌المللی گفته بودند که داوطلبانه به نظامیان پیوسته‌اند، زیرا به آن‌ها وعده پرداخت پول داده شده بود یا فرصت استفاده از اسلحه به آن‌ها داده شده بود. گروهی دیگر گفته بودند که مجبور به این کار شده‌اند؛ آن‌ها یا از خانه یا مدرسه ربوده شده بودند یا برای آزادی اعضای خانواده خود مجبور به جنگیدن شده بودند. برخی از این کودکان در ایست‌های بازرسی بین شهری با اسلحه بر شانه‌های کوچکشان دیده می‌شدند و برخی دیگر به عنوان پیاده‌نظام به جبهه‌های جنگ فرستاده شده بودند.

منتقدان جمهوری اسلامی ایران معتقدند که در طول جنگ ایران و عراق، کودکان به عنوان سپر انسانی به جبهه‌ها فرستاده می‌شدند. ایران در سال ۱۳۷۲ به پیمان نامه حقوق کودک پیوست، اما با این شرط که در موارد مغایر با مقررات اسلامی از اجرای آن خودداری کند. همچنین، در ایران از کودکان در بسیج و به عنوان ابزار پروپاگاندا استفاده می‌شود.

عواقب مین‌های به جامانده از جنگ ایران و عراق

جمهوری اسلامی ایران در برابر قربانی شدن کودکان بر اثر انفجار مین‌های باقی‌مانده از

جنگ ایران و عراق توجه کافی نشان نداده است. با گذشت بیش از ۳۰ سال از پایان جنگ، هنوز مین‌ها باعث کشته یا معلول شدن تعدادی از مرزنشینان ایران می‌شوند. به‌عنوان نمونه، در ۲۹ آبان، «محمد امین قالبی حاجیوند»، کودک ۱۲ ساله از عشایر بختیاری، در منطقه غرب کرخه بر اثر برخورد با مین باقی‌مانده یک پای خود را از دست داد و به علت جراحات شدید ناشی از ترکش‌های مین، جان باخت. این تنها یکی از موارد متعدد است؛^۱ در سال ۱۳۹۷ نیز کودکی دیگر در نزدیکی جاده مریوان به سرنندج بر اثر انفجار مین، هر دو دست و یک چشم خود را از دست داد. تاکنون بیش از ۴۹ نفر از ساکنان مناطق مرزی قربانی انفجار مین‌ها و مهمات عمل‌نکرده شده‌اند که در میان آن‌ها تعداد قابل توجهی کودک نیز وجود دارد.

طبق کنوانسیون حقوق کودک، که ایران نیز عضو آن است، در بند ۴ از ماده ۳۸ این معاهده، دولت‌ها موظف به محافظت از کودکانی هستند که تحت تأثیر عواقب جنگ قرار گرفته‌اند. متأسفانه، علاوه بر اینکه کودکان در میدان‌های جنگ کشته یا معلول می‌شوند، در میادین آلوده به مین نیز با سرنوشتی مشابه مواجه هستند.

با توجه به اینکه عدم پاکسازی اصولی میادین مین و نقاط آلوده به مین و مهمات منفجر نشده یکی از دلایل عمده این فجایع انسانی در ایران است، این کشور پس از مصر آلوده‌ترین کشور دنیا محسوب می‌شود و از لحاظ تعداد قربانیان مین، در صدر کشورهای آلوده قرار دارد. عدم پذیرش کنوانسیون منع بکارگیری مین‌های زمینی (اتاوا) و نبود سازوکار مستقل و استاندارد برای مقابله با مسئله مین، از دیگر دلایل بروز این حوادث تلخ است. جمهوری اسلامی ایران بر مبنای رعایت قواعد بین‌المللی، ملزم به حفظ جان کودکان و شهروندان در این زمینه است. عدم پاکسازی اصولی بر اساس استانداردهای بین‌المللی پاکسازی (IMAS)، عدم علامت‌گذاری مناطق آلوده و تفکیک مناطق مشکوک طبق دستورالعمل پاکسازی بومی‌شده در نهاد ملی مین، و همچنین عدم برگزاری کارگاه‌های آگاهی‌رسانی از خطرات مین (MRE) از دیگر دلایل قربانی شدن افراد در این مناطق است. رژیم اسلامی تاکنون تمایلی به امضای معاهده منع بکارگیری مین‌های ضد نفر (اتاوا) نشان نداده، اما در کنوانسیون سلاح‌های متعارف خاص (CCW) عضو ناظر است. این

۱. «انفجار مین و جنگ‌های ناتمام»، پرند خالقی، رادیو زمانه.

کنوانسیون، که در سازمان ملل متحد و در ژنو در ۱۰ اکتبر ۱۹۸۰ منعقد و در دسامبر ۱۹۸۳ لازم‌الاجرا شد، تلاش می‌کند استفاده از سلاح‌های متعارفی که بیش از حد مضر محسوب می‌شوند یا اثرات بی‌تفکیک دارند را محدود یا ممنوع کند.

بر اساس بندهای ۱ و ۲ پروتکل اصلاحی دوم این کنوانسیون: «یکی از مهمترین الزامات دولت‌ها، پاکسازی میادین مین است، زیرا عدم تلاش دولت‌ها در این زمینه یکی از علل اصلی تلفات غیرنظامیان محسوب می‌شود.» همچنین، بند ۲ ماده ۳ پروتکل دوم الحاقی تصریح می‌کند که بلافاصله پس از پایان درگیری‌های فعال، تمامی مین‌ها، تله‌های انفجاری و دیگر ابزارها باید پاکسازی یا منهدم شوند، یا در صورت حفظ آن‌ها، اقدامات احتیاطی لازم در نگهداری آن‌ها به عمل آید. همان‌طور که در بند ۲ ماده ۵ آمده است، منطقه مورد نظر باید علامت‌گذاری، حصارکشی و کنترل شود.^۱

یکی از مهم‌ترین اصول حقوق بشردوستانه کنوانسیون ۱۹۸۰ سلاح‌های متعارف خاص، تأمین حمایت حقوقی بهتر از غیرنظامیان در درگیری‌های مسلحانه است. این کنوانسیون و پروتکل‌های الحاقی آن، استفاده از سلاح‌های متعارف موجود و همچنین سلاح‌های متعارف جدید را بر اساس حقوق بشردوستانه بین‌المللی قاعده‌مند می‌کنند.

پس از پایان جنگ ایران و عراق، عملیات مین‌زدایی در مناطق آلوده ایران عمدتاً بر مبنای روش‌های نظامی و میلیتاری بوده که کفایت لازم برای پاکسازی اصولی را نداشته و نیازمند روش‌های نوین پاکسازی است. بر اساس بند ۲ ماده ۵ معاهده اتاوا: «هر یک از دولت‌های عضو تمام تلاش خود را برای شناسایی مناطق مین‌گذاری شده یا مشکوک به مین‌گذاری به کار می‌گیرند و تضمین می‌کنند که این مناطق در کوتاه‌ترین زمان ممکن علامت‌گذاری، حصارکشی و تحت نظارت قرار گیرند تا از ورود غیرنظامیان به این مناطق جلوگیری شود.»

علامت‌گذاری باید مطابق با استانداردهای مندرج در پروتکل ممنوعیت یا محدودیت استفاده از مین‌ها، تله‌های انفجاری و سایر ادوات اصلاحی (۳ می ۱۹۹۶)، الحاقی به کنوانسیون ممنوعیت یا محدودیت کاربرد برخی از سلاح‌های متعارف، انجام شود. در ۲۶ ژوئیه ۲۰۰۵، شورای امنیت سازمان ملل متحد به اتفاق آرا قطعنامه ۱۶۱۲ را

۱. «قواعد رفتاری دولت‌ها در استفاده از مین»، سیدنجم‌الدین قریشی، مجله ویستا.

تصویب کرد. این قطعنامه نخستین گام برای ایجاد سیستم نظارت و گزارش‌دهی به منظور وادار کردن گروه‌هایی بود که از کودکان در جنگ استفاده می‌کنند تا قوانین بین‌المللی را بپذیرند. بخشی از این قطعنامه به کودکان لهستانی که در قیام ورشو در سال ۱۹۴۴ شرکت کرده بودند، اشاره دارد.

بر اساس گزارش یونیسف (UNICEF)، در جریان جنگ یمن بیش از ۶ هزار کودک کشته یا معلول شده‌اند. صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) تازه‌ترین آمار خود را درباره کودکان قربانی جنگ یمن منتشر کرده است که شامل گزارش‌هایی تکان‌دهنده در این زمینه می‌شود. به گزارش ایسنا و به نقل از یورونیوز، این سازمان گزارش کرد که تعداد قربانیان جنگ یمن به ۱۱ هزار تن رسیده و بیش از ۳۷۰۰ تن کشته شده‌اند. همچنین، ۴۰۰۰ کودک نیز به خدمت گرفته شده‌اند. «کاترین راسل» - مدیر اجرایی یونیسف - در گزارشی پس از بازدید از یمن در سال ۲۰۱۰ گفت: «برای کودکان، زندگی به مبارزه برای بقا تبدیل شده است. هزاران نفر از آن‌ها جان خود را از دست داده‌اند و زندگی صدها هزار تن دیگر نیز در خطر مرگ است».^۱

در فهرست یونیسف آمده است که در میان قربانیان، ۳۷۷۴ کودک کشته و ۷۲۴۵ کودک زخمی شده‌اند. تعداد کودکان کشته و زخمی شده بین پایان آخرین آتش‌بس در یمن در اوایل اکتبر تا پایان نوامبر به ۶۲ تن رسید.^۲ همچنین، بین ماه‌های ژوئیه تا سپتامبر ۲۰۲۲، دست‌کم ۷۴ کودک بر اثر مین‌ها و مهمات منفجر نشده کشته یا زخمی شدند. در گزارش یونیسف تاکید شده که این آمار توسط سازمان ملل متحد تایید شده است، اما احتمال دارد که تعداد واقعی قربانیان بسیار بیشتر باشد. همچنین در این گزارش به استثمار کودکان یمنی در جنگ اشاره شده و اعلام گردید که ۳۹۹۵ کودک در یمن به خدمت گرفته شده‌اند. در ادامه گزارش آمده است که در جنگ یمن، ۴۴۵ کودک دستگیر، ۱۵۲ کودک ربوده شده و ۴۷ کودک مورد خشونت جنسی قرار گرفته‌اند.

در زمینه نیازهای بشردوستانه، این گزارش نشان می‌دهد که بیش از هشت سال است که از مجموع ۳۰ میلیون نفر جمعیت یمن، بیش از ۲۳ میلیون تن، از جمله ۱۲ میلیون

۱. «گزارش تکان‌دهنده یونیسف از ۱۱۰۰۰ کودک قربانی جنگ یمن»، *خبرگزاری ایسنا*، ۲۱ آذر ۱۴۰۱.

۲. همان.

و ۹۰۰ هزار کودک، به کمک و حمایت بشردوستانه نیاز دارند. حدود دو میلیون و ۲۰۰ هزار کودک در یمن از سوء تغذیه حاد رنج می‌برند که ۵۴۰ هزار نفر از آن‌ها زیر پنج سال هستند. همچنین، نزدیک به ۱۸ میلیون نفر، از جمله ۹ میلیون و ۲۰۰ هزار کودک، از کمبود آب، بهداشت و خدمات بهداشتی رنج می‌برند. یونسف اعلام کرده است که بخش آموزشی یمن نیز وضعیت وخیمی دارد؛ دو میلیون کودک از مدرسه بازمانده‌اند و این تعداد ممکن است در آینده به شش میلیون کودک برسد، زیرا حداقل یک مدرسه از هر چهار مدرسه در یمن ویران شده یا آسیب دیده است. سازمان ملل متحد در آپریل ۲۰۲۲ اعلام کرد که حدود ۳۵۰۰ کودک در جنگ داخلی یمن به کار گرفته شده‌اند. با وجود این، آسوشیتدپرس در سال ۲۰۱۸ به نقل از یک مقام ارشد نیروهای حوثی گزارش داد که این گروه تا آن زمان ۱۸ هزار کودک-سرباز را به کار گرفته است.

حملات ائتلاف اعراب به رهبری عربستان سعودی عامل اصلی مرگ بخش قابل توجهی از کودکان یمن بوده است؛ با این وجود، مشخص نیست که چه تعداد از کشته‌شدگان این جنگ، کودک-سربازانی بوده‌اند که در هر دو سوی جبهه به کار گرفته شده‌اند.

همانگونه که اشاره شد، در طول جنگ ایران و عراق نیز کودک-سربازی جلوه پررنگی داشت. روایت‌های رسمی و مورد تمجید حکومت نیز در این مورد وجود دارند. خبرگزاری‌های رسمی از نوجوانی ۱۱ ساله به نام «مرحمت بالازاده» می‌گویند که موفق شده بود موافقت کتبی علی خامنه‌ای، رئیس‌جمهور وقت، را برای اعزام به جبهه جلب کند. خبرگزاری تسنیم می‌نویسد که او برای جلب موافقت برای اعزام به جبهه علی‌رغم سن پایین به رئیس‌جمهور وقت گفته بود: «بگویید دیگر روضه قاسم را نخوانند، چون او هم ۱۳ ساله بود که در کربلا جنگید و شهید شد».^۱

بر اساس گزارش‌های بین‌المللی در طی سال‌های جنگ ایران و عراق: «اعزام چند صد هزار کودک به کشتارگاه توسط جمهوری اسلامی، بزرگترین کشتار کودکان در تاریخ جهان است. در این فاجعه، ۳۰۰ هزار کودک ایرانی به قتلگاه فرستاده شدند. این کودکان غالباً از کلاس‌های درس روانه جبهه‌ها شدند و به آن‌ها گفته می‌شد که پس از شهادت، با کلید پلاستیکی که از سوی نایب امام زمان به آن‌ها داده شده بود، درهای بهشت را باز

۱. «مرحمت بالازاده؛ شهید ۱۱ ساله‌ای که حکم جهادش را از دستان مقام معظم رهبری گرفت»، *خبرگزاری تسنیم*، ۱۰ آبان ۱۳۹۵.

خواهند کرد و خانواده‌های خود را به آنجا خواهند برد.^۱

اگرچه تاکنون آماری رسمی و قابل اتکا از تعداد کودکان یا نوجوانان ایرانی که در جبهه‌های جنگ کشته شده‌اند در دست نیست، «محسن کاظمینی» - فرمانده سپاه محمد رسول الله - در اکتبر ۲۰۱۳ اعلام کرد که «یک سوم رزمندگان و یک چهارم شهدای دفاع مقدس فرهنگی و دانش‌آموز بوده‌اند».^۲

آیا فعالیت سازمان بسیج دانش‌آموزی در ایران و عضویت برخی از دانش‌آموزان در این سازمان می‌تواند مصداق کودک-سرباز باشد؟ آیا عضوگیری دانش‌آموزان در سازمان بسیج دانش‌آموزی که زیرمجموعه بسیج و سپاه پاسداران است و سپاه نیز شاخه‌ای از نیروهای مسلح ایران محسوب می‌شود، می‌تواند مغایر با قوانین ایران و ناقض حقوق کودکان باشد؟

سازمان بسیج دانش‌آموزی

بسیج دانش‌آموزی نهادهای است که با هدف پاسداری از ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی تأسیس شده و انحلال آن فقط در صورت انحلال حکومت اسلامی قابل تصور است.

به موجب اساسنامه بسیج، مصوب مجلس اسلامی در سال ۱۳۶۱، هر شهر ایران به چند «منطقه مقاومت» بسیج تقسیم شده و هر منطقه به چند «ناحیه مقاومت» تقسیم می‌شود. هر ناحیه نیز به چند «پایگاه مقاومت» تقسیم شده و هر پایگاه شامل «گروه‌های» سازمان‌یافته است. در هر شهرک یا روستای ایران نیز یک «هسته مقاومت» بسیج وجود دارد. نیروهای سازمان بسیج مستضعفین در قالب شاخه‌های مختلفی سازماندهی شده‌اند، از جمله: بسیج دانشجویی، بسیج دانش‌آموزی، بسیج اصناف، بسیج ادارات، بسیج کارگری، بسیج روستایی، بسیج محلات و غیره. در تمامی ادارات، دانشگاه‌ها، مدارس، کارخانه‌ها، روستاها و محلات پایگاه‌های بسیج وجود دارند که وظیفه جذب و سازماندهی داوطلبان را برعهده دارند. پایگاه‌های بسیج محلات پر تعدادترین واحدهای بسیج هستند که تقریباً در تمام محلات تهران و شهرستان‌ها وجود دارند.

در اساسنامه بسیج مستضعفین، بسیج اینگونه تعریف شده است: «بسیج نهادهای است

۱. «کودک-سرباز، ابژه‌ای مومنانه و نظام؛ مغایر با حقوق کودک»، نیره انصاری، پژواک ایران.

۲. «یک‌چهارم شهدای دفاع مقدس فرهنگی و دانش‌آموز بوده‌اند»، مشرق‌نیوز، ۸ آبان ۱۳۹۲.

تحت فرماندهی مقام معظم رهبری که هدف آن نگرهبانی از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن، جهاد در راه خدا و گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان است، به موجب قوانین جمهوری اسلامی و تقویت کامل بنیه دفاعی از طریق همکاری با سایر نیروهای مسلح و همچنین کمک به مردم هنگام بروز بلا و حوادث غیرمترقبه.^۱

اهداف بسیج دانش آموزی

- بسیج دانش آموزی یک سازمان شبه دولتی است که پیشینه شکل گیری آن به سال ۱۳۵۸ و تشکیل بسیج مستضعفین در خلال جنگ ایران و عراق بازمی گردد. در قانون مصوب سال ۱۳۷۵، اهداف زیر به عنوان مأموریت های بسیج دانش آموزی ذکر شده است:
- جذب دانش آموزان و سازماندهی آن ها در قالب واحدهای بسیج دانش آموزی مدارس.
 - آموزش آمادگی دفاعی به دانش آموزان.
 - ایجاد روحیه همیاری، مسئولیت پذیری، و آمادگی دفاع همه جانبه از انقلاب اسلامی در دانش آموزان.
 - گسترش فرهنگ و تفکر بسیجی در بین دانش آموزان سراسر کشور.

وظایف سازمان بسیج دانش آموزی

- آشنا کردن دانش آموزان با بسیج و ترویج فرهنگ و تفکر بسیجی در بین آن ها.
- جذب و سازماندهی دانش آموزان بسیجی.
- ارائه آموزش های نظامی و تخصصی به اعضای بسیج دانش آموزی.
- تقویت روحیه همیاری، مسئولیت پذیری و دفاع از انقلاب اسلامی.
- ارتقای سطح فرهنگی دانش آموزان بسیجی و ترویج روحیه انقلابی در آن ها.
- الگوسازی برای نوجوانان و دانش آموزان کشور.
- ایجاد و تقویت ارتباط اعضای بسیج دانش آموزی با پایگاه های مقاومت محلی و دانشجویی.
- گرامیداشت حماسه دفاع مقدس و شهدای دانش آموز.

۱. «معرفی بسیج»، برگرفته از دانشگاه آزاد اسلامی؛ واحد علوم و تحقیقات.

تعداد کشته‌شدگان نظامی در جنگ ایران و عراق به صورت رسمی ۲۲۴ هزار تن اعلام شده است که این نشانگر کشته‌شدن ده‌ها هزار نوجوان ایرانی در جنگ است. بسیاری از این نوجوانان با حداقل آموزش نظامی، گاه تنها به مدت سه ماه، به جبهه‌ها اعزام می‌شدند. در تبلیغات حکومتی بر این نکته تأکید شده که بسیاری از کودکان و نوجوانان با اصرار و التماس و بر خلاف میل بزرگترها به جبهه می‌رفتند.

با وجود کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی که بر ممنوعیت عضوگیری کودکان و نوجوانان برای جنگ و درگیری‌های مسلحانه تأکید دارند، در دوران بین بهمن ۱۳۵۷ و پایان جنگ در ۱۳۶۷، هیچ معاهده‌ای برای منع استفاده از کودکان و نوجوانان در جنگ توسط جمهوری اسلامی تصویب نشد.^۱

پس از جنگ نیز همچنان مقامات جمهوری اسلامی، با وجود امضای معاهدات بین‌المللی، همچنان فرهنگ شهادت‌طلبی را در میان کودکان و نوجوانان ترویج می‌کنند. بسیج دانش‌آموزی نقشی کلیدی در این تبلیغات ایفا می‌کند.

این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که سازمان‌های دفاع از حقوق کودکان امروز از به‌کارگیری سربازان نوجوان در حزب‌الله لبنان نیز سخن به میان می‌آورند. حزب‌الله لبنان بسیاری از آموزش‌های نظامی خود را از سپاه پاسداران در ایران دریافت می‌کند. استفاده از کودکان در جنگ همواره به عنوان یک «جنایت جنگی» در فرهنگ عمومی ملت‌ها محکوم شده است، اما این محکومیت مانع از ادامه استفاده از کودکان سرباز نشده است.

حق و مسئولیت کودک

در وهله نخست، مفهوم حق و مسئولیت یک امر عقلانی است؛ یعنی انسان‌ها تا چه حد در رفتارهای خود حق دارند و در صورت رفتار غیرعقلانی تا چه میزان مسئول قلمداد می‌شوند. بنابراین بحث «عقلانیت» در خصوص «صاحب حق» و «صاحب مسئولیت» مطرح است.

۱. «کودک-سرباز، ابراهام مومنانه و نظام؛ مغایر با حقوق کودک»، نیره انصاری، پژوهاک ایران.

از منظر حقوقی، کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی به تفکیک گروه‌های سنی زیر ۱۸ سال (کودک) و بالاتر از ۱۸ سال (غیر کودک و بالغ) پرداخته‌اند. این تفکیک بر چه مبنایی استوار است؟ در واقع نشان‌دهنده بلوغ عقلانی برای دارا بودن حقوق و مسئولیت‌های ویژه است. در جرائم کودکان، فرایندهای تربیتی و اصلاحی اعمال می‌شود تا از آنان شهروندانی مفید ساخته شود. برخی کشورها ممکن است سن بلوغ مدنی را ۱۶ سالگی اعلام کنند. حتی اگر حمایت از حقوق کودکان به صورت رسمی در تاریخ وجود نداشت، بسیاری از جوامع به‌طور اخلاقی از کودکان محافظت می‌کردند.

در حکمرانی متمدنانه، بحث «دفاع ملی» باید با حقوق دانان و حاکمان همگام باشد. با این حال، در ایران و برخی کشورها مانند عراق، با مفهومی به نام «بسیج نیروهای غیرحرفه‌ای» روبه‌رو هستیم. پس از بهمن ۱۳۵۷، جنگی بر جامعه تحمیل شد و گروه‌های مختلف، به‌ویژه نیروهای بسیج، وارد آن شدند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۱ به موازات ارتش تأسیس شد و نیروهای داوطلب، از جمله بسیج، به‌عنوان نیروهای دفاعی از تمامیت ارضی کشور فعالیت خود را آغاز کردند.

با این حال، بسیج به‌مرور ماهیت خود را تغییر داد و به ابزاری برای کنترل اعتراضات داخلی تبدیل شد. پلیس که وظیفه کاهش خشونت را دارد، نباید بسیج را که متشکل از نیروهای داوطلب است، وارد صحنه شهری کند. چنین اقدامی غیرقانونی محسوب می‌شود، زیرا جان معترضان در خطر است و حکمرانان و مسئولان نهادهای نظامی، حقوقی، قضایی و اجرایی فاقد اختیار قانونی برای ورود بسیجیان به حوزه شهری و مقابله با معترضان مدنی هستند. آن‌ها اجازه ندارند برای کاهش اعتراضات، سلاح سرد یا گرم در اختیار نیروهای انتظامی و بسیج قرار دهند، زیرا معترضان افراد غیرنظامی و فاقد سلاح هستند. در واقع، حکمرانی بد در ایران راهی برای اعتراضات، مطبوعات آزاد، احزاب مدنی و سیاسی باقی نگذاشته و این کشور با بحران‌های ساختاری و مشکلات لاینحل مواجه است که بر جامعه ایران تحمیل شده است. در این شرایط، مردم دیگر فقط معترض نیستند، بلکه خشمگین‌اند و خواهان براندازی!

از سوی دیگر، مفهوم کودک-سرباز را می‌توان در سروده «سلام فرمانده»^۱ بازشناسی

۱. این سروده را در این‌جا می‌توانید گوش کنید.

کرد. در این شعر، کودکان با لباس خاص [شبه یونیفرم] حضور دارند و دو کلیدواژه به عنوان مؤلفه‌های تثبیت اهداف ایدئولوژیکی، سیاسی و نظامی به کار رفته است:

۱. تبدیل شدن کودکان به «ایمان‌مداران تراز».

۲. الگوبرداری کودکان از قاسم سلیمانی، یعنی یک «نظامی تراز».

آسیمی که به کودکان وارد می‌شود این است که اصرار جمهوری اسلامی بر آموختن مفاهیم «جمهوری و جمهوریت» نیست و تمایلی به ساختن اَبژه‌های مدنی از کودکان ندارد. آن‌ها بیشتر بر «اَبژه مؤمنانه» تأکید دارند که بر اساس ماهیت ایمانی‌اش، اسلام را محور قرار داده و غیر خود را کافر و ملحد می‌داند.

در این میان، تحلیل مدنی صورت نمی‌گیرد و اَبژه نظامی نیز در قالب فرهنگ کودک-سربازانی که زیر سن تشخیص و انتخاب آگاهانه هستند، شکل می‌گیرد. این مطالب، در واقع، در حوزه انتخاب کودکان قرار ندارد و مسئولیت تعلیم فرهنگ کودک-سربازان بر عهده حاکمیت است.

نکته دیگر؛ اکنون در کشمکش‌های خیابانی و نقد مفهوم کودک-سرباز، به مسلح شدن نیروها و مفهوم «آتش به اختیار» که حکمی حکومتی از سوی علی خامنه‌ای، رهبر نظام است، می‌رسیم. این دستور تبعات حقوقی جدی دارد و به کارگیری «لباس شخصی‌ها» و «کودک-سربازان» در قالب فرهنگ بسیج، غیر اخلاقی، فاقد وجهت حقوقی و حقوق بشری است، و هزینه‌های سنگین این مفاهیم نادرست را مردم پرداخت می‌کنند.

قوانین مربوط به کودکان سرباز در ایران

در ایران، قانون صریحی درباره ممنوعیت استفاده از کودکان به عنوان نیروی نظامی وجود ندارد. قانون خدمت وظیفه عمومی اشاره می‌کند که افراد ذکور پس از رسیدن به سن ۱۸ سالگی به خدمت عمومی فراخوانده می‌شوند. اما هیچ قانونی که به صراحت ممنوعیت استفاده از کودکان به عنوان نیروی نظامی یا کودک-سربازی را اعلام کند، وجود ندارد.

از آن‌جا که ایران به پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک پیوسته و آن را تصویب کرده است، بر اساس قانون مدنی، پیمان‌نامه‌های جهانی که توسط ایران امضا و در مجلس

تصویب شده‌اند، به مانند قوانین داخلی تلقی می‌شوند و حکومت موظف به اجرای آن‌ها است. در نتیجه، می‌توان پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک را که در ایران تضمین شده، به عنوان قانونی در زمینه ممنوعیت استفاده از کودکان در نیروهای نظامی در ایران تلقی کرد ایران به همراه هفت کشور دیگر از جمله لبنان، سومالی، زامبیا و ... به پروتکل اختیاری حقوق کودک در مورد شرکت کودکان در جنگ نپیوسته است؛ اگرچه این پروتکل را امضا کرده، اما در مجلس به تصویب نرسانده است. دلایل این امر مشخص نیست، اما زمانی که قرار شد این پروتکل در مجلس بررسی شود، بسیاری از نهادها، به‌ویژه سپاه پاسداران، به آن اعتراض کردند و پرسیدند چرا ایران باید به این پروتکل اختیاری بپیوندد؟ بنابراین، اگرچه قانون مشخصی در این زمینه وجود ندارد، الحاق رژیم اسلامی به کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک با شرط حق تحفظ کلی از سوی حکومت پذیرفته شده است.

حق شنیده‌شدن صدای کودکان در قانون اساسی

از اساسی‌ترین دلایل حضور دانش‌آموزان به عنوان یکی از بزرگترین بخش‌های جمعیتی کشور در اعتراضات گسترده، نشنیده‌شدن صدای آن‌ها است. در قانون اساسی حق شنیده‌شدن به کودکان داده شده، به این معنا که قانون‌گذار، دستگاه‌های فرهنگی و اجتماعی حوزه کودکان را مکلف کرده که زمینه شنیدن اعتراضات کودکان را فراهم کنند و نگذارند اعتراضات به مرحله رفتارهای خشونت‌آمیز برسد.

وضع قوانین کشور در حوزه کودکان زیر ۱۸ سال از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۹ در دستور کار قانون‌گذاران قرار گرفته است، اگرچه برای اجرایی‌شدن حقوق کودک در چارچوب حقوق داخلی، «حق شرط تحفظ / عدم ایفای تعهد» در کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ لحاظ شده است.

به موجب ماده ۱۹ کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات، که به بحث از صورت‌بندی تحفظ در معاهدات بین‌المللی می‌پردازد، هر کشوری با سه شرط می‌تواند نسبت به یک معاهده اعلام تحفظ کند. شرط سوم این است که تحفظ «با هدف و مقصد

معاهده ناسازگار نباشد»^۱ افزون بر این، از نظر اصولی نیز شرط خلاف مقتضای عقد، مفسد اصل عقد است و الحاق با چنین شرطی اساساً باطل است.

برای نمونه، قائل شدن «حق شرط تحفظ» حکومت جمهوری اسلامی در سال ۱۳۷۲ نسبت به کنوانسیون حقوق کودک، که مشابه اعلام «حق تحفظ» سند آموزش ۲۰۳۰ است، این حق را به دولت اسلامی در ایران می‌دهد که در برخی موارد که قوانین بین‌المللی حقوق کودک با موازین شرعی همخوانی ندارند، بر اساس قوانین داخلی خود عمل کند، نه قوانین جهانی.

نخستین بار در ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ از «حق شنیده شدن کودکان» سخن به میان آمد، اما ۳۲ سال طول کشید تا در بند هشتم ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ این حق مورد اشاره قرار گیرد.^۲

یکی از اساسی‌ترین اصول پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک، به رسمیت شناختن حق آزادی فکر و عقیده کودک و ممنوعیت تحمیل عقیده به کودکان است. اما در عمل، نوع آموزش ایدئولوژیکی که در بسیج دانش‌آموزی رخ می‌دهد، می‌تواند مصداق تحمیل عقیده به کودک باشد. علاوه بر این، بنا بر ماده ۲۹ کنوانسیون جهانی حقوق کودک، آموزش به کودکان باید بر اساس اصول پذیرفته‌شده جهانی حقوق بشر باشد، که آموزش ایدئولوژیک در بسیج دانش‌آموزی با این اصول مغایرت دارد. از این رو، عضویت دانش‌آموزان در بسیج دانش‌آموزی، اگرچه مغایر با قوانین داخلی ایران نیست، اما با متن کنوانسیون جهانی حقوق کودک مغایرت دارد.

از دیگر اصول کلی کنوانسیون حقوق کودک این است که کودکان حق دارند در تصمیماتی که روی آن‌ها تأثیر می‌گذارد مشارکت کنند و به حرف آن‌ها گوش داده شود. حقوق مشارکت به سطح رشد کودکان وابسته است و بر این اساس اعمال می‌شود. این امر به حمایت از پیشرفت آن‌ها و همچنین به کمک به همه افراد برای گرفتن تصمیمات آگاهانه‌تر و تقویت کل جامعه می‌انجامد.

۱. «عهدنامه ۱۹۶۹ وین در خصوص حقوق معاهدات»، مجله حقوقی بین‌المللی.

۲. «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان»، مصوب ۱۳۹۹، وبسایت اختیاری.

کودکان مانند بزرگسالان حق دارند نظرات خود را بیان کرده و به‌طور مسالمت‌آمیز اعتراض کنند. امروزه در سراسر جهان کودکان و جوانان از این حق استفاده می‌کنند و برای عدالت محیط زیستی و برابری نژادی به پا خاسته‌اند. با این حال، دیدگاه‌های آن‌ها هنوز اغلب نادیده گرفته یا رد می‌شود.

نبود ساختار اجتماعی و اقتصادی مناسب برای ایجاد کانالی که بتواند بازتاب‌دهنده نقطه‌نظرات و اعتراضات دانش‌آموزان باشد و عدم اقدام جدی آموزش و پرورش برای بسترسازی حق شنیده شدن کودکان، از مشکلات اصلی است که تاکنون رفع نشده است. حال آنکه در نظام دادرسی اقتراقی، اصل بر ترمیم است نه برخورد.

مسئولیت کیفری کودکان در قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی

کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال بر اساس قوانین بین‌المللی و کنوانسیون حقوق کودک، کودک محسوب شده و دارای مسئولیت کیفری نیستند. اقدام نیروهای سرکوبگر انتظامی و امنیتی در ایران، بر اساس کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، مربوط به قانون جنگ و اخلاق جنگ، به‌ویژه ممنوعیت حمله به غیرنظامیان و به گروگان گرفتن آن‌ها، و نیز ماده ۸ اساسنامه رم و دیوان کیفری بین‌المللی مصوب ۱۹۹۸، مصداق بارز جرائم جنگی است.

گستره حق و مسئولیت کودک بر پایه قوانین در ایران

در سال ۱۳۸۱، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان برای افراد زیر ۱۸ سال هرگونه اذیت و آزار که باعث صدمه جسمانی، روانی یا اخلاقی شود و سلامت جسمی یا روانی آن‌ها را به خطر اندازد، همچنین هرگونه بهره‌کشی، به‌کارگیری و نادیده گرفتن سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان را جرم‌انگاری کرد. همچنین ماده ۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، موارد زیر را در صورتیکه کودک یا نوجوان را در معرض بزه‌دیدگی یا ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت یا وضعیت آموزشی قرار دهد، به عنوان وضعیت مخاطره‌آمیز محسوب کرده و موجب مداخله و حمایت قانونی می‌شود. بند ژ این ماده، هر نوع سوءرفتار نسبت به کودک و نوجوان و یا بهره‌کشی از آن‌ها را شامل می‌شود.

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹

ماده ۱- اصطلاحات به کار رفته در این قانون به شرح زیر تعریف می‌شود:

(الف) طفل: هر فردی که به سن بلوغ شرعی نرسیده است.

(ب) نوجوان: هر فرد زیر ۱۸ سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است.

(ذ) خطر شدید و قریب‌الوقوع: وضعیتی که حیات یا سلامت جسمی یا روانی کودک یا نوجوان را به شدت تهدید کند و مداخله فوری را ایجاب نماید.

ماده ۳- مواردی که کودک یا نوجوان را در معرض بزه‌دیدگی یا ورود آسیب قرار دهد، «وضعیت مخاطره‌آمیز» محسوب شده و حمایت قانونی از کودک را می‌طلبد. بند ژ سوءرفتار نسبت به کودک یا بهره‌کشی از او را شامل می‌شود.

ماده ۶- دستگاه‌ها و نهادهای زیر، در راستای تحقق اهداف این قانون عهده‌دار وظایف زیر می‌باشند:

(الف) سازمان بهزیستی کشور مکلف است:

- ۱- با همکاری مددکاران اجتماعی و نیروی انتظامی نسبت به شناسایی، پذیرش و توانمندسازی کودکان موضوع این قانون اقدام کند.
 - ۲- از همکاری دستگاه‌های اجرایی در چارچوب وظایف قانونی خود استفاده کند
- قانون حمایت از کودکان و نوجوانان شرایط خطر را پیش‌بینی کرده، اما تأکید کافی بر ضرورت توجه نهادهای حقوقی به این امر ندارد.

مسئولیت کیفری کودکان در قوانین و اسناد بین‌المللی

در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، حق آزادی و امنیت شخصی در پی لغو کامل اقدام‌های سلب‌کننده آزادی شخصی از سوی دولت نیست، بلکه درصدد است تا سلب آزادی شخصی را نظم‌بخشی کند. به عبارت دیگر، حق آزادی و امنیت شخصی تلاش می‌کند تا

ضمانت‌های قانونی این آزادی را فراهم کند و افراد را از سلب خودسرانه یا غیرقانونی آزادی محافظت کند. عنصر امنیت، این حق را به تعهدات و مسئولیت‌های اساسی دولت‌ها اضافه کرده است. این عنصر موجب شده تا گستره این حق از شرایط شکلی آزادی فیزیکی فراتر رود و شامل شئون دیگری شود، مانند پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که به «حق رفتار انسانی» اشاره می‌کند.

بر اساس آنچه گفته شد و با توجه به قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی به‌ویژه کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی، عضوگیری کودکان سرباز بر اساس مواد ۷ و ۸ اساسنامه رم/دیوان کیفری بین‌المللی مصوب ۱۹۹۸ و اجرای آن در سال ۲۰۰۲، مصداق جنایت علیه بشریت و جرم جنگی است. همچنین طبق ماده ۲۷ اساسنامه رم، این موارد بدون در نظر گرفتن سمت رسمی افراد اجرا می‌شود و رئیس دولت، نمایندگان مجلس و دیگر مسئولان از مسئولیت کیفری معاف نخواهند بود. ماده ۲۸ و بندهای ۱ و ۲ همان منبع تصریح می‌کند که فرماندهان نظامی یا افرادی که وظایف نظامی را بر عهده دارند، واجد مسئولیت کیفری خواهند بود.^۱

پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا می‌توان از سپاه پاسداران و بسیج ایران به دلیل استفاده تبلیغاتی از کودکان با لباس نظامی و آوردن آن‌ها به خیابان‌ها در هنگام اعتراضات، به نهادهای حقوق بشری و دادگاه‌های بین‌المللی شکایت کرد؟

بر این اساس، می‌توان شکواییه‌ای را علیه مسئولان نظامی و انتظامی، به‌ویژه علی خامنه‌ای به‌عنوان فرمانده کل قوا، و دیگر نهادهای حقوقی، قضایی و اجرایی تنظیم کرد و به نهادهای حقوق بشری از جمله شورای حقوق بشر سازمان ملل، صلیب سرخ جهانی، صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل (یونیسف)، و با توصیه شورای امنیت سازمان ملل به دیوان بین‌المللی دادگستری تسلیم نمود.

ربایش کودکان اوکراینی از مناطق اشغال‌شده توسط نیروهای نظامی روسیه!

طی حمله ارتش روسیه به اوکراین، صدها هزار کودک در خشونت‌هایی که کشورشان را فرا گرفته است، گرفتار شده‌اند و مجبور به سفرهای طولانی برای رسیدن به امنیت شده‌اند.

۱. «متن کامل اساسنامه دادگاه جنایی بین‌المللی رم»، مرکز اسناد حقوق بشر ایران.

شمار زیادی از کودکان اوکراینی نیز در این تهاجم کشته و زخمی شده‌اند. دست‌کم ۳۳۰ هزار کودک در ۸۰ کشور جهان به دلیل مهاجرت یا پناهندگی در بازداشتگاه‌های ویژه مهاجران نگهداری می‌شوند. بسیاری از آن‌ها به اجبار از والدین و خانواده خود جدا می‌شوند. بر اساس گزارش الجزیره در فروردین ۱۴۰۲ / مارس ۲۰۲۳، اوکراین تخمین زده است که نزدیک به ۱۹ هزار و ۵۰۰ کودک از زمان تهاجم مسکو در فوریه سال گذشته به روسیه برده شده‌اند، که آن را تبعید غیرقانونی توسط مسکو می‌خواند. مسکو که بخش‌هایی از شرق و جنوب اوکراین را کنترل می‌کند، این ادعا را رد کرده و می‌گوید که این کودکان برای امنیت خودشان منتقل شده‌اند.

«مایکلا کولبا» - بنیان‌گذار مؤسسه نجات اوکراین - گفت: «کنون، پنجمین مأموریت امداد و نجات نزدیک به اتمام است. این مأموریت از نظر تعداد کودکانی که ما موفق به بازگرداندن آن‌ها شدیم و همچنین به دلیل پیچیدگی آن، بسیار خاص بود.»

کولبا افزود که تمامی کودکانی که به کمک مؤسسه نجات اوکراین بازگردانده شده‌اند، گفته‌اند که هیچ‌کس در روسیه قصد یافتن والدینشان را نداشته است. او گفت: «بچه‌هایی بودند که طی پنج ماه، پنج بار تغییر مکان داده شده بودند. برخی از کودکان می‌گویند که با موش‌ها و سوسک‌ها زندگی می‌کردند.»^۱

این کودکان از بخش‌های اشغالی خارکف و خرسون اوکراین به اردوگاه‌هایی که روس‌ها آن‌ها را اردوگاه تابستانی می‌نامند، برده شده بودند. سه کودک - دو پسر و یک دختر - در نشست خبری در کیف حضور داشتند. مؤسسه نجات اوکراین گفت که آن‌ها در مأموریت نجات قبلی به همراه ۱۵ کودک دیگر به اوکراین بازگردانده شدند. این کودکان گفتند که مجبور بودند چهار تا شش ماه در کمپ‌های تابستانی بمانند و طی اقامتشان بارها از جایی به جای دیگر منتقل شدند. ویتالی، یکی از این کودکان، گفت: «با ما مثل حیوانات رفتار می‌شد. ما در یک ساختمان جداگانه زندانی بودیم.» او افزود که به آن‌ها گفته شده بود که والدینشان دیگر آن‌ها را نمی‌خواهند.^۲

«جوناهال»، خبرنگار الجزیره که از کیف گزارش می‌داد، گفته بود که گمان می‌رود

۱. «گزارش یک جنایت جنگی»، *اکیو ایران*، ۲۰ فروردین ۱۴۰۲.

۲. همان.

هزاران کودک اوکراینی همچنان در روسیه باقی مانده‌اند. برخی از آن‌ها به همراه والدین خود تصمیم به ماندن در روسیه گرفته‌اند، اما تعداد بیشتری به‌طور غیرقانونی و به زور در روسیه نگهداری می‌شوند. شواهد بازگشته‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها برخلاف میل خود بازداشت شده و مورد رفتار تحقیرآمیز، تبلیغ و تلقین قرار گرفته‌اند.

دادگاه کیفری بین‌المللی در ماه گذشته حکم بازداشت ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، و «ماریا لووا-بلوا» - کمیسر حقوق کودکان روسیه - را صادر کرد و آن‌ها را به ربودن کودکان اوکراینی متهم کرد.

مסקو این برنامه را که بر اساس آن هزاران کودک اوکراینی از مناطق^۱ اشغالی به روسیه برده شده‌اند، انکار نمی‌کند، اما آن را به‌عنوان یک کمپین بشردوستانه برای محافظت از یتیمان و کودکان رهاشده معرفی می‌کند. روسیه اتهامات دیوان کیفری بین‌المللی را رد کرده و صلاحیت دادگاه را به رسمیت نمی‌شناسد. لووا-بلوا، که در سپتامبر ۲۰۲۰ به عنوان کمیسر فدرال حقوق کودکان روسیه منصوب شد، متهم به نظارت بر تبعید اجباری کودکان اوکراینی در جریان تهاجم روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ شده است.

لووا-بلوا پس از این اتهامات، توسط بریتانیا، اتحادیه اروپا، ایالات متحده و ژاپن تحریم شد. حکم دستگیری او در ۱۷ مارس ۲۰۲۳ توسط دیوان کیفری بین‌المللی صادر شد که مدعی است او مسئول اخراج غیرقانونی کودکان از اوکراین به روسیه در طول تهاجم بوده است. حکم مشابهی برای ولادیمیر پوتین نیز صادر شده است.

در یک کنفرانس مطبوعاتی، لووا-بلوا ادعا کرد که کمیسیون او به دلایل بشردوستانه برای محافظت از منافع کودکان در مناطق جنگی فعالیت می‌کند و هیچ‌کس را برخلاف میل خودش یا والدینش منتقل نکرده است.

«کاترینا راشفسکا»، یک وکیل از مرکز منطقه‌ای حقوق بشر اوکراین، در جلسه توجیهی گفت که آن‌ها در حال جمع‌آوری شواهدی برای تشکیل پرونده‌ای هستند مبنی بر اینکه مقامات روسی عمداً از بازگشت کودکان اوکراینی به کشورشان جلوگیری می‌کنند. او افزود: «در هر داستان، طیفی از نقض قوانین بین‌المللی وجود دارد که نمی‌تواند بدون مجازات باقی بماند.»

نقض حقوق کودکان در مناطق درگیری

«آنتونیو گوترش»، دبیرکل سازمان ملل متحد، در گزارش سالانه خود در تاریخ ۲۳ ژوئن ۲۰۲۳ درباره نقض حقوق کودکان در حدود ۲۰ منطقه درگیری در سراسر جهان، روسیه را به دلیل کشتن و معلول کردن کودکان در جنگ اوکراین به «فهرست شرمساری» خود اضافه کرد. سازمان ملل متحد در این گزارش، اسامی دولت‌ها، نهادها و سایر گروه‌های مسلحی را که کودکان را می‌کشند، با آنان بدرفتاری می‌کنند، آن‌ها را معلول می‌کنند، از آنان در گروه‌های مسلح عضوگیری می‌کنند یا آنان را می‌ربایند، به ثبت می‌رساند و آن‌ها را برای نقض حقوق کودکان مسئول می‌داند.^۱ گوترش گفت که از حملات مکرر به مدارس و بیمارستان‌ها در جنگ اوکراین وحشت‌زده است و مسکو را به دلیل تعداد زیاد کودکان قربانی درگیری‌های اوکراین به فهرست سیاه خود که «فهرست شرم» نام‌گذاری شده، اضافه کرده است.

تازه‌ترین گزارش سازمان ملل که در ۲۲ ژوئن ۲۰۲۳ به شورای امنیت ارسال شده، نشان می‌دهد که از زمان حمله روسیه به اوکراین، در مجموع ۴۷۷ کودک کشته شده‌اند و مرگ دست‌کم ۱۳۶ تن از آنان مستقیماً به سربازان روسیه و گروه‌های مسلح وابسته به آن نسبت داده شده است. دبیرکل سازمان ملل بدون نام‌بردن از شبه‌نظامیان «واگنر» وابسته به ارتش روسیه، به دست‌داشتن آن‌ها در کشتار کودکان اشاره کرده است.

نخستین گزارش‌ها از اخراج اجباری به روسیه در اواسط مارس ۲۰۲۲ و در زمان محاصره ماریوپل منتشر شد. روسیه از سال ۲۰۱۴ شروع به انتقال کودکان از سرزمین‌های اوکراین کرده بود. در ۲۲ مارس ۲۰۲۲، مقامات اوکراین و ایالات متحده ادعا کردند که بیش از دو هزار و ۳۰۰ کودک توسط نیروهای روسی از استان‌های دونتسک و لوهانسک ربوده شده‌اند.

در ۳۰ مه ۲۰۲۲، ولادیمیر پوتین فرمانی را امضا کرد که فرایند پذیرش یتیمان اوکراینی یا کودکانی که از مراقبت والدین بی‌بهره‌اند و اعطای شهروندی روسیه به آن‌ها را ساده می‌کرد. این قانون، حتی با وجود اینکه قانون روسیه پذیرش کودکان خارجی را بدون رضایت کشورشان ممنوع می‌کند، امضا شد. این فرمان همچنین بازگرداندن فرزندان

۱. «نقض حقوق کودکان در مناطق درگیری»، RFI، منتشر شده در ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۳.

را برای بستگان دشوارتر کرد.

بر اساس گزارش مرکز حقوق بشر راثول والنبرگ در مونترال و مؤسسه نیو لاینز در واشنگتن، «دلایل منطقی برای نتیجه‌گیری وجود دارد که روسیه دو ماده از کنوانسیون نسل‌کشی ۱۹۴۸ را نقض کرده است، از جمله انتقال کودکان اوکراینی به روسیه که خود نوعی اقدام نسل‌کشی است. تا ۱۱ آوریل، دو سوم از ۷ میلیون و ۵۰۰ هزار میلیون کودک اوکراینی، بر اساس سازمان ملل، آواره شده بودند. کمیسر حقوق بشر اوکراین، «لیودمیل دنیسوا» و سفیر سازمان ملل، «سرگی کیسلیتسیا»، اظهار داشتند که بیش از ۱۲۰ هزار کودک به روسیه تبعید شده‌اند. تا ۲۶ مه ۲۰۲۲، بیش از ۲۳۸ هزار کودک اوکراینی به خاک روسیه منتقل شده بودند. در طول حمله روسیه به اوکراین، هزاران کودک اوکراینی به اجبار به مناطق تحت کنترل روسیه منتقل شده، به آن‌ها تابعیت روسی داده شده، و در خانواده‌های روسی پذیرفته شده‌اند. موانعی نیز برای اتحاد مجدد آن‌ها با والدین یا وطن اصلی‌شان ایجاد شده است.

سازمان ملل متحد اعلام کرد که این اخراج‌ها جنایت جنگی هستند. دیوان کیفری بین‌المللی لاهه حکم بازداشت ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، و ماریا لووا-بلوا، کمیسر حقوق کودکان، را به اتهام دخالت آن‌ها صادر کرد. بر اساس حقوق بین‌الملل، از جمله کنوانسیون نسل‌کشی ۱۹۴۸، چنین اعمالی «اگر با قصد نابودی یک ملت انجام شود»، نسل‌کشی محسوب می‌شود.

کودکان از والدینی که توسط مقامات روسی دستگیر شده بودند، از نهادهای دولتی و اردوگاه‌های تابستانی گرفته شده‌اند. برخی دیگر در اثر جنگ از والدین خود جدا شده یا گاهی یتیم شده‌اند. به برخی از آن‌ها دروغ گفته شده بود که والدینشان آن‌ها را رها کرده‌اند، یا از آن‌ها برای تبلیغات استفاده شده است. شواهدی وجود دارد که برخی از آن‌ها در روسیه مورد بدرفتاری قرار گرفته‌اند. آن‌ها تحت فشار قرار گرفته‌اند تا میهن‌پرستی روسی را بپذیرند.

«میچل باچله»، کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، در ۱۵ ژوئن ۲۰۲۲ اعلام کرد که آژانس او تحقیقاتی را در مورد ادعاهای اخراج اجباری کودکان از اوکراین به فدراسیون روسیه آغاز کرده است. در ۱۵ مارس ۲۰۲۳، کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد (OHCHR) گزارشی منتشر کرد که این انتقال اجباری کودکان را

«غیرقانونی و جنایت جنگی» اعلام کرد. این گزارش به‌طور کلی سه دسته از کودکان تبعید شده را معرفی می‌کند: آن‌هایی که به دلیل تهاجم روسیه ارتباط خود را با والدینشان از دست دادند، کسانی که هنگام فرستادن والدینشان به اردوگاه فیلتراسیون روسیه از هم جدا شدند، و کودکانی که در مؤسسات بودند.

در پایان این گزارش آمده است که حقوق بین‌الملل بشردوستانه تخلیه کودکان توسط یکی از طرفین درگیری‌های مسلحانه را ممنوع می‌کند، مگر در موارد تخلیه موقتی که دلایل قانع‌کننده‌ای مربوط به سلامت، درمان پزشکی یا ایمنی آن‌ها وجود داشته باشد؛ البته به جز در سرزمین‌های اشغالی. بنابراین رضایت کتبی والدین یا قیم قانونی الزامی است. در هیچ‌یک از موقعیت‌هایی که کمیسیون بررسی کرده است، به نظر نمی‌رسد که انتقال کودکان الزامات مندرج در حقوق بین‌الملل بشردوستانه را برآورده کرده باشد. این نقل و انتقالات با دلایل ایمنی یا پزشکی توجیه نشده‌اند و هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که انتقال کودکان به سرزمین‌های تحت کنترل دولت اوکراین غیرممکن بوده باشد.

کمیسیون به این نتیجه رسیده است که موقعیت‌هایی که در مورد انتقال و اخراج کودکان در داخل اوکراین و فدراسیون روسیه بررسی شده، نقض قوانین بین‌الملل بشردوستانه در حد جنایت جنگی بوده است. دست‌کم شش هزار کودک از سن ۴ ماهگی در ۴۳ اردوگاه «تجدید تربیت» روسیه در اسارت هستند. پژوهشگران این اقدام روسیه را دال بر «جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت» می‌دانند. یونیسف از ۴۳۸ کودک قربانی در جنگ خبر داد.^۱

در ۱۷ مارس ۲۰۲۳، دادگاه کیفری بین‌المللی حکم بازداشت پوتین و لووا-بلوا را به‌اتهام «مسئولیت کیفری» برای اخراج غیرقانونی و انتقال جمعیت (کودکان) از مناطق اشغالی اوکراین به روسیه صادر کرد. این تصمیم تحت شمول «ماده ۸(۲)(vii)(a) و ماده ۸(۲)(viii)(b) اساسنامه رم» قرار دارد.^۲ طبق ماده دوم کنوانسیون نسل‌کشی، نسل‌کشی به هر یک از اعمالی اطلاق می‌شود که به قصد نابودی کلی یا جزئی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی انجام شود، از جمله انتقال اجباری گروه کودکان به گروهی دیگر.

۱. «شواهد جنایت جنگی؛ شش هزار کودک اوکراینی در ۴۳ اردوگاه روسیه»، *دویچه‌وله فارسی*، ۲۶ بهمن ۱۴۰۱.

۲. «صدور قرار بازداشت ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه از سوی دیوان کیفری بین‌المللی»، *انجمن ایرانی حقوق بین‌الملل کیفری*.

این نخستین بار است که دادگاه کیفری بین‌المللی حکم بازداشت رهبر یکی از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل را صادر می‌کند. «کریم خان»، دادستان دیوان کیفری بین‌المللی، گفت: «ما باید اطمینان حاصل کنیم که مسئولان جنایات ادعایی پاسخگو باشند و کودکان به خانواده‌ها و جوامع خود بازگردانده شوند. ما نمی‌توانیم اجازه دهیم با کودکان طوری رفتار شود که انگار غنائم جنگی هستند.»

نتیجه‌گیری

نظام آموزشی از منظر حقوقی، بخش نخست

آموزش حقوق اساسی

بر اساس آنچه پیش‌تر گفته شد، برای دستیابی به جامعه‌ای مدنی، نیاز به گسترش «خیر عمومی» با محوریت نظام آموزشی وجود دارد. حقوق اساسی سطح سوم از امور سیاسی است و نظام حقوقی‌ای که بر اساس منطق مفهومی خود عمل کرده و از دخالت صاحبان قدرت مصون باشد، دستاوردی مهم به شمار می‌آید. اما هرگاه ایده مدرن حاکمیت قانون مطرح می‌شود، اغلب نظامی حقوقی تصور می‌شود که به تنظیم روابط شهروندان می‌پردازد از قرن هفدهم، اندیشه حقوق اساسی بر پایه «ضرورت پاسخگو کردن حاکمان به مردم» استوار شد. یکی از پیامدهای این تحول، گرایش به صورت‌بندی مفهوم «اقتدار حاکم» با محوریت نهادی است که کنترل نهایی بر گسترش «خیر عمومی» دارد، که یکی از این فرآیندها، نظام آموزشی است.

حقوق اساسی نه تنها اساس و بنیان قدرت محسوب می‌شود، بلکه این حقوق بر پایه «توازن اموال و نظام اقتصادی» نیز استوار است. قدرت مردم از طریق روابط مالکیتی به منظور تأسیس اقتدار حکومتی به کار می‌رود. قانون اساسی بنیادی برای ساختار حکومت و ملت فراهم می‌آورد. این قانون نه تنها ساختار اقتدار حکومتی را پایه‌گذاری می‌کند، بلکه ملت را نیز به طریق خاص شکل می‌دهد.

قدرت مؤسس موتور محرک قانون اساسی نیست، بلکه «سوخت آن» است. این قدرت در انگاره‌ای از جامعه سیاسی جای گرفته که با نمایندگی، تفکیک قوا و اجزای نظام حقوقی اساسی، ملت را تعریف می‌کند. بنابراین، از دیدگاه قانون اساسی، انسان اجتماعی و پیوند او با نظام آموزشی بازتعریف می‌شود و بدون قانون اساسی، قدرت مؤسس وجود

نخواهد داشت.

اعلامیه حقوق شهروند فرانسه که مقدمه‌ای بر اعلامیه حقوق بشر (۱۹۴۸)، نسل نخست حقوق بشر) است، بصیرت‌هایی درباره حقوق اساسی، حقوق شهروندی و نظام آموزشی ارائه می‌دهد. اگر اقتدار مردمی نامحدود است، مردم قدرتی حتی بیشتر از این دارند. با افزایش شمار سوءاستفاده‌کنندگان از قدرت، تأثیر افکار عمومی بر افراد کاهش می‌یابد. در نهایت، حاکمیت مردم همواره در نهادهای انسانی وجود دارد، از جمله در نظام آموزشی.

حوزه اقتصادی نظام آموزشی

مسائل اقتصادی نظام آموزشی مبتنی بر دو وجه است: سخت‌افزار که به زیرساخت‌های فیزیکی آموزش مربوط می‌شود و در حوزه اقتصاد کلان و وظایف حکمرانی جای می‌گیرد؛ و نرم‌افزار که به سیاست‌های فرهنگی و مدیریت استراتژیک در ساخت فرهنگ بازمی‌گردد. بخش نرم‌افزاری نظام آموزشی به مبانی «ماهیت و ذات» قانون اساسی نزدیک‌تر است. ماهیت و ذات حاکمیت در نظام و سیستم آموزشی آن متجلی می‌شود. به همین دلیل، حوزه آموزشی از اساسی‌ترین بخش‌هایی است که فیلسوف حقوق اساسی باید در آن نظریه‌پردازی کند، البته پس از فهم جایگاه نظام آموزشی در قانون اساسی. علاوه بر این، مسائل دیگری مانند خرده‌سیستم‌های آموزشی مطرح می‌شوند که به دو بخش اصلی تقسیم می‌شوند:

- آموزش متوسطه
- تحقیقات عالی

اتوریته کردن علوم انسانی و اسلام

با بومی‌سازی علوم انسانی می‌توان مناسبات یک ملت-دولت را پایه‌ریزی کرد. آنچه در وضعیت کنونی کشور نقش تخریبی ایفا کرده، موضوعیت یافتن دین در ساختار حقوق اساسی است. سکولاریزه کردن علوم انسانی در نهادهای آموزشی و فرهنگی می‌تواند هماهنگی و اثربخشی بهتری در جامعه ایجاد کند و فهم نهاد تصمیم‌گیران حکومتی را بهبود بخشد.

برای داشتن نظام آموزشی کارآمد، باید دانش مبتنی بر رشته‌های علوم انسانی و بستر تاریخی کشور را درک کرد و آن را برای مدیریت آموزشی به کار برد. این در حالی است که در جامعه پس از انقلاب ۵۷، شایسته‌سالاری حاکمان بر مبنای دیانت و شریعت‌مداری آن‌ها تعیین شد و نه بر اساس تخصص و فهم آن‌ها از علوم انسانی. از دیگر موضوعات مهم، بازاندیشی در جایگاه علوم انسانی در میان نسل جوان و مناسبات فرهنگی جامعه است. برای نمونه، منزلت علوم مهندسی بسیار بالاتر از علوم انسانی است، اما در علوم انسانی رشته‌های بنیادین مانند فلسفه حقوق، فلسفه سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی و علوم ارتباطات اهمیت ویژه‌ای دارند.

نظام آموزشی از منظر حقوقی، بخش دوم

در بخش نخست، مباحثی در خصوص نظام آموزشی از منظر حقوقی مورد تحلیل قرار گرفت. در این بخش، به بررسی نظام آموزشی در مقطع متوسطه و آموزش عالی پرداخته می‌شود.

نظام مقطع متوسطه

الزام به درک سکولاریسم در هر نظام آموزشی، به‌ویژه در مقطع متوسطه، امری ضروری است. مفاهیمی چون حقوق بشر، رواداری، پلورالیسم، اخلاق کار گروهی، اخلاق اجتماعی و خانوادگی با رویکرد فمینیستی، و درک سوسیال دموکراسی در اخلاق و تعاملات اجتماعی باید به‌عنوان درس‌های اجباری آموزش داده شوند. همچنین، درک اندیشه‌های سیاسی، مطالعات روانشناختی، منطق، فلسفه هنر و رسانه، قواعد تعامل در عصر رسانه و نحوه بهره‌برداری از شبکه‌های اجتماعی باید در این مقطع گنجانده شود. این آموزش‌ها نه تنها برای ارتقای سطح فرهنگی دانش‌آموزان اهمیت دارد، بلکه برای شکل‌دهی به شهروندانی آگاه و مسئول نیز ضروری است.

نظام آموزش عالی

در نظام آموزش عالی، دو مولفه اصلی باید مورد توجه قرار گیرد: روش تحقیق و نگاه سیستمی به مسائل پژوهشی. یکی از بزرگترین مشکلات نظام‌های آموزشی در کشورهای در حال توسعه، نبود این نگاه سیستمی است. مؤلفه دوم، یعنی نگاه بین‌رشته‌ای و

پروبلما تیزه کردن موضوعات تحقیق، مسأله‌ای است که کشورهای توسعه‌یافته به دلیل منافع خود، تمایلی به انتقال آن به کشورهای در حال توسعه ندارند؛ زیرا همانند دانش فنی در سیستم‌های تکنولوژیک، این مهارت نیز اهمیت استراتژیک دارد.

مشکل اساسی روشنفکری در کشورهای در حال توسعه این است که حتی به سطح روشنفکری و روشنگری به معنای عمیق آن نرسیده‌اند، چه رسد به درک مشکلات جامعه بر مبنای تحقیقات سیستمی. دانشگاه‌ها در این کشورها مانند قیفی هستند که ورود به آن دشوار است، اما خروج از آن با حداقل تلاش و ارائه پژوهش‌های کلیشه‌ای و گسسته از واقعیت‌های اجتماعی، آسان است. این در حالی است که برعکس آن باید مصداق داشته باشد: همه باید بتوانند به راحتی وارد دانشگاه شوند، اما تنها کسانی از آن خارج شوند که قادر به حل مسائل اجتماعی با نگاه سیستمی باشند.

پژوهش‌هایی که در دانشگاه‌های جوامع در حال توسعه انجام می‌شود، اغلب از متن جامعه گسسته است و تنها به هدر رفتن ثروت و وقت نهادهای آموزشی منجر می‌شود. این مشکل یکی از شاخص‌های بارز جوامع در حال توسعه به شمار می‌آید.

بحث کارآمدی نظام آموزش عالی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، بحثی پیچیده و چندوجهی است. هگل در دوره‌ای از عمر خود به موضوع فلسفه دانشگاه پرداخت و اکنون این موضوع در نهادهای پژوهشی کشورهای توسعه‌یافته به یکی از مسائل جدی تبدیل شده است. متأسفانه حتی کلیدواژه‌های مرتبط با این بحث در ذهنیت عناصر اپوزیسیون وجود ندارد، که همواره به دنبال گذار از وضع موجود به وضع مطلوب هستند.

ما بیش از آنکه به واقع‌گرایی نزدیک باشیم، آرمان‌گرایانی تخیلی هستیم و از شنیدن این واقعیت دچار درد می‌شویم. عقلانیت انتقادی تنها برای نقد حاکمیت به کار می‌رود، آن هم در سطحی سطحی و ژورنالیستی، نه بیشتر.

اپوزیسیون تا چه حد خود و دیگر عناصرش را در نسبت با فلسفه سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی، دانش بنیادین پژوهش‌ها و دیدگاه‌ها، روانشناسی سیاسی، روانشناسی اجتماعی و رسانه‌شناسی مورد نقد قرار داده است؟ ما کمتر خود و دیگری را مطالعه می‌کنیم و از این نظر در وضعیت ناکارآمدی به سر می‌بریم.

منابع

فارسی

- قانون اساسی جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸ و ۱۳۶۸.
- اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱.
- قانون بسیج دانش‌آموزی، ۱۳۷۵.
- قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مصوب ۱۳۹۹.
- قانون ارتقا امنیت زنان در برابر هرگونه خشونت.
- کتاب «روح القوانين، اثر، بارون دو منتسکیو فیلسوف قرن ۱۸ در خصوص «امنیت و نیاز صلح در جهان»، ترجمه و نگارش، علی اکبر مهتدی، جلد اول، چاپ چهارم، موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۵.
- اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸.
- پیمان بین‌المللی حقوق کودک، ۱۹۸۹ و موادی از این کنوانسیون.
- کنوانسیون بین‌المللی منع جنگ افزارهای شیمیایی مصوب ۱۳ ژانویه ۱۹۹۳ و اجرای ۲۹ آوریل ۱۹۹۷.
- اساسنامه رُم و دیوان کیفری بین‌المللی مصوب ۱۹۹۸ و اجرای ۲۰۰۲ فصل جنایات علیه بشریت و جرائم جنگی و مواد و مصادیق این جرائم.

- سند مربوط به پیشینه تاریخی «خون بس»، در دوران کهن احکامی درباره دیه و قصاص وجود داشته که در قانون نامه حمورابی، آشور و قوانین ایران باستان به آنها اشاره شده است (بادامچی، ۳۴؛ قانون نامه ...۶۴). در عهد عتیق نیز از قصاص یاد شده است (سفر خروج، ۱۲: ۲۵-۲۶). بر اساس «وندیداد» می توان گفت که در ایران پیش از اسلام مجازاتی برای آسیب رساندن به دیگران در نظر گرفته می شد (فرگرد چهارم).

انگلیسی و سوئدی

- Child marriage Archive, 2019, 9, 5.
- Child marriage Archive, UNICEF, 6, 1, 2022.
- Äktenskapsbalken; 1973, SWEDEN LAW.
- Barnäktenskap; 1987, SWEDEN LAW.
- A Note on child Marriage, UNICEF, July 2012, Archive 19, 8, 2018, page 3.
- Forced Marriage From a Gender perspective, European Parliament, Februari 2016 and 2 August 2016.
- Ahmady, Kameel. An Echo of silence, A Comprehensive Research Study on early Child Marriage, (ESMIN Iran).
- Nova publishing, USA -2017. p 8 & 9 million boys and men around the world 115 married as child - UNICEF, 2021-9-29.
- International Labour Organization/ILO, 1999.
- Children and Armed; UN enters “era of application” in its Campaign against children soldiers Center for Defence Information.
- Yemen`s children, soldiers go to war. “United press International. 6 January 2010. Retrieved”. 10 April 2010.
- US; Move Khadr and Hamdan Cases to Federal court Machine. Human Rights watch. Retrieved on 2007, 7, 26. Archived; 2008, 7, 7. Cambodia Blog.
- Putin appointed Maria Lvova- Blova Commissioner for children`s Rights.
- TASS Archived from the Original on 27 October 2021.

- Invaders deport children from Mariupol and Volnovakha to Rostov Oblast, Russia. They want to turn them into Russian, on 2 June 2022.
- Japan imposes personal sanction on 36 Individuals, 2, 2023. Quinn, Alison 16, 6, 2022. Putin's Advocate for Children Welfare is straight-up stealing kids in Ukraine, U.K says; the Daily Beast. On 19, 6, 2022.
- Putin arrest warrant issued over war Crime allegations, BBC News, 17 March 2023. Situation in Ukraine; ICC judges issue Warrant against Vladimir Vladimirovich Putin and Maria Aleksey-Evna Lvova-Belove; International Criminal on 17 March 2023.
- Chemical Weapons Convention, 13, January 1993, 29 April 1997.
- The State of the World's Children 1996. UNICEF. Archived from the original on 8 February 2018. Retrieved 5 November 2017.
- Schmitz, Cathryne L.; Traver, Elizabeth Kim Jin; Larson, Desi, eds. (2004). *Child Labor: A Global View*, Greenwood Publishing Group. p. 120. ISBN 0-313-32277-5.

